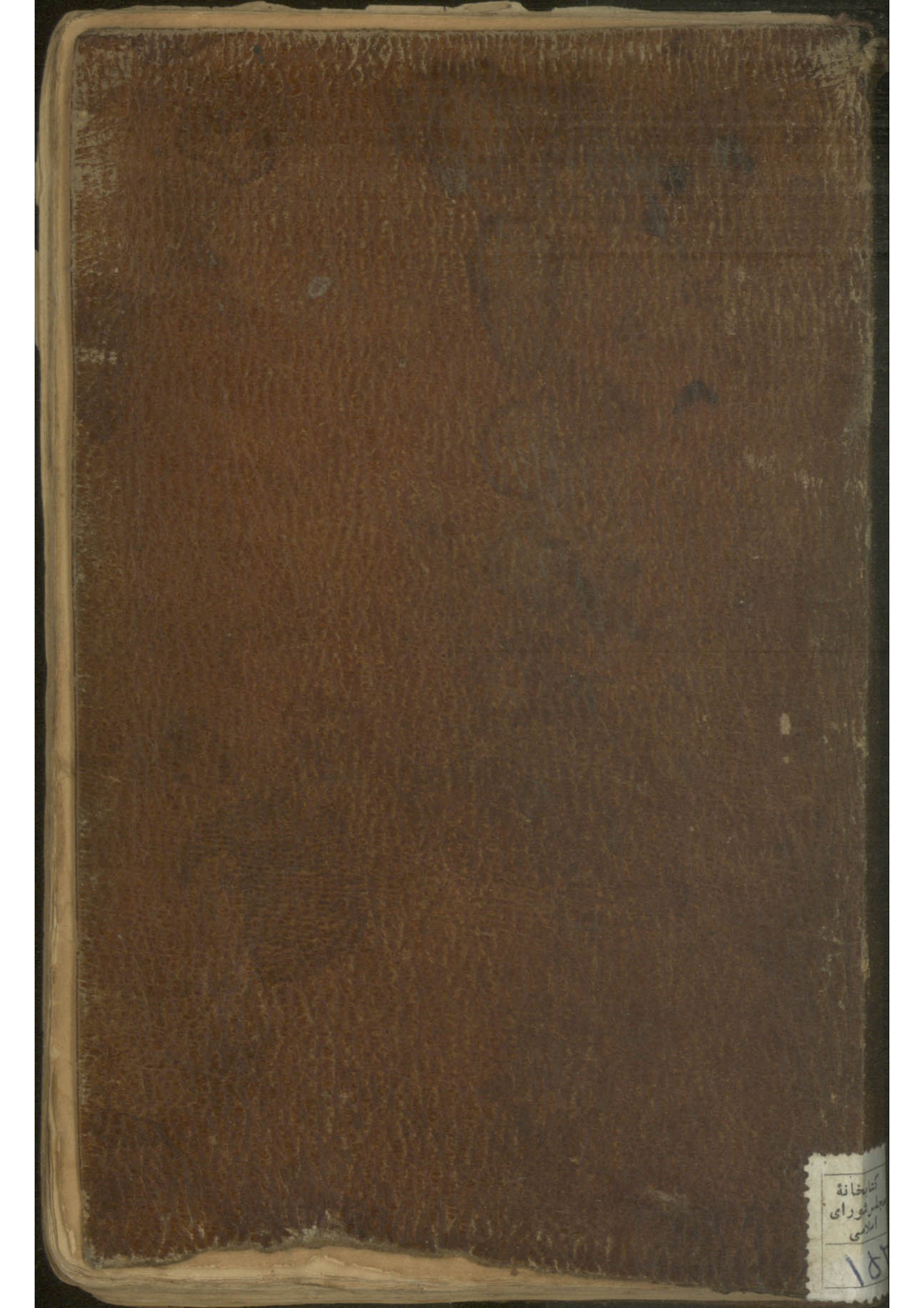




بسم الله الرحمن الرحیم

مفتاح فلاح دنیی و عقبی و مقدمه نجاح آخره و اولی حمد و ثنا [illegible]
که دعا را کلید خزائن فضل و احسان و مفتاح ابواب طول و امتنان ساخته هر که
در شبستان تن شب زنده داری عبادتش مصباح دعا یا افروخت صبح اجابتش
چون صبح صادق دمید و هر که در زاویه التجای عشق مناجات صبحگاهی برخواست نخستین
چهره مقصود خویش در صحیفه دعا اعمال اعیان در کاشش براه امان از رام [illegible]
پرواز [illegible] سماوات اجابت سالمان بار کاشش واضح و لائح
گر [illegible] پشت گرمی حقش [illegible] دکنه کاران خرمن جرمن [illegible]
مهر سوز دوغز [illegible] اکسیر [illegible] نقوش دعای مظلومان صد جوش

خرب البحر بنیاد گروه ستمکاران آب رساند سیفی را اثری بخشیده که با ضربت
آن جوشن داودی سود ندهد و جوشن را تعویذی نکرد [illegible] سیف مصری یان گزیدی
[illegible] در سنگ منهج اعدا دین علوی مصری را قایم مقام ذوالفقار حیدری گردانیده
و در حفظ ارباب ایمان و یقین حرز یمانی را اساد مسند سد اسکندری ساخته تعالی شانه و عظم
افشانه و وسیله وصول مطالب دارین و ذریعه حصول مقاصد نشاتین صلوة و درود
رسول واجب التکریمیست که نخستین مرتبه مجد و فخرش و دنی فتدلی و اولین پایه
قرب و منزلتش قاب قوسین او ادنی طایر بلند پرواز همتش را آشیان بر شاخ
سدرة المنتهی و کمیت خوش خرام نعتش را میدان ولسوف یعطیک ربک فترضی
برگردیدن آفتاب ببرکت دعای اجابت قرینش کالشمس و خرو
نشستن آتشکده فارس در شب میلاد سعادت بنیادش کالنار
تسبیح حصا در کف معجز نمای از معجزات ظاهره اش بیگزاف زیاده از ریگ بیابانست
و طراوت ابر بافرق از آیات باهره اش [illegible] اغراق [illegible]
از قطرات باران شکستن طاق کسری هنگام طلوع کوکب سعادت انجام براعت استهلال
ظاهر [illegible] شق قمر [illegible] باشاره انگشت معجز نمایش مانند آفتاب تابان مشاهده شد
[illegible] رفتن آب دریا در شب میلاد میمنت [illegible] لایح از معجزات [illegible]

سرچشمه پدید و صفا فزون از محیط و عمان روان گوید روح الامین سر خیل همه روحانیات
اگر بسعادت ملازمتش ببالد چه عجب پر و بال ولحه خدمت اوست و سلالهٔ طین مسجود
تمامی کروبیانست اگر بشرف انتسابش بنازد چه شگفت از خاک بر داشته نسبت او
در روز بازار شفاعتش کمترین گناهی ابر اسبستان جنان سرا برکه فروخته دعوای
غبنش در محکمهٔ قضا بسجل رسید و در روز دیوان عدالتش عبادت صد ساله بی ولای
آل اطهارش عرض نموده بجزای آن بقید دوام مقید باغلال و سلاسل گردید صلوات الله
علیه وعلیهم اجمعین الی یوم الدین   بر مرایای حقایق نمای هوشمندان حقیقت گزین
پرتو افتاب هدایت یزدانی و بمرهی خضر عنایت سبحانی بسر چشمه حیوان تحقیق و ایقان
بی پرده جمال شاهد حقایق اشیا با لکای در اینه سکندری ظهور جلوه گر یافته محتجب و مخفی
نخواهد بود که علت غائی و غرض اصلی از ابداع انسان و اختراع این زبدهٔ نتایج ارکان و
خلاصه   عالم امکان برونق طغرای غرای و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون
مواظبت بر طاعات و اشتغال بعبادات تا اینکه هر کس در خور استعداد و قابلیت [illegible]
انها اکتساب نماید و بازاء استحقاق و اهلیت از انها اقتباس فرماید سزاوار رحمت
و قبولها و مستحق نعمتهای لا تعد و لا تحصی گردیده در مرتبه خود در جنات عدن بعضها
بعض قرار گیرند و چون از کتب جمله مصنفه درین باب کتاب مفتاح الفلاح [illegible]

حضرت شیخ محقق و بحر مدقق وحید زمانه و علامه اوانه الشیخ بهاء الملة والدین محمد العاملی
عامله الله بلطفه الخفی والجلی در صلوة و ادعیه شبانروزی تالیف فرموده کتابیست
جلیل القدر غزیر المسائل عظیم الشان عدیم المثال قبای قلمی هیچ و نه حرف برقامت
توصیف آن نارسا و جامه طویل الذیل الفاظ در بر تعریف آن کوتاه ففی کل سطر
و فی کل شطر منه عقد من الدرر لیکن چون بزبان عربی سمت تحریر یافته و جمعی را
بلغت فارسی مانوس و مالوف بوده باشد از آن چندان تمتع و بهره میسر نه بخاطر
فاتر این بنده محتاج بعفو باری جمال الدین محمد بن حسین خوانساری رسیده که آنرا
بزبان فارسی ترجمه نماید تا همگی طوایف انام از خواص و عوام از آن محظوظ و بهره مند گردند
بنا بر آن اقدام بر آن نموده انچه کلام شیخ رحمه الله بود ترجمه نموده بترجمه آن اکتفا نمود و ادعیه را
نقل کرده ترجمه آنرا در تحت آن قلمی گردانید و در هر جا که احتیاج توضیحی بود خواه از فقرات
دعا و خواه ترجمه از کلام شیخ در حاشیه توضیح آن نمود و همچنین انچه از مسائل خلافی
درین کتاب مذکور شده نقل اقوال علما در انها و ترجیح هر طرف که باعتقاد فقیر رجحان داشته
در حاشیه قلمی شده و انچه شیخ ره در توضیح بعضی فقرات ادعیه قلمی نموده اند بعضی
بعبارتها ترجمه شده و در حاشیه نوشته شده و سند آن ش ره رقم شده و بعضی دیگر
مضمون آن در طی بعضی حواشی از شیخ نقل شده و سخنان دیگر بان الحاق شده و از سخنان شیخ

چیزی ازین دو قسم بیرون نرفته مگر قلیلی از آن که ترک نموده و گر انها را انجمه انکه مناسب این
و آنچه غرض از وضع این بود بمنید انست و همچنین هر جا که در کلمات شیخ باعتقاد این فقیر خللی بود
در حواشی اشاره بآن نموده مگر بعضی مواضع که دیگران مناسب این ترجمه بود و آنچه حواشی این
فقیر است سند آن جم رقم شده و بحمد الله والمنه شاهد این تمنا بر وفق مدعا پیرایه اختتام
در بر کرده زینت افزای انجمن ارباب عرفان و خرمی بخش چمن اصحاب ایقان گردید
فحمد الله ثم حمد الله و از آنجا که عادتیست قدیم و رسمی کهن در بین همه ارباب دانش و بینش
بملاحظه احوال خویشتن ظاهر و روشن که هر کس را تمنای آن که آنچه عزیز دارند و تحفه شمارند
بجانب برگزیده دوران و فرمان فرمای زمان اهدا و اتحاف نماید چنانکه حکایات
ملخ و مور و اعرابی و آب شور بر همه السنه و افواه مذکور و مشهور است این قلیل البضاعة را
نیز هوای آن بر سر افتاده که این کمترین محقر سطور نظر استادگان پایه سریر گردون نظیر
سلطان زمان و شهنشاه دوران یعنی صاحب قران گیتی ستان انجم سپاه
گردون بارگاه شهریار عادل با دل دریا دل که در طی وادی مدحتش شهباز بلند پرواز
سخن صد باره بال گذاشته و کمیت خوش خرام قلم هر قدم چندین نعل انداخته بر خود
که سیاح عوالم لفظ و معنیست از برای   این بیابان بی پایان
قلم عصای فولاد بر داشته و دبیر ناطقه که سیاح بحار نظم و نثر است

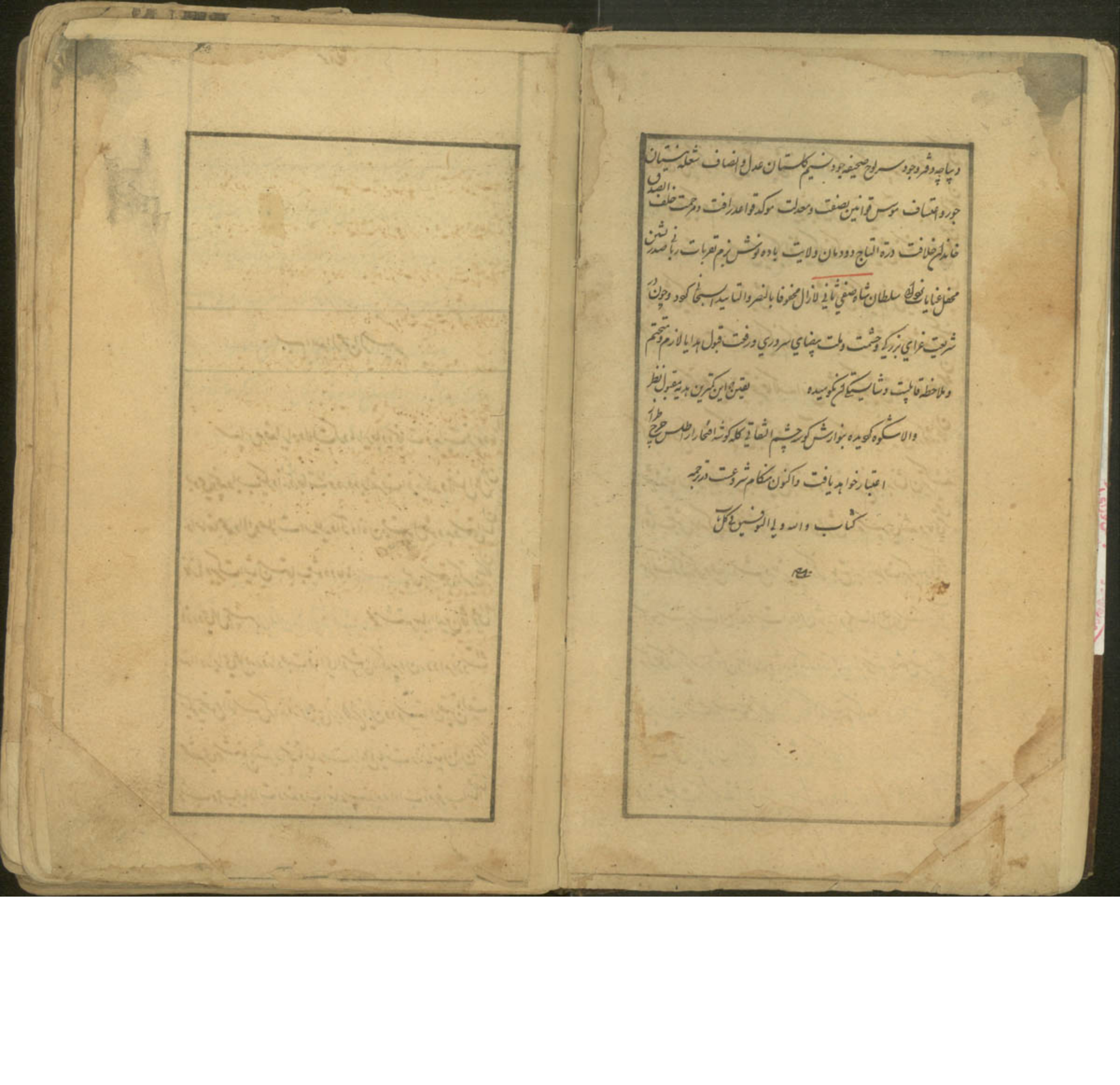
بجهه هر شعبه این بحر بیکران سفینها ساخته شه عالم ستان آسمان تخت جهان گیر و
جهان بخش جوان بخت همه روی زمین زیر نگینش فلک فیروزه انگشترینش
بقصر دولتش چون طاق بستند دوباره قصر کسری را شکستند فلک حیران فر
افسر اوست قیامت محو جوش لشکر اوست جبهه بر خاک درگاهش مالیدن سر اصحاب
برعرش برین سودن سجده بر در آستان ملایک پاسبانش کردن سر بر زمین آسمان
فرو نهادن و چون حلقه اطاعتش در گوش گردون و دوش ماه دوش دولت جاوید ایزدی
خورا بر نور سلطانی فزین ساختن غاشیه دولتش بر دوش گردون دوش با دوش دولت
جاودانی رفتن اگر نعل سمند اش حلقه در گوش هلال کند جا دارد اگر شمسه طاق ایوانش لب
بر لب جام خورشید گذارد میرسد اگر علو قدرش پا گرانی حلمش قدر نشدی زمین
در آب غرق گشتی و اگر معین لطفش با آتش قهرش نیامیختی جهان سراسر سوختی گر سحاب تیغش
زر بهیان با تهیان در کنار مفلسان گذارد به اگر روز زردی اشیا نزار رود به رنگ ماهی زایل
کند و سحاب عطایش لآلی آبدار بر سر و روی سائلان نثار کند تا قطرهای خون خجالت
در آن شسته گهر تیغ آبدارش آتش بجان دشمنان اندازد و سنان آتشبارش جوی خون
در میدان روان سازد هنگام بالا بودن تیغ ماهی سمان در شکم زر چیدن و در وقت ماهی
آوردن گاو زمین در خشت دیدن حین جنبش شاهراه عدل و انصاف ریزش نمکش از اطراف

تا بقاف از رشک گهرپاشی دست سخایش از بس خون در عروق آید بحران گردد بر رنگ
گل بحری برآید و از شرم در افشانی کف عطایش از بس دریا رنگ بر رنگ گشته ابری نظر دارم
اگر سکه میمون بر ورق گل محمدی زنند بازار سبکی شکنند و اگر بجای زر برگ لاله عباسی
مقرر سازند دیگر اشرفی سکه دینار خرج نشود در جنب ایستادگان پایه سریر گردون نظیر
ملوک عجم گدایند و در برابر اسباب بساط فلک انبساط آیینه سکندر و جام جم چه نمایند
سرانجام هشتی جلش لشکر اندازد اگر همه کوه باشد کمر جا زند و بر هر جا که کوه شکوهش سایه افکند
اگر همه قاف باشد ناف بگذارد و در زمان عدالت توامانش بره از پستان گرگ شیر گیرد
و شعله در پر و بال پروانه پرنیان و حریر صرصر خزان را یارای آن نه که رنگ چهره گل بشکند
و باد مهرگان را قدرت آن کجا که سر زلف سنبل تاب دهد ستمگر را از خنده و نشاط همین بهره
در قلعه قهقهه جا دارد و فتنه جز از عمر و حیات همان قدر حظ که دم آبی از لب تیغ آسمانی
در دوران سخاوت بنیانش مروارید چنان از چشم افتاده که بجز صدف کسی در گوشش نکند
و یاقوت هر چند شش آب و رنگ کند از سفال کمتر لعل گران بها در نظرها سبکتر از سنگ
و بحر با اینهمه حوصله از دست مرجان تنگ و دیده صدف در انتظار مشتری آب مروارید
آورده و چشم در یتیم خریدار سفید شده عجب آنکه از رشک دست زرفشانش کان را
تب گرفته و دریا در بحر فکر افتاده و طرفه اینکه از بیم کف گهربخشش دریا را لرزه بر اندام افتاده
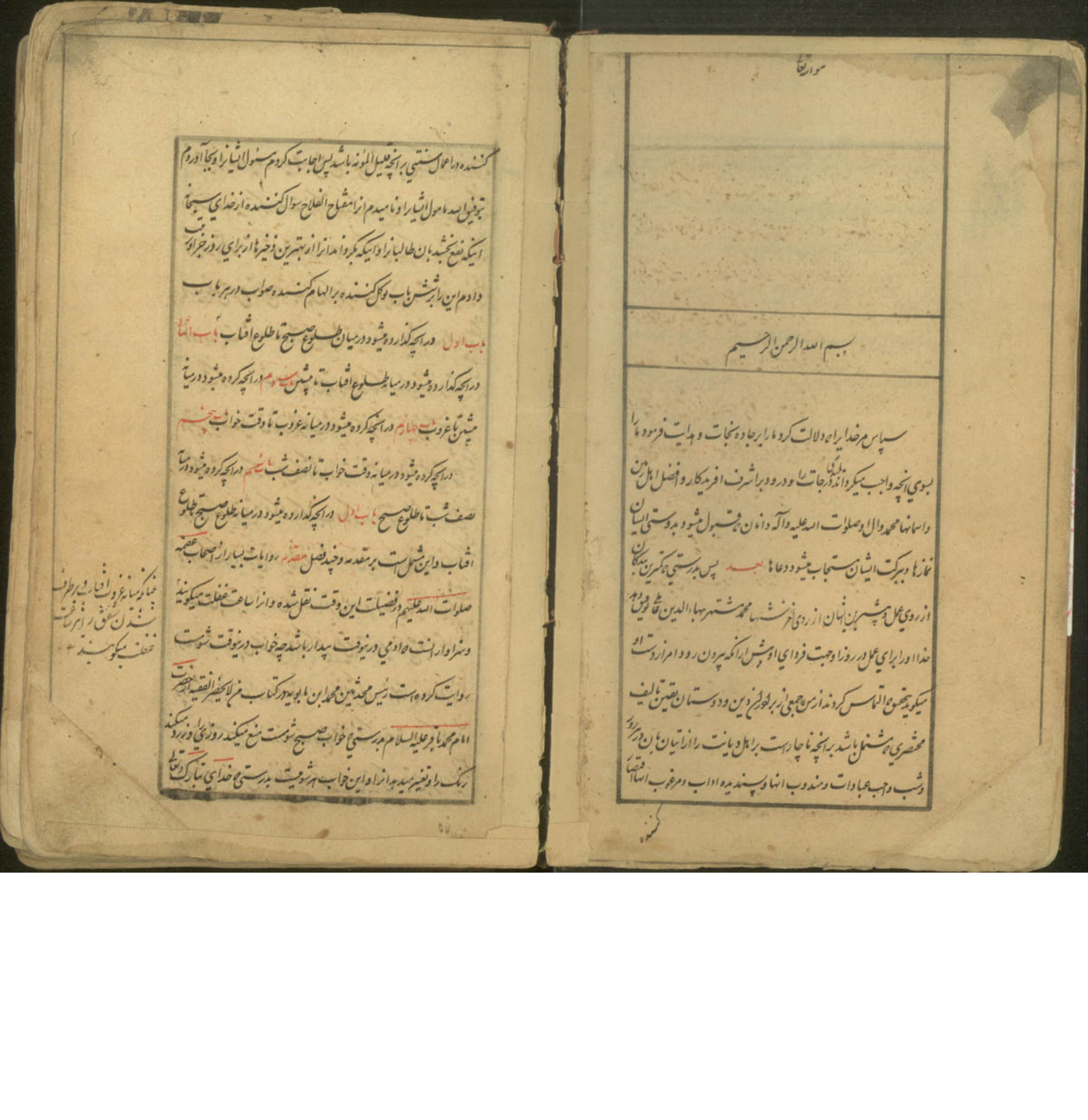
آبدارش

دکان نقل

دکان نقل را چه کار از لعل و یاقوت پیش خود نهاده و هر گوهری که در سفینه صدف چشم باز کند
بجانب این بحر کرم وجود غلطان و بهر لعلی که چون دل ای بروی کار آورد بطرف این معدن
همت و سخا روان حاصل بحرین بگهرافشانی یک لحظه کف عطایش وفا نکند و خراج دین
بزرپاشی یک روزه دست سخایش نرسد و در عهد شجاعتش اگر گویم اطفال شیرخوار بر سر پیلان
چنگ زنند رواست و اگر دعوی این کنم که کودکان لب از شیر ناشسته پنجه شیر در هم شکنند
درست تیر خدنگش اگر از پی تسخیر ممالک ارواح دشمنان بدکیش قدم از خانه کمان بیرون
گذارد تمام آن مملکت را پیش از نفس بقبضه تصرف در آورد و اگر بعزم حلقه نشینی در گوشه کمان
نشیند چنان حلقه بر ظالمان بداندیش نشانده همواره از سهم آن مو بر بدن شان تیر گشته
آفتاب تیغش بر سر که پرتو افکنده شب ظلمانی عمرش در دم سپری نشد و همای تیرش
بطرف که گذر کرده مرغ روحش در قفس پرواز نکرده با تیغ آبدار بطرف هر که روی آورد
اگر همه رستم دستان باشد دست از جان بشوید و با سنان جان ستان بجانب
هر که حمله کند اگر صد جوشن و خفتان پوشیده باید که دعا بگوید از بیم پیش خصم بداختر
کند چون خارپشت از سینه مغفر بمیدانش کند گر رستم اسنک نیابد فرصت بر بدن
رنگ تن آهن قبایان روز پیکار ز شمشیر شش و پیکر همچو پرکار قره باصره سلطنت و جهانبانی
غره ناصیه عظمت و کشورستانی نخل بلند چمن سعادت و اقبال نهال برومند گلشن دولت و اجلال



دیباچه دفتر وجود سرلوح صحیفه جود نسیم گلستان عدل و انصاف شعله نشان
جور و اعتساف موسس قوانین نصفت و معدلت موکد قواعد رافت و مرحمت خلف الصدق
خاندان خلافت درة التاج دودمان ولایت باده نوش بزم قربات ربانی صدر نشین
محفل غزا یا نواب سلطان شاه صفی ثانی لازال محفوفا بالنصر والتاييد السبحانی گردد و چون در
شریعت غرای بزرگی و حشمت و ملت بیضای سروری و رفعت قبول هدایا لازم و متحتم
و ملاحظه قابلیت و شایستگی آن نکوسیده نقیض این کمترین هدیه مقبول نظر
والا شکوه گردیده به نوازش گوهر چشم التفات گلگوشه افتخار از اطلس چرخ طراز
اعتبار خواهد یافت و اکنون هنگام شروعست در ترجمه
کتاب والله و یالونفس الکل



بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس مر خدایرا که دلالت کرد ما را بر جاده نجات و هدایت فرمود ما را
بسوی آنچه واجب میگرداند درجات عالیه را و درود بر اشرف آفریدگار و افضل اهل زمین
و آسمانها محمد و آل او صلوات الله علیه و آله که بدان قبول میشود و بدوستی ایشان
نمازها و ببرکت ایشان مستجاب میشود دعاها **بعد** پس بدرستی که کمترین بندگان
از روی عمل و پسترین ایشان از روی [illegible] محمد مشتهر به بهاء الدین عاملی توفیق دهد
خدا او را برای عمل در روز او جهت فردای او پیش از آنکه بیرون رود امر از دست او
میگوید که بخصوص التماس کردند از من جمعی از برادران دین و دوستان یقین تالیف
مختصری که مشتمل باشد بر آنچه ناچار است بر اهل دیانت را از اتیان بآن در روز
و شب از واجب عبادات و مندوب آنها و پسندیده آداب و مرغوب آنها مقتصر

کننده

کننده در اعمال سنتی بر آنچه قلیل المؤنه باشد پس اجابت کردم سؤال ایشان را و بجا آوردم
بتوفیق الله مأمول ایشان را و نامیدم آن را بمفتاح الفلاح سؤال کننده از خدای سبحانه
آنکه نفع بخشد بآن طالبان را و آنکه بگرداند آن را از بهترین ذخیرها از برای روز جزا و ترتیب
دادم این را بر شش باب و توکل کننده بر الهام کننده صواب در هر باب
باب اول در آنچه گذارده میشود در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب **باب ثانی**
در آنچه گذارده میشود در میانه طلوع آفتاب تا پیشین **باب سوم** در آنچه کرده میشود در میانه
پیشین تا غروب **باب چهارم** در آنچه کرده میشود در میانه غروب تا وقت خواب **باب پنجم**
در آنچه کرده میشود در میانه وقت خواب تا نصف شب **باب ششم** در آنچه کرده میشود در میانه
نصف شب تا طلوع صبح **باب اول** در آنچه گذارده میشود در میانه طلوع صبح تا طلوع
آفتاب و این مشتمل است بر مقدمه و چند فصل **مقدمه** روایات بسیار از اصحاب عصمت
صلوات الله علیهم در فضیلت این وقت نقل شده و از ساعت غفلت میگویند
و سزاوار است که آدمی در این وقت بیدار باشد چه خواب در این وقت شومست
روایت کرده است رئیس محدثین محمد ابن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که بدرستی که خواب صبح شومست منع میکند روزی را و زرد میکند
رنگ را و تغییر میدهد آن را و این خواب هر شومی است بدرستی که خدای تبارک و تعالی

چنانکه میان غروب آفتاب و برطرف شدن شفق را از ساعت غفلت میگویند

قسمت میفرماید روزیها را در میانهٔ طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس چون رسید شما از خواب
در آن وقت و روایت کرده است نیز در کتاب مذکور از امام ابو الحسن رضا علیه السلام در تفسیر
قول خدای تعالی فالمقسمات امرا که آنحضرت فرموده که ملائکه قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را
در میانهٔ طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هر که بخوابد در میانهٔ این دو وقت میخوابد از روزی
خود و روایت شده است که نماز صبح نوشته میشود در عملهای شب و عملهای روز هر دو
روایت کرده است ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق
در تفسیر آیهٔ شریفهٔ ان قرآن الفجر کان مشهودا که آنحضرت فرمود یعنی نماز صبح حاضر میشوند
از برای او ملائکهٔ شب و ملائکهٔ روز پس هر گاه بگذارد بنده نماز صبح را وقت طلوع صبح ثبت میشود
از برای او دو مرتبه ثبت میکنند ملائکهٔ شب و ملائکهٔ روز و در این مقام اشکالی است و آن است
که روایت کرده اند جمعی از علمای ما از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که مردی
از نصاری پرسید از پدر من حضرت باقر علیه السلام از ساعتی که نیست از ساعات شب و نه
از ساعات روز پس آنحضرت فرمود که آن ساعتی است که میانهٔ طلوع صبح است تا طلوع آفتاب
و پوشیده نیست که این منافات دارد با آنچه نقل کرده اند اصحاب ما و بر آن اجماع
کرده اند که نماز صبح از نماز روز است و هیچ مخالفت نکرده است در این مگر سلیمان بن
مهران اعمش که او نماز صبح را از نماز شب شمرده و استدلال کرده بقول پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

نماز روز

که نماز روز عجماست یعنی آهسته که آواز شنیده نمیشود و استدلال کرده اند نیز از جانب اعمش بآنچه
روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب فقیه از حضرت ابو جعفر علیه السلام که آنحضرت
فرموده که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نماز نمیکرد در روز پیش نمازی تا آنکه زوال آفتاب میشد
و حکمت خلاصی ازین اشکال آنکه روایت وارد شده است بآنکه شخصی نصرانی از حضرت باقر
علیه السلام سؤال کرده که شیخ بوده از علمای نصاری و سؤال کرده از آنحضرت مسئلهٔ بسیاری
که معروف نبوده مگر در میان اکابر علمای ایشان و این مسئله از جملهٔ آنها بوده پس شاید که
امام که جواب فرموده باشد او را بآنچه موافق عرف و اعتقاد او باشد و این منافات
ندارد با آنکه روز در شرع حقیقت باشد در آنچه میانهٔ طلوع صبح باشد تا طلوع
آفتاب و اما آنچه استدلال کرده است بآن اعمش از قول پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
که نماز روز عجماست پس جواب گفته اند از آن علمای ما قدس الله اسرارهم بآنکه
از باب تغلیب گردانیدن اکثر است بر اقل و آنکه آنحضرت گردانیده است نماز
صبح را از نماز شب جهت مبالغه در تغلیس پس بتحقیق که روایت کرده اند که پیغمبر صلی الله
علیه وآله وسلم تغلیس میفرمود بنماز صبح حتی آنکه هر گاه فارغ میشدند از آن
بر میگشتند زنان و ایشان شناخته نمیشدند بسبب تاریکی و روایت کرده است رئیس
محدثین در فقیه که یحیی بن اکثم سؤال کرد از حضرت ابوالحسن علیه السلام از نماز صبح که چرا

بلند میکنند در ان قراءت را و جال انکه اکثر از نماز روز است پس انحضرت فرموده
انکه پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم تغلیس میفرموده اند پس نزدیک میکرده اند از آنچه
ذکر کردیم ظاهر میشود جواب از انچه استدلال کرده اند بان از جانب اعمش با انکه ازست
مراد امام ع نفی نماز سنی است جهت رد بر سنیان که نماز چاشت را سنت میدانستند
تبصره قصوری نیست در تحقیق صبح اول و دوم نقل کلامی در این مقام که ذکر کرده است ازا
علامه جمال الملة والحق والدین در کتاب منتهی المطلب و ان اینست بدانکه روشنی روز
از افتاب است در روشن میشود هر چیزی که تیره باشد و نفس و کثیف باشد فی ذاته
مانند زمین و ماه و اجزای زمین خواه متصل باشد بزمین و خواه جدا باشد از ان
بطرف دیگران و بتحقیق که تقدیر کرده است خدای تعالی بحکمت لطیفه خود کردیدن
افتاب را دور زمین پس هرگاه افتاب زیر زمین باشد می افتد سایه زمین بالای
زمین بر شکل مخروطی و احاطه میکند هوای که روشن شده بروشنی افتاب بهمه اطراف
این مخروط پس روشن میشود اطراف این سایه مخروطی بروشنی ان هوای روشن لیکن
روشنی هوا چون ضعیف است بسبب انکه بالذات نیست و از دیگری کسب شده
نفوذ نمیکند بسیار در اجزای ان مخروط بلکه هر چند دور میشود از ان روشنی زیاده میشود ضعف ان
پس هرگاه بوده باشیم ما در وسط ان مخروط خواهیم بود در تاریکی سخت پس چون نزدیک شود

بآفتاب

آفتاب

افتاب بافق شرقی میل کند ان مخروط سایه از بالای سر و بطرف مغرب می افتد و نزدیک
میشود ببصر ان اجزایی که در اطراف سایه روشن شده بودند بروشنی هوایی که از افتاب روشن
شده بود که دور میبود قدری اندک قوی میگردد روشنی ان اجزا پس ادراک میکند انرا بصر نزدیک
صبح و همچنین هر چند زیاده میشود نزدیکی افتاب بافق زیاده میشود نزدیکی روشنی اطراف
سایه ببصر تا وقتی که طلوع میکند افتاب و اول مرتبه که ظاهر میشود روشنی نزدیک
صبح باریک و بلند است مانند ستان و انرا صبح کاذب میگویند و تشبیه است
بدم گرگ بسبب باریکی و بلندی که دارد و صبح اول نیز میگویند باعتبار انکه قبل از صبح
دوم است که مذکور خواهد شد و انرا کاذب جهت ان میگویند که افق در زیر ان تاریک
و بالاتر از ان روشن شده پس اگر راست میگفت همه روشنی افتاب بایستی که انچه نزدیک
باشد بافتاب که افق است روشن باشد نه انچه دور است از ان که ان بالای افق باشد
و این روشنی صبح کاذب ضعیف و باریک است و در ان وقت باقی است روی
زمین بر تاریکی خود که بسبب سایه خود دارد بعد از ان زیاده میشود از روشنی تا اینکه میرود
بطرف طول و عرض و پهن میشود در عرض افق بشکل نصف دایره و این صبح دوم است
و این را صادق میگویند باعتبار انکه راست خبر داده است از امر صبح و ظاهر کرده است
صبح را از برای تو و اینست کلام علامه رحمه کرده است خدای تعالی مقام او را و بدانکه تعلق گرفته است



بطلوع صبح اول که قلیلی از عبادات مثل دخول وقت فضیلت نماز وتر چه افضل اوقات
فجر میانهٔ صبح اول و دوم است چنانکه روایت کرده شیخ طایفه شیخ ابو جعفر طوسی ره
در کتاب تهذیب بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن الرضا
علیه السلام از ساعتهای وتر پس آنحضرت علیه السلام فرمود که دوستترین آنها نزد من
صبح اول است و روایت شده است که مردی سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
از وتر در اول شب پس آنحضرت جواب نفرمود پس چون میانه صبح اول و دوم شد
بیرون آمد آنحضرت علیه السلام بسوی مسجد و سه مرتبه ندا فرمود که چه شد آنکسی که سؤال کرد
از وتر خوب ساعتی است از برای وتر این ساعت بعد از آن نماز وتر خواندند آنحضرت و وتر
گذارد و اما صبح دوم پس عبادات متعلقه بآن بسیار است پس هرگاه تحقیق کردی طلوع
از ان بخوان یا فالقه من حیث لا اری ومخرجه من حیث
اری صل علی محمد وآله واجعل اول یومنا هذا صلاحا و
اوسطه فلاحا وآخره نجاحا وبخوان آنچه روایت کرده است ازارس
محمد بن ... در رقیه از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت علیه السلام فرمود که حضرت نوح
علیه السلام هر صبح و شام میخواندند اللهم انی اشهدک انه ما اصبح
بی من نعمة وعافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا

لا شریک لک لک الحمد ولک الشکر بها علی حتی ترضی و
بعد الرضا میخواندند این دعا را در صبح ده مرتبه و در شام ده مرتبه پس بسبب این
نامیده شده بعبد شکور یعنی بنده بسیار شکر کننده و بخوان نیز آنچه روایت کرده
از ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت ابو عبد الله علیه السلام که بدرستی که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام میخواندند در صبح سبحان الملک القدوس سه مرتبه این را میکشید
بعد از آن میگفت اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک ومن
تحویل عافیتک ومن فجاءة نقمتک ومن درک الشقاء ومن
شر ما سبق فی اللیل والنهار اللهم انی اسألک
بعزة ملکک وشدة قوتک وبعظم سلطانک
وبقدرتک علی خلقک ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تفعل بی کذا وکذا واز دعاهای طلوع صبح
دعائیست که روایت کرده است اورا در کافی بسند صحیح از
حضرت باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود که گذشت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
بر مردی که میکاشت درخت در باغی که از برای او بود پس آنحضرت در آنجا توقف
فرمود که آیا راه نمایم ترا بر درختی که ثابت تر باشد بیخ آن و زود تر باشد هنگام چیدن

وبعظیم

سیوه لیکن و نیکوتر باشد میوه آن و باقی تر باشد گفت بلی راه بنمام ای رسول خدا پس فرمود

آنحضرت هرگاه داخل صبح شوی و داخل شام شوی پس بگو سُبحانَ اللهِ وَ

الحَمدُ لِلهِ وَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَ اللهُ اَکبَر پس بدرستی که از برای تست

اگر بگوئی از برای عوض هر تسبیحی ده درخت در بهشت از انواع میوه و اینها از جمله باقیات

صالحات شد حضرت باقر علیه السلام فرموده پس گفت ابوذر که پس بدرستی که من گواه

میگیرم ترا ای رسول خدا که این باغ من صدقه است و قبض کرده شده به فقرای

مسلمانان که اهل صدقه باشند پس خدای تعالی فرستاده این آیه را از قرآن مجید

فَاَمّا مَن اَعطی وَ اتَّقی وَ صَدَّقَ بِالحُسنی فَسَنُیَسِّرُهُ لِلیُسری

روایت کرده است سید جلیل جمال العارفین رضی الدین علی ابن طاوس قدس الله

روحه از حضرت باقر علیه السلام که آنحضرت فرموده هر که صبح کند و برو انگشتری باشد

که نگین او عقیق باشد و از او در دست راست با انگشت کرده باشد پس صبح کند پیش از

آنکه ببیند کسی را پس برگرداند نگین را از طرف باطن کف و بخواند سوره انا انزلناه تا آخر

آن بعد از آن بگوید اٰمَنتُ بِاللهِ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ کَفَرتُ

ایمان آوردم بخدا در حالی که یگانه است شریکی نیست از برای او و کافر شدم

بِالجِبتِ وَ الطّاغوتِ وَ اٰمَنتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلانِیَتِهِم وَ

بجبت و طاغوت و ایمان آوردم بنهان آل محمد و آشکار ایشان و

ظاهِرِهِم وَ باطِنِهِم وَ اَوَّلِهِم وَ آخِرِهِم نگهدارد خدای تعالی او را از

ظاهر ایشان و باطن ایشان و اول ایشان و آخر ایشان

از شر آنچه

از شر آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون

بیرون می آید از آن و بوده باشد در پناه خدای تعالی و سایه او تا آنکه شام شود و از آنچه

خوانده میشود در صبح دعائیست که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام

اَستَودِعُ اللهَ العَلِیَّ الاَعلَی الجَلیلَ العَظیمَ دینی وَ نَفسی وَ اَهلی

طلب نگاهداری میکنم از خدای بلند بلندتر جلیل بزرگ دین مرا و نفس مرا و اهل مرا

وَ مالی وَ وُلدی وَ اِخوانِیَ المُؤمِنینَ وَ جَمیعَ ما رَزَقَنی

و مال مرا و فرزندان مرا و برادران مومن مرا و همه آنچه روزی کرده است

رَبّی وَ جَمیعَ ما یَعنینی اَمرُهُ اَستَودِعُ اللهَ المَخوفَ المَرهوبَ

پروردگارم و همه آنچه اهتمام دارم شان و امر او طلب نگاهداری میکنم از خدای ترسیده شده

المُتَضَعضِعَ لِعَظَمَتِهِ کُلُّ شَیءٍ دینی وَ نَفسی وَ اَهلی وَ مالی

فروتنی کننده از برای بزرگی او هر چیزی دین مرا و نفس مرا و اهل مرا و مال مرا

وَ وُلدی وَ اِخوانِیَ المُؤمِنینَ وَ جَمیعَ ما رَزَقَنی

و فرزندان مرا و برادران مومن مرا و همه آنچه را روزی کرده است

رَبّی وَ جَمیعَ مَن یَعنینی اَمرُهُ بخوانید عاراسه مرتبه پس اگر

پروردگار من و همه آنچه را اهتمام دارم در امر آن

نزد طلوع صبح با وضو نباشی پس بشتاب بسوی وضو تا اینکه در وقت اذان

صبح با طهارت باشی و هر آینه ذکر میکنیم ما در اینجا کیفیت وضوی کامل را پس میگوئیم

هرگاه اراده وضو داشته باشی ابتدا کن بمسواک و باید که مالیده شود مسواک بر

عرض دندانها نه بر طول آنها و مجزیست انگشت بعوض مسواک روایت کرده است

شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود که مسواک کردن با انگشت سنت است و با انگشت شهادت مسواک کرد و سنت است

رو کردن بقبله در حال وضو و اکثر علما ما قدس الله ارواحهم ذکر نکرده اند این را
و بعضی دیگر ذکر کرده اند این را و مستند ساخته اند بانچه روایت شده است از
ائمه علیهم السلام که بهترین مجالس مجلسیست که بوده باشد رو در ان بجانب قبله پس اگر
وضو میسازی از ظرفی که ممکن است بکف آب برداشتن از ان بگذار ان را بجانب
راست خود و اگر وضو میسازی از نهری یا حوضی مثلا پس سزاوار انست که چنان
نشسته بوده باشد بجانب راست تو و اگر معارضه کنند گذاردن آن بجانب راست
و رو کردن بقبله را باید که ترجیح دهی و بگو در وقت نگاه کردن باب الحمد
سپاس
لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا هر دو دست را
مر خدا را که گردانیده است آب را پاک کننده و نگردانیده است آن را نجس
تا بند دست پس از انکه داخل ظرف کنی یکمرتبه اگر وضوی تو از حدث غایط باشد
و سنت میت شستن دستها از غیر این حدث و اگر وضوی تو از حوض یا
ابریقی بوده باشد پس اکثر را بنده دستها در کار نیست و بعضی میل باین کرده اند
دو بار سنت است و این قصوری ندارد و بعد از ان بگذار دست راست را در آب
و بسم الله بگو چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت
باقر علیه السلام که انحضرت فرموده هر گاه بگذاری دست خود را در آب بگو
بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی
بنام خدا و یاری خدا خداوندا بگردان مرا از توبه کننده گان و بگردان مرا

اگر از حدث ...

من المتطهرین

المتطهرین بعد از ان سه مرتبه مضمضه بکن به سه کف آب بعد از ان استنشاق بکن بهمان
از پاکیزگان
نحو و بگو عقب هر یک از انها انچه نقل خواهیم کرد در فصل بعد ازین بعد از ان بردار بدست
راست یک کف آب و نیت بکن بجا آوردن وضوء واجب جهة فرمانبرداری امر
خدا تعالی و اما افعال سنتی آن پس داخل درین نیت میشود و هر گاه قصد کنی بجا آوردن
افضل دو فرد واجب را و اگر قصد کنی هر یک از واجبها و سنتها را علیحده نزد بجا
آوردن آن هر آینه بهتر خواهد بود و مقارن دار نیت را با شستن بالای روی خود
همیشه باش در حکم آن نیت تا فارغ شوی و بگو نزد شروع در شستن رو چنانکه
در کافی
روایت کرده است از ثقة الاسلام و ظاهر انست که تسمیه اول وضو سابقا مذکور شد
غنی نمیسازد ازین چه این تسمیه نزد شروع در رو واجب است و لکن از برای سنت بود
و تجویز کرده اند علما مقارن ساختن نیت را با شستن دستها در اول وضو مذکور شد
هر گاه جمع شده باشد شرایط آن و با مضمضه و استنشاق نیز چنین وجه گفته اند اینها
از جمله افعال وضوی کامل اند و ابن طاوس ره توقف کرده است در جواز مقارن
ساختن نیت با غیر شستن رو و احتیاط با اوست پس هر گاه بریزی آب را بر رو
سزاوار انست که بکشی دست خود را بر آن جهة اقتدا بانچه نقل کرده اند از اصحاب ائمه علیهم السلام
نزد حکایت ایشان وضوی پیغمبر را و جهة بیرون آمدن از خلاف بعضی از علما

چو واجب میدانند او را و واجب نیست بر تو که مقدم داری شستن هر جزوی از اجزای
رو را بر انچه پایین تر از آن باشد بلکه همینکه در اول ابتدا کردی بشستن بالای رو کافی است
و حد رو در طول و عرض انقدریست که بگردد در آن انگشت بزرگ و انگشت میان چنانکه
ناطق است بان حدیث زراره از حضرت باقر علیه السلام و ما بسط داده ایم کلام را در انعام
در شرح حدیث چهارم در کتاب اربعین و واجب است تخلیل موی که دیده شود پوست رو
از زیر آن در مجلس گفتگو بر نحوی که برسد آب بر آن پوست و بر موئی که شسته شود
اما انچه دیده نمیشود پوست از زیر آن پس در کار نیست تخلیل آن بلکه واجب نیست بر تو
مگر شستن انچه میپوشاند جهت همگی بان از روی و باز کن چشمهای خود را در وقت وضو
پس تحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که فرمود باز کنید چشمهای خود را نزد وضو شاید که نبیند آتش جهنم را و اکثر علما
ذکر نکرده اند او را در سنتهای وضو شاید که گمان شود که سبب واگذاشتن ایشان
این را آنست که نقل کرده است شیخ اجماع علما را بر اینکه سنت نیست رساندن
آب وضو باندرون چشمها و شیخ ما شیخ شهید در ذکری گفته که منافات نیست
میانه این دو امر زیرا که چشم باز کردن لازم ندارد در رساندن آب را
باندرون چشمها و ممکن خوب است و دور نیست که مترتب شود ثواب بر دیدن انچه بجا

بجا می آورد

بجا می آورد او را وضو سازنده از افعال وضو **تتمه** پس هرگاه فارغ شوی از شستن رو
پس بردار یک کف آب بدست چپ چنانکه کرده است حضرت امام محمد باقر علیه السلام
نزد بیان وضو پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بشوی بان دست راست را در حالیکه ابتدا
کنی از مرفق و بکشی دست را بر آن تا سرهای انگشتان چنانکه گذشت در رو و تخلیل آن است
در اینجا تخلیل مو هر چند پوشیده باشد زیر آن خود را و ابتدا کن تو بشستن ظاهر ذراع و زن

روی مع

ابتدا کنند بباطن آن بعد از آن بردار یک کف دیگر بدست راست و بشو دست چپ را
نیز مثل دست راست و باید که بوده باشد شستن هر یک از رو و دستها یکمرتبه بیشتر
چنانکه مختار ثقة الاسلام است در کافی و رئیس محدثین در فقیه و ما بسط داده ایم کلام را
درین باب در کتاب مشرق الشمسین و در کتاب حبل المتین بعد از آن مسح کن پوست پیش
سر خود را یا موی آن که در نرود بسبب کشیدن از حد پیش سر بمقدار سه انگشت
مضموم به تری دست راست و به بقیه آن تری مسح کن پشت پای راست خود را از سر انگشتان
تا کعب یعنی مفصل ساق و قدم و مجزی نیست مسح تا پایین تر از آن و تحقیق که ما بیان کرده ایم
این را در آن دو کتاب مذکور با آنچه زیاده بر آن نباشد بعد از آن مسح کن پشت پای چپ
خود را بتری دست چپ و باید که مسح سر و پاها بکف دست باشد نه بپشت آن
مگر جهت ضرورتی و ناچار است کشیدن کف بر محل مسح پس کافی نیست گذاشتن کف بر آن

دکشیدن آن و سزاوار است که مسح کنی پاها را بتمام کف چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه
در تهذیب بسند صحیح از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که گفت سوال کردم از حضرت ابو الحسن رضا
علیه السلام از مسح بر پاها چگونه است پس گذاشتند کف مبارک بر انگشتان بعد از آن مسح
کردند تا کعبها پس گفتم فرض است اگر مردی بگذارد دو انگشت از انگشتان خود و همچنین تا کعبها آنحضرت فرمودند
نه مگر بکف بتمام فرض و باید که بوده باشد افعال وضوی تو پی در پی بی فاصله میان افعال تا
کرده شود و در اثنا ترتیب مذکور حتی در مسح پاها نیز چنانکه مختار جماعتی از متقدمین علمای
ماست و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی حسن از حضرت صادق
علیه السلام که فرمودند که مسح کن بر پاها و ابتدا کن بطرف راست و سزاوار است
که خوانده شود نزد هر فعلی از افعالش دعاها و ثناها و دعائی که وظیفه است چنانکه خواهد آمد
در فصل آینده پس هرگاه فارغ شوی از وضو بگو الحمد لله رب العالمین
سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است
و در تهذیب بسند صحیح مروی است که بگو اللهم اجعلنی من التوابین
خداوندا بگردان مرا از توبه کنندگان
واجعلنی من المتطهرین اللهم انی اسئلك
و بگردان مرا از پاکیزگان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم
تمام الوضوء وتمام الصلوة وتمام رضوانك و
تمام بودن وضو و تمام بودن نماز و تمام بودن رحمت تو
الجنة و بدانکه اکثر فعلها که جمع ذکر شده که مذکور شد سنت است و افعال
بهشت
واجبی همین ده چیز است اول نیت در حالی که حکم او باقی باشد تا آخر وضو و دوم شستن

این را روایت کرده است شیخ طایفه صح

وسمای

وسمای سر مسح کنی لیکن بشرطی که متصل باشد مسحهای آخر از سر پاها تا کعبها و ترتیب و پی در پی
بودن و مباشرت این افعال بنفس خود مگر بسبب ضرورتی و سزاوار است ترک تمندل
از وضو پس روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام
که فرمودند که هر که وضو بسازد و تمندل نکند تا آنکه خشک شود آب وضوی آن خواهد
بود از برای او سی حسنه و ظاهر است که عمدا خشک کردن بآفتاب یا بآتش مثلا
حکم تمندل دارد و قصور ندارد وضو ساختن در مسجد از غیر حدث بول و غایط اما
از این دو حدث مکروه است چنانچه روایت کرده است آنرا ثقة الاسلام در کافی
بسند صحیح **فصل** روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی و رئیس محدثین در فقیه
و شیخ طایفه در تهذیب از عبد الرحمن بن کثیر هاشمی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
که فرمودند در اثنای آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بکرسی نشسته بود
با پسر خود محمد حنفیه رضی الله عنه ناگاه فرمودند بای محمد بیاور از برای من ظرفی
از آب که وضو بسازم برای نماز پس آورد محمد آب از برای آنحضرت پس آنحضرت
ریخت آب را بدست راست و بر دست چپ پس فرمود بسم الله والحمد لله الذی
بنام خدا و سپاس از برای خدا
جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا حضرت ابو عبد الله علیه السلام
که گردانیده است آبرا پاک کننده و نگردانیده است آنرا نجس
فرمودند که بعد از آن حضرت استنجا کردند و فرمودند اللهم حصن فرجی
خداوندا بازدار فرج مرا از حرام

و تمندل کند خواهد بود از برای او یک حسنه و اگر خشک شود بسیار زود صح

وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ و بعد از
مضمضه کردند و فرمودند اَللّٰهُمَّ لَقِّنِي حُجَّتِي يَوْمَ اَلْقَاكَ وَاَطْلِقْ
لِسَانِي بِذِكْرِكَ بعد از آن استنشاق کردند و فرمودند اَللّٰهُمَّ لَا
تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشَمُّ رِيحَهَا
وَرَوْحَهَا وَطِيبَهَا بعد از آن شستند روی مبارک خود را و فرمودند اَللّٰهُمَّ
بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ بعد از آن شستند
دست راست خود را و فرمودند اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي
وَالْخُلْدَ فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي وَحَاسِبْنِي حِسَابًا
يَسِيرًا و بعد از آن شستند دست چپ خود را و فرمودند اَللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِي
كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً اِلَى عُنُقِي وَاَعُوذُ
بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّيرَانِ بعد از آن مسح کردند سر مبارک خود را
و فرمودند اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ بعد از آن مسح کردند
پا را و فرمودند اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْاَقْدَامُ
وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي بعد از آن بالا کردند سر مبارک
خود را و نگاه کردند بمحمد و فرمودند ای محمد هر که وضو بسازد مثل این وضوی من و گوید

نور کشود فیه الوجوه و لا تسود وجهی

نی

مثل این که من میکند خدای تعالی از برای او از هر قطره فرشته تا تقدیس کند او را
و تسبیح کند او را پس مینویسد خدای تعالی از برای او ثواب آن تا روز قیامت

فصل پس هر گاه فارغ شوی از وضو متوجه شو بجانب مسجد روایت کرده است
رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که هر که برود بسوی مسجد نمیگذارد
پای را بر چیز تری و خشکی مگر اینکه تسبیح کند از برای او زمین تا زمین هفتم
و سزاوار است که بخواند وقت بیرون آمدن از خانه خود بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي
خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ
وَاِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ
وَالَّذِي اَطْمَعُ اَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ
رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَاَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ
لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ
وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَاغْفِرْ لِاَبِي پس بتحقیق روایت
کرده است جمال السالکین در کتاب عدة الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که هر که
وضو بسازد پس برود بسوی مسجد و بگوید در وقتی که بیرون رود از خانه خود بِسْمِ اللّٰهِ
الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ راه نماید او را خدای تعالی بصواب و ایمان

تکبیر کند مع

و هرگاه بگوید وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ اطعام کند خدا تعالی او را
از طعام بهشت و بیاشامد او را از شراب بهشت و هرگاه بگوید إِذَا مَرِضْتُ
فَهُوَ يَشْفِينِ بگرداند خدا تعالی از کفاره گناهان او و هرگاه بگوید وَالَّذِي
يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ بمیراند خدا تعالی او را مردن شهیدان و زنده سازد او را
زنده شدن نیکبختان و هرگاه بگوید وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ
الدِّينِ بیامرزد خدا تعالی از برای او خطاهای او را تمام و هر چند بیشتر باشد از کف دریا
و هرگاه بگوید رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ بخشد خدا تعالی او را
حکم و علم و ملحق کرده اند او را به صالح هر که پیش از و بوده و صالح هر که بعد از و بوده باشد
و هرگاه بگوید وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ بنویسد خدا تعالی از برای
او در ورق سفیدی اینکه فلان بن فلان از جمله راست گویان است و هرگاه بگوید
وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ عطا کند خدا تعالی او را منزلها در بهشت
نعیم و هرگاه بگوید وَاغْفِرْ لِأَبِي بیامرزد خدا تعالی پدر و مادر او را و هرگاه خواهی داخل مسجد
شوی پس ملاحظه کن نعلین خود را و پیش گذار پای راست را و بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ
بنام خدا و بخدا
وَمِنَ اللهِ وَإِلَى اللهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلّٰهِ تَوَكَّلْتُ
و از خدا و بسوی خدا و بهترین نامها تمام اسما از برای خدا توکل کردم
عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
بر خدا نیست حرکتی و نه قوتی مگر بخدا خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ وَأَغْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ
و بگشای برای من درهای رحمت خود و توبه خود و ببند از من درهای
مَعْصِيَتِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَ
نافرمانی تو و بگردان مرا از زیارت کنندگان و عمارت کنندگان مسجدهای تو و
وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي
از آنکه راز گوید با تو در شب و در روز و از آن جماعه که ایشان در
صَلَوٰتِهِمْ خَاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَجُنُودَ
نماز خود زاری کننده اند و دور کن از من شیطان رانده شده را و لشکرهای
إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ پس هرگاه خواهی بکنی نعلین خود را پس بکن از پای چپ ابتدا
شیطان را تمام
از راست بعکس پوشیدن و اگر بوده باشد نعلین تو عربی و ممکن باشد ترا که بکنی
آنها را پس مکن آنها را چه نماز در آنها سنت است اما بشرط آنکه پاک باشد و تحقیق روایت
کرده است شیخ طایفه در تهذیب به سند صحیح از معاویه بن عمار که گفت دیدم حضرت
ابا عبد الله علیه السلام که نماز میکرد در نعلین خود زیاده از یکبار و ندیدم آنحضرت را
که بکند آنها را هرگز و روایت کرده از عبد الرحمن بن ابی عبد الله علیه السلام از
حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرموده که هرگاه نماز کنی پس نماز کن در نعلین خود هرگاه
بوده باشد پاک پس بدرستی که میگویند این سنت است و قول آنحضرت پس آنکه
میگوید تا آخر ظاهرا مراد به آن است که هرگاه نماز کردی تو در نعلین خود معلوم میشود
شیعه را که نماز در آنها از سنت است و قایل میشوند به این چه این راوی از جمله اعیان
اصحاب حضرت صادق علیه السلام است که اعتماد کرده بر اقوال و افعال ایشان علمای ایران

اذان بگو پس بدرستی که اذان نماز صبح از تتمات حتی اینکه سید مرتضی رض قایل
شده بوجوب آن بر مرد و ابن الجنید موافقت کرده است با او و ابن ابی عقیل و زیاده کرده بر
اینکه قایل شده ببطلان نماز صبح بسبب ترک اذان و صورت اذان اینست الله اکبر
چهار مرتبه و هر یک از شهادتین و حی علی الصلوة و حی علی الفلاح و حی علی خیر العمل و الله اکبر و لا اله الا الله دو دو مرتبه و باید
که ایستاده باشی در حال اذان و رو بقبله کنی با وضو و آواز بلند و از روی تانی بگوئی و بگذاری
دو انگشت خود را در گوشهای خود و وقف کنی هر یک ازین هجده فصل و التفات
نکنی بطرف چپ و راست و حرف نزنی در اثنای آن و صلوات بفرست بر
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد ذکر آنحضرت پس بتحقیق که روایت کرده است رئیس
محدثین در فقیه بسند صحیحی از حضرت ابی جعفر علیه السلام که فرمود صلوات بفرست
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه ذکر کنی او را یا ذکر کند او را ذکر کننده نزد تو در
اذان و غیر آن و پوشیده نماند که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر وجوب
صلوات بر آنحضرت بر هر ذکر کننده یا شنونده هرگاه ذکر کند او را یا بشنود ذکر
او را صلی الله علیه و آله و سلم و بعضی از اهل سنت رفته اند بر وجوب صلوة
بر آنحضرت در تمام عمر یکمرتبه و بعضی در هر مجلسی و بعضی در هر مرتبه که ذکر شود
و این مذهب رئیس محدثین قدس الله روحه و اما آنچه مذهب اوست از

عدم

عدم وجوب صلوة در تشهد اول در نماز پس مراد او اینست که جزء نماز نیست باعتبار آن
واجب نیست نه اینکه باعتبار آنکه نام آنحضرت مذکور شده نیز واجب نیست پس منافات
میان کلامهای او اعلی الله درجته و تحقیق که موافقت کرده است با او صاحب کنز
العرفان و در وجوب صلوة هرگاه ذکر شود آنحضرت و این قول صحیح تر است
و تحقیق که استدلال میکنند برین بقول خدای تعالی لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء
بعضکم بعضا یعنی مگردانید خواندن رسول را در میان خود مثل خواندن بعضی از شما
بعضی دیگر و الله تعالی با آنچه روایت شده است از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم
که فرمود که هر کس که مذکور شده ام من نزد او و پس صلوات نفرستاده است بر من
پس داخل شده است آتش را پس دور گردانیده است خدای تعالی او را و با آنچه روایت
شده است که سوال کرده شده آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از قول خدای تعالی
إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا
عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا یعنی بدرستی که خدای تعالی و ملائکه او صلوات میفرستند
بر پیغمبر ای جماعتی که ایمان آورده اید صلوات بفرستید بر او و درود بفرستید
درود فرستادنی و الله تعالی اعلم پس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که این
از علم مکنونست و اگر نه این بود که شما سوال کردید از آن اخبار نمیکردم شما را بآن

بدرستی که موکل کرده است خدا تعالی بمن دو فرشته پس ذکر کرده نمیشوم من نزد هیچ مسلمانی
که صلوات بفرستد بر من مگر اینکه بگویند مرا آن دو فرشته بیامرزد خدا تعالی او را و بگویند
خدا تعالی و فرشتگان او آمین و ذکر کرده نمیشوم نزد هیچ مسلمانی که صلوات بفرستد
بر من مگر اینکه بگویند خدا تعالی و فرشتگان او آمین پوشیده نماند که ظاهر قول
حضرت باقر علیه السلام در حدیث اول که هرگاه ذکر کنی تو او را یا ذکر کند او را
ذکر کننده اقتضا میکند وجوب صلوة خواه مذکور شود آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم
بنام مبارک یا لقب مبارک یا بکنیت و ممکن است که مذکور شدن آنحضرت
صلی الله علیه و آله بضمیری که راجع باو باشد نیز چنین باشد و اطلاع نیافته ام
در کلام علمای ما قدس الله ارواحهم درین باب بر چیزی و احتیاط موجب
آنست که [illegible] در همه صورتهای مذکوره صلوات فرستاده شود و بدانکه ظاهر
آنست که قدر واجب ادا میشود بگفتن اللهم صل علی محمد و آل محمد روایت شده است
که چون نازل شد آیه مذکوره گفتند یا رسول الله این سلام بر تو تحقیق دانستیم
از این چگونه صلوات بر تو پس آنحضرت فرمودند که بگوئید اللهم صل علی محمد و آل محمد
کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی
ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید پس ظاهر آنست که مراد بآن افضل کیفیات

صلوات

صلوات بر آنحضرت نه اینکه خصوص این نحو واجب باشد و سزاوار آنست که هرگاه صلوات
بفرستی برین نحو ملاحظه کن این را که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم از جمله آل ابراهیمست
پس صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرستاده میشود و اندراج در ضمن صلوات بر ابراهیم
علیه السلام و غرض از تشبیه آنست که مخصوص شود پیغمبر ما و آل او صلوات الله علیهم بصلوة
دیگر علیحده مثل آن صلواتی که شامل بود ایشانرا و غیر ایشانرا از بقیه آل ابراهیم پس بنا
برین لازم می آید خلاف قاعده که مقرر شده میان اهل بلاغت که هرگاه چیزیرا
بچیزی تشبیه کند باید که مشبه به اقوی باشد از مشبه و حال آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
افضل بود از ابراهیم علیه السلام پس تشبیه صلوة بر آنحضرت که باید افضل باشد
بصلوة بر ابراهیم علیه السلام منافی آن قاعده مینماید زیرا که بسبب ملاحظه مذکوره
منطبق میشود کلام بر آن قاعده چه شکی نیست که صلواتی که شامل همه آل ابراهیم باشد بحسب العموم
اقوی است از آنچه مخصوص بعضی باشد پس مشبه به یعنی صلوات بر همه آل که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم
و آل او علیهم السلام از جمله ایشانند اقوی است از مشبه یعنی صلوة بر خصوص پیغمبر ما و آل او
صلوات الله علیهم پس مخالفت قاعده مذکوره لازم نیاید و بعضی توجیه کرده اند این
تشبیه را باینکه صلوات بر حضرت ابراهیم علیه السلام باعتبار اینکه پیشتر واقع شده
اقوی است و محض همین کافیست در تشبیه هرچند مشبه باعتبار کیفیت اقوی باشد

و توجیه کرده اند نیز باینکه تشبیه صلوة بر آل شهادت پس جایز است صلوة بر ابراهیم و آل
او اقوی باشد از صلوة بر ایشان و ضعیف شمرده اند توجیه اول را بسبب قول آنحضرت
صلی الله علیه و آله و سلم کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین یعنی من پیغمبر بودم و حال آنکه
هنوز آدم میانه آب و گل بود پس چگونه صلوات بر حضرت ابراهیم مقدم شد بر صلوات بر او
صلی الله علیه و آله و سلم و توجیه دوم را نیز ضعیف شمرده اند باعتبار آنکه خلاف متبادر
بفهم است چه ایشان سوال کردند از کیفیت صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس قول
باینکه غرض تشبیه صلوة است بر آل شهادت خلاف ظاهر است و این شبهه را توجیهات
دیگر نیز کرده اند و اما بعضی از آنها ذکر کرده ایم در مبحث تشهد در کتاب حبل المتین

فصل پس هرگاه فارغ شدی از اذان پس فاصله کن میان آن و اقامت بسجده یا نشستنی
و بگو در حالتی که در سجده باشی یا نشسته باشی اللّهمّ اجعل قلبی بارًّا و عیشی
(خداوندا بگردان دل مرا نیکوکار و عیش مرا)
قارًّا و رزقی دارًّا و اجعل لی عند قبر رسولک صلّی الله
(قرار گرفته و روزی مرا افزاینده و بگردان از برای من نزد قبر رسول خود صلی الله علیه)
علیه و آله و سلّم مستقرًّا و قرارًا بعد از آن میخوانی سر حاجتی که میخواهی
(و آله و سلم مکان قرار گرفتنی)
و سوال میکنی حاجت خود را پس بتحقیق روایت کرده است از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
که دعا میان اذان و اقامت رد کرده نمیشود بعد از آن بجهة اقامت فصول اذان همه دو تا
دو تاست مگر لا اله الا الله که در آخر اقامت یکبار گفته میشود و زیاد میشود بعد از حی علی

بر منبری

خیر العمل

آداب

خیر العمل قد قامت الصلوة دو مرتبه و بجا می آوری در جمیع اذان را مگر تأنی و کذاشتن انگشتها در
گوش و بلند کردن آواز بلکه باید که در اقامت آهسته تر باشد و تأکید طهارت و داشتن و
ایستادن در حال اقامت بیشتر است از حال اذان حتی اینکه واجب دانسته است آنها را سید مرتضی
رضی الله عنه میگوید هرگاه فارغ شوی از اقامت و حال آنکه رو بقبله باشی اللّهمّ الیک
(خداوندا بسوی تو)
توجّهت و مرضاتک طلبت و ثوابک ابتغیت و بک آمنت
(متوجه شده ام و خشنودی ترا طلب کرده ام و ثواب ترا خواسته ام و بتو ایمان آورده ام)
و علیک توکّلت اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و افتح لی
(و بر تو توکل کرده ام خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشای)
قلبی لذکرک و ثبّتنی علی دینک و لا تزغ قلبی
(دل مرا از برای ذکر خود و ثابت گردان مرا بر دین خود و میل مفرما دل مرا)
بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمةً انّک انت
(بعد از آنکه راه نمودی مرا و ببخش مرا از جانب خود رحمتی بدرستی که تو تو)
الوهّاب و باید که بایستی در نماز با وقار و خشوع و بگذاری دستهای خود را بر رو
(بسیار بخشاینده)
رانها مقابل زانوها و بگشایی میان قدمهای خود را بقدر سه انگشت گشاده از یکدیگر تا
یکشبر و نگاه کنی بموضع سجود خود و بلند نکنی نگاه خود را بطرف آسمان و در آوری نظر
خود را برای نماز کسی است که وداع میکند از نماز بعد از آن قصد کن اداء نماز صبح را بجهة
فرمانبرداری امر خدا تعالی و مقارن دار نیت را باینکه از نیت تکبیر که در اول نماز
گفته میشود و بلند میکنی در هر یک ازین تکبیرها دستهای خود را بعوازی که کف دستها
بطرف قبله باشد و انگشتان بیکدیگر چسپیده باشد غیر شستها که آنها باید گشاده باشد

ومیکذارایذ کف دستهارا از برابر کوشهای خود و ابتدا کنی بتکبیر ز و ابتدای دست
برداشتن و تمام بکنی از انز د تمام شدن آن و بدانکه بعضی از علمای متاخرین اطناب
نموده اند در باب نیت و دراز کرده اند عنان کلام را دران و در احادیث ائمه ع
علیهم السلام نیست چیزی ازان بلکه مستفاد از تتبع انچه وارد شده است از ایشان ع
در باب وضوء و نماز و بقیه عبادات ما تعلیم کرده اند انهار اشیعه خود نیست ما امر سهل آسان
و اینکه ان خفی است از بیان و قرار کرفته است در خاطر جمیع عقلای وقت صادر شدن فعلهای
اختیاری از ایشان و از برای نیت ما قدمای فقهای ما رضی الله عنهم متعرض بحث ازان
نشده اند و خوض نکرده اند دران مکر جماعتی از متاخرین و رانده اند کلام را دران
بر وجهی که موهم نیت ما مرکب است نیت از اجزای بسیار و این باعث دشواری
آن شده است از بسیاری از مردم و کشاده است ایشانرا بوسواس و نیت نیست در حقیقت
مکر قصد بواقع کردن فعل معین از برای علت غایه آن و نیت ترکیب نکرده در فعل ذهنی
و این قصد نزدیک نیست ما جدا شود از انجا ما قیل از دهر فعلی ما بجا آورد حتی اینکه کفته اند
بعضی از علمای ما ما اکر تکلیف میکرد ما را خدا تعالی بواقع ساختن فعلی معین بی نیت
هر اینه تکلیف کرده بود چیزی ما طاقت آن نبود و حاضر کردن فعل منوی در ذهن
بعنوانیکه تمیز دهد از غیران و قصد بجا آوردن آن جهه فرمانبرداری امر خدا تعالی

در نهایت اسانی است مثلا نماز ظهر که ما مکلفیم باداء آن در وقت تصور کرده ایم از ابتدای وقت
بعنوانیکه ممتاز میشود بان از جمیع ما عدای خود از عبادات و غیر عبادات و قصد کردن
واقع ساختن آن جهه فرمانبرداری امر خدا تعالی نیست دشواری دران بلکه حکم
میکند بان وجدان صحیح و هر که این را دشوار داند سوال میکنیم از خدا تعالی اصلاح او و
وجدان او را اندریستی که او بر همه چیز تعالی توانا است و بخوان میان این شش تکبیر
این سه دعا را که روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی حسن از حضرت صادق ع

پس بعد از تکبیر سوم اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ
خداوندا تو ئی پادشاه حق نیست خدائی مکر تو تسبیح میکنیم ترا تسبیح کردنی
اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا
بدرستیکه من ستم کرده ام نفس خود را پس بیامرز از برای من کناه مرا بدرستیکه نمی بخشد کناهان را مکر
اَنْتَ بعد از تکبیر پنجم لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ
تو لبیک و سعدیک و خیر در دو دست های تست و شر
لَيْسَ اِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ
نیست بسوی تو راه یافته کسیست که تو راه نمائی او را نیست پناهی از تو مکر بسوی تو
سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ
تسبیح میکنیم ترا تسبیح کردنی و سوال میکنیم ترحم بعد از ترحمی مقدسی تو و بلندی تو تسبیح میکنیم ترا ای پروردگار خانه
الْحَرَامِ بعد از تکبیر هفتم خواه تکبیرة الاحرام باشد یا غیران وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
حرام کردانیده ام روی خود را از برای آنکسی
فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا
که خلق کرده است آسمانها را و زمین را دانای پنهان و آشکارا در حالتی که مایلم از باطل بحق مسلمم
وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اِنَّ صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
و نیستم من از مشرکان بدرستیکه نماز من و عبادتهای من و زندکانی من و مردن من
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ
از برای خدا است که پروردکار عالمیان است انبازی از برای او و باین امر کرده شده ام و من از

المسلمین و در روایت دیگر باین نحو واقع شده وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
مسلمانم
فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَمِنْهَاجِ
عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ الصَّلوٰةُ وَالسَّلَامُ حَنِيفًا مُسْلِمًا تا آخر دعا و چون دانا عالم الغیب
والشهادة و اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه جایز است مقارن داشتن نیت با هر یک
ازین هفت تکبیر پس تو مخیری دران و هر تکبیری که مقارن داری نیت را بان گردانیده ای آن
را تکبیرة الاحرام و تعیین که ترجیح داده است شیخ طایفه نور الله مرقده در مصباح گردانیدن
تکبیر آخر را تکبیرة الاحرام و انچه ظاهر میشود از حدیث صحیح زراره در افتتاح پیغمبر صلی الله
علیه واله وسلم نماز را بتکبیر و متابعت کردن امام حسین علیه السلام آنحضرت را آنست
که تکبیر اول را تکبیرة الاحرام گردانیده بودند چنانکه ذکر کرده ام در رساله اثنی عشریه و بسط
داده ام کلام را در حبل المتین بعد از ان استعاذه میکنی بعد از فراغ از دعای سوم
پس میگویی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و استعاذه نزد ما مخصوص است برکعت اول
و آهسته میگویی آنرا بعد از ان بخوان سوره حمد را ترتیل کننده و بلند بخوان آنرا
رعایت کننده وقفهای آنرا در جاهای آن و حاضر کننده قلب خود را متفکر
کننده در معانی آن و ساکت میشوی بعد از ان بخوان سوره بهمان نحو و باید که سوره باشد
سوره نبا یا غاشیه یا قیامت یا دهر یا آنچه مانند اینها باشد در درازی چنانکه

روایت

روایت کرده است آنرا شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
و ساکت میشوی بعد از ان چنانکه ساکت شدی قبل از ان بعد از ان بر میداری دستهای
خود را چنانچه برداشتی دران هفت تکبیر و میگویی الله اکبر بعد از ان برکوع میروی بخوابانیدن
هم گذاری دست راست را بر زانوی راست پیش از دست چپ بر زانوی چپ
و پر کنی کفها را از زانوهای خود و لقمه سازی انها را بر انگشتان خود و برگردانی انها را
بطرف پشت و هموار کنی پشت خود را و بکشی گردن خود را و بر هم گذاری چشمهای خود را
یا نگاه کنی میان قدمهای خود بعد از ان میگویی انچه روایت کرده است ثقة الاسلام
در کافی بسند صحیحی از حضرت صادق علیه السلام و آن اینست اَللّٰهُمَّ لَكَ
خداوندا از برای تو
رَكَعْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ
رکوع کردم و مر ترا اطاعت کردم و بتو ایمان آورده ام و بر تو توکل کرده ام و
أَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي
تو پروردگار منی فروتنی کرده است از برای تو گوش من و دیده من و موی من و پوست من
وَلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَعَصَبِي وَعِظَامِي وَمَا أَقَلَّتْهُ
و گوشت من و خون من و مغز من و پی من و استخوانهای من و انچه برداشته است آنرا
قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ و بعد از ان
پاهای من نه ننگ دارنده و نه استکبار کننده و نه تعب کشیده
بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ و باید که این هفت مرتبه گفته شود یا
تسبیح میکنم تسبیح پروردگار خود بزرگ و ملتبس بحمد او
پنج مرتبه یا سه مرتبه بعد از ان راست شو و میگویی سمع الله لمن حمده بعد از ان تکبیر میگویی
و برو بسجود بخضوع و خشوع در حالیکه بگذاری بر زمین کفهارا پیش از زانوها و چنان
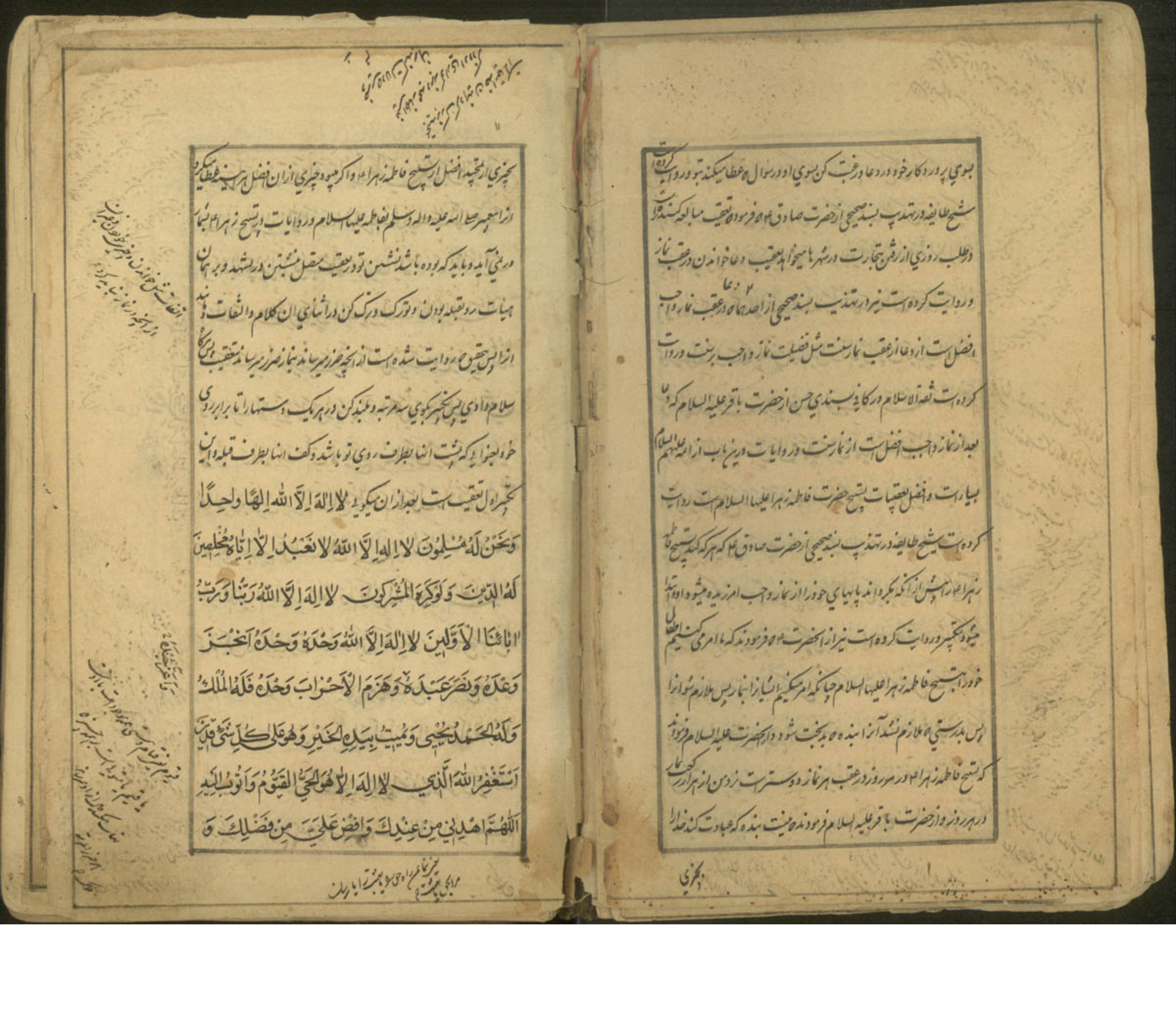
میکنی هر دو دستها در وقت سجود مبرا لها لها شوند از برای تو و همین میکنی کفها را در حالی
که انگشتان مضموم باشند در برابر دوشها و روی خود و میگذاری هیچ عضوی از
بدن خود را بر زمین و افضل تربت حسینیه است علی صاحبها افضل التسلیمات
و میگذاری پیشانی خود را بهشتم مساجد سبعه و بخاک بمالی انف را و نگاه میکنی در وقت سجود
بسر بینی بعد از ان انچه روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن از انحضرت علیه السلام
اللّٰهمّ لكَ سجدتُ وبكَ آمنتُ ولكَ اسلمتُ وعليكَ
توكّلتُ وانتَ ربّي سجدَ وجهي للّذي خلقهُ وشقّ
سمعهُ وبصرهُ الحمدُ للّٰهِ ربّ العالمين تبارَكَ
اللّٰهُ احسنُ الخالقين بعد از ان بگو سبحانَ ربّيَ الاعلى
وبحمدِهِ چنانکه در رکوع مذکور شد و بعد از ان بردار سر خود را و بنشینی کویا
و می‌نشینی تورک کرده و میگوئی استغفرُ اللّٰهَ ربّي واتوبُ اليهِ
بعد از ان میگوئی انچه را روایت کرده است ثقة الاسلام بهمان سند سابق از
انحضرت علیه السلام اللّٰهمّ اغفر لي وارحمني واجبرني و
ادفع عنّي انّي لما انزلتَ اليّ من خيرٍ فقيرٌ تبارَكَ
اللّٰهُ ربّ العالمين و برو بسجده دوم مثل سجده اول پس بردار سر خود را

و می‌نشینی بعنوان تورک یکلحظه و این را جلسه استراحت میگویند و اکثر آنرا پس
جهتی ها واجب دانسته است از انجمله سید مرتضی ره و دعوی اجماع بر این کرده بعد از ان
برخیز بخوبی هم برداری زانوها را پیش از دستها و اعتماد کنی در وقت برخواستن بر دستها و بگوئی
بحول الله تعالی و قوته اقوم واقعد وارکع واسجد پس برکعت راست ایستاده بخوان حمد و سوره
چنانکه گذشت در رکعت اول باید که بوده باشد سوره قل هو الله احد بعد از ان ساکت
میشوی بقدر نفسی پس تکبیر میگوئی از برای قنوت و قنوت میکنی بکلمات فرج در حالی
که بلند کنی دستها را در برابر روی خود و بگردانی کف دستها را بطرف اسمان و بهم
گذاری انگشتها را بغیر از ابهام پس میگوئی لا الهَ الّا اللّٰهُ الحليمُ الكريمُ لا الهَ
الّا اللّٰهُ العليُّ العظيمُ سبحانَ اللّٰهِ ربّ السّمواتِ السّبعِ وربّ
الارضينَ السّبعِ وما فيهنّ وما بينهنّ وربّ العرشِ
العظيمِ والحمدُ للّٰهِ ربّ العالمين این است کلمات فرج بان نحوی
که روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی حسن از حضرت باقر ع
و در بعضی کتابهای دعا وما تحتهنّ و بعد از ان وما بينهنّ زیاده شده و در بعضی
وما فوقهنّ و در بعضی وهو ربّ العرش العظيم و نیافته ام این زیادتیها را در انچه
مطلع شده ام بر آن از کتابهای معتبره احادیث و میگوئی بعد از کلمات فرج



اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا فی الدنیا
والاخرة انك علی كل شیء قدیر بعد از ان اللهم الیك
شخصت الابصار ونقلت الاقدام ورفعت الایدی
ومدت الاعناق وانت دعیة بالالسن والیك
سرهم ونجویهم فی الاعمال ربنا افتح بیننا وبین قومنا
بالحق وانت خیر الفاتحین اللهم انا نشكوا الیك غیبة
امامنا وقلة عددنا وكثرة عدونا وتظاهر الاعداء
علینا ووقوع الفتن بنا ففرج ذلك اللهم بعدل
تظهره وامام حق نعرفه اله الحق امین رب
العالمین بعد از ان بگوید اللهم اصبح وله ثقة او رجاء
غیرك فانت ثقتی ورجائی یا اجود من سئل ویا
ارحم من استرحم ارحم ضعفی ومسكنتی وقلة
حیلتی وامنن علی بالجنة وفك رقبتی من النار
وعافنی فی نفسی وفی جمیع اموری برحمتك یا ارحم الراحمین
وهرکه خواهد طول دهد قنوت را پس اضافه کند باین هرچه خواهد از قنوتهای که ذکر میکنیم انشاء الله

در باب ششم انشاء الله تعالی بعد از ان ملبد یکبی و ستهار تکبیر و رکوع کن و سجود کن در سجده
چنانکه گذشت بعد از ان بنشین از برای تشهد و ورك کننده نگاه کن بکنار خود و بگو
بسم الله وبالله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة
واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم
الرسول اللهم صل علی محمد وال محمد وتقبل شفاعته فی
امته وارفع درجته بعد از ان حمد بگیی خدارا دو مرتبه یا سه مرتبه و واجب
ازین تشهد همین شهادتهاست وصلواة بر پیغمبر و ال او صلوات الله علیهم بعد از ان
سلام ده و قصد کننده باین هر قرآنی از نماز را پس بگو السلام علیكم
ورحمة الله وبركاته و قصد بکنی باین انبیا و ائمه و حفظه را و اشاره بکنی بگوشه
چشمها بطرف راست خود و بدانکه جمیع انچه ذکر کرده شده درین فصل سنت است مگر انچه
ابتدا کرده شده بفعل امر پس انرا واجب است هرگاه فارغ شدی از نماز پس شروع
کن در تعقیب پس بتحقیق وارد شده در تفسیر قول خدا تعالی فاذا فرغت فانصب و
الی ربك فارغب مراد اینست هرگاه فارغ شوی از نماز واجبی پس تعقیب بکن



بسوی پروردگار خود در دعا و رغبت کن بسوی او و در سؤال که عطا میکند تو و روایت کرده است
شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام فرموده تعقیب مبالغه کننده‌تر است
در طلب روزی از رفتن بتجارت در شهرها میخواهد بتعقیب دعا خواندن در عقب نماز
و روایت کرده است نیز در تهذیب بسند صحیح از احدهما ع در عقب نماز واجب
افضل است از دعا از عقب نماز سنت مثل فضیلت نماز واجب بر سنت و روایت
کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی حسن از حضرت باقر علیه السلام که دعا
بعد از نماز واجب افضل است از نماز سنت و روایات درین باب از ائمه علیهم السلام
بسیار است و افضل تعقیبات تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است روایت
کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع که هر که بکند تسبیح فاطمه
زهرا ع را پیش از آنکه بگرداند پاهای خود را از نماز واجب امرزیده میشود و ابتدا
میشود بتکبیر و روایت کرده است نیز از آنحضرت ع فرمودند که ما امر میکنیم اطفال
خود را بتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام چنانکه امر میکنیم ایشان را بنماز پس ملازم شو او را
پس بدرستی که ملازم نشد آنرا بنده که بدبخت شود و از آنحضرت علیه السلام فرمودند
که تسبیح فاطمه زهرا ع در هر روز در عقب هر نماز دوستتر است نزد من از هزار رکعت نماز
در هر روز و از حضرت باقر علیه السلام فرمودند نیست بنده که عبادت کند خدا را

بچیزی

بچیزی از تمجید افضل از تسبیح فاطمه زهرا ع و اگر میبود چیزی از آن افضل هر آینه عطا میکرد
آنرا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بفاطمه علیها السلام و در روایات در تسبیح زهرا ع بسیار
در می آید و باید که بوده باشد نشستن تو در تعقیب مثل نشستن در تشهد و بر همان
هیئات رو بقبله بودن و تورک و ترک کن در اثنای آن کلام و التفات و بلند
از امام پس تحقیق روایت شده است از آنچه ضرر میرساند بنماز ضرر میرساند بتعقیب و چون
سلام دادی پس تکبیر بگوی سه مرتبه و بلند کن در هر یک دستها را تا برابر روی
خود و بعنوانی که پشت آنها بطرف روی تو باشد و کف آنها بطرف قبله و این
تکبیر اول تعقیب است بعد از آن بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِینَ
لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ
آبَائِنَا الْاَوَّلِینَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ
وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ
وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ
اَللّٰهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ

وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَانْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ
سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا
فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
عَافِيَتَكَ فِي اُمُورِي كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا
وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي
لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ كُلِّهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا بعد از ان تسبیح یکی تسبیح
زهرا ع بعد از ان بگوید ده مرتبه واین مخصوص بعقیب صبح است در صبح بخواند این
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ده مرتبه واین مخصوص بعقیب صبح است سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ

وبحمده

وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وصد مرتبه مَا
شَاءَ اللّٰهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَاَتُوبُ
اِلَيْهِ وصد مرتبه استغفار کند اَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ وَاَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ
وصد مرتبه بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ
وده مرتبه اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اِلٰهًا
وَاحِدًا اَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
وسی مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
اَكْبَرُ و سزاوار انست که شمرده شود ان ذکرها و تسبیحها بسبحه از تربت امام حسین علیه السلام
پس بحقیق روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صاحب الامر
علیه السلام که سبحه افضل چیزیست که تسبیح کرده شود بان بدرستی که تسبیح کننده فراموش
میکند تسبیح را اگر دانه پس نوشته میشود از برای او تسبیح بعد از ان بگوید این مخصوص
بعقیب صبح است يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِهِ وَثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهِ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

أعوذ بك من زوال نعمتك وتحويل عافيتك ومن فجاءة
نقمتك ومن درك الشقاء ومن شر ما سبق في الكتاب
اللهم إني أسألك بعزة ملكك وعظم سلطانك و
شدة قوتك على جميع خلقك أن تصلي على محمد وآل
محمد وأن تفعل بي كذا وكذا بعد از آن بگوید أعيذ نفسي
وديني وأهلي ومالي وولدي وإخواني وما
رزقني ربي وجميع ما يعنيني أمره بالله الواحد
الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
أحد وبرب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق
إذا وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد
إذا حسد وبرب الناس ملك الناس إله الناس من
شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس
من الجنة والناس بعد از آن بخوان سوره فاتحه و آیة الکرسی الله لا إله إلا
هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
وما في الأرض من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه يعلم

ما بين

ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا
بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض ولا يؤده
حفظهما وهو العلي العظيم لا إكراه في الدين قد تبين الرشد
من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك
بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم
الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات إلى النور و
الذين كفروا أولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور
إلى الظلمات أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون
شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم قائما
بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم آية الملك قل اللهم مالك الملك
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير
تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من

الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب

و از سوره اعراف ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام

ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس و

القمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب

العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين و

لا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا

ان رحمة الله قريب من المحسنين قل لو كان البحر مدادا لكلمات

ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله

مددا قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد

فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك

بعبادة ربه احدا و از اول الصافات بسم الله الرحمن الرحيم و

الصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان

الهكم لواحد رب السموات والارض وما بينهما ورب المشارق

انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان

مارد لا يسمعون الى الملاء الاعلى ويقذفون من كل

جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة

فاتبعه شهاب ثاقب سبحان ربك رب العزة عما يصفون

وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين و سه آیه از سوره الرحمن يا

معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات

والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فباي آلاء ربكما

تكذبان يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران

و چهار آیه از سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا

متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس

لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و

الشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك

القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر ه

سُبْحانَ اللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ
لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنى يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ بعدازان میخواند دوازده مرتبه سوره قل هو الله احد و میگوید درحالیکه کشاده
باشد دستهای خود را برابر روی خود اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ
الْمَخْزُونِ الطُّهْرِ الطّاهِرِ الْمُبارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ
وَسُلْطانِكَ الْقَدِيمِ يا واهِبَ الْعَطايا يا مُطْلِقَ الْاُسارى
يا فَكّاكَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيا
آمِنًا وَاَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ سالِمًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعائِي اَوَّلَهُ فَلاحًا
وَاَوْسَطَهُ نَجاحًا وَآخِرَهُ صَلاحًا اِنَّكَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُيُوبِ
بعدازان میگوید این مخصوص است بتعقیب صبح اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ
وَكَفى بِكَ شَهِيدًا وَاُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكّانَ
سَمٰوٰتِكَ وَاَرْضِكَ وَاَنْبِيائَكَ وَرُسُلَكَ وَالصّالِحِينَ مِنْ

عِبادِكَ

عِبادِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ فَاشْهَدْ لِي وَكَفى بِكَ شَهِيدًا
اَنِّي اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ
مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ كُلَّ
مَعْبُودٍ مِمّا دُونَ عَرْشِكَ اِلى قَرارِ اَرْضِكَ السّابِعَةِ السُّفْلى
باطِلٌ مُضْمَحِلٌّ ما عَدا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَاَكْرَمُ وَ
اَجَلُّ وَاَعْظَمُ مِنْ اَنْ يَصِفَ الْواصِفُونَ كُنْهَ جَلالِهِ اَوْ تَهْتَدِيَ
الْقُلُوبُ اِلى كُنْهِ عَظَمَتِهِ يا مَنْ فاقَ مَدْحَ الْمادِحِينَ
فَخْرُ مَدْحِهِ وَعَدا وَصْفَ الْواصِفِينَ مَآثِرُ حَمْدِهِ وَجَلَّ
عَنْ مَقالَةِ النّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْعَلْ بِنا ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بِنا ما اَنَا اَهْلُهُ يا اَهْلَ
التَّقْوى وَاَهْلَ الْمَغْفِرَةِ بعدازان میگوید سُبْحانَ اللّٰهِ كُلَّما سَبَّحَ اللّٰهَ
شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللّٰهُ اَنْ يُسَبَّحَ وَكَما هُوَ اَهْلُهُ وَكَما يَنْبَغِي لِكَرَمِ
وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّما حَمِدَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللّٰهُ

لا اله الا انت المعـ

أن يحمد وكما هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله
ولا إله إلا الله كما هلل الله شيء وكما يحب الله أن يهلل
وكما هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله
أكبر كما كبر الله شيء وكما يحب الله أن يكبر وكما
هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان الله
والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر على كل نعمة أنعم
بها علي وعلى كل أحد من خلقه ممن كان أو يكون إلى
يوم القيمة اللهم إني أسئلك أن تصلي على محمد وآل
محمد وأسئلك خير ما أرجو وخير ما لا أرجو وأعوذ
بك من شر ما أحذر ومن شر ما لا أحذر وبعد از آن بگوید این
از دعاهاست که در شام نیز خوانده شود بسم الله خير الأسماء بسم الله
رب الأرض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
سم ولا داء بسم الله أصبحت وعلى الله توكلت بسم الله

على قلبي ونفسي بسم الله على ديني وعقلي بسم الله على
أهلي ومالي بسم الله على ما أعطاني ربي بسم الله الذي
لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو
السميع العليم الله الله ربي حقا لا أشرك به شيئا
الله أكبر الله أكبر الله أكبر الله أعز وأجل مما أخاف
وأحذر عز جارك وجل ثناؤك وتقدست أسماؤك ولا
إله غيرك اللهم إني أعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل
سلطان شديد ومن شر كل شيطان مريد ومن شر كل
جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة أنت
آخذ بناصيتها إنك على صراط مستقيم وأنت على كل شيء حفيظ
إن وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين فإن
تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير
خلقه محمد وآله الطاهرين و بعد از این بگوید اینها مخصوص تعقیب
صبح است بسم الله وصلى الله على محمد وآله وافوض امري
الى الله ان الله بصير بالعباد فوقاه الله سيئات ما مكروا
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له و
نجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين حسبنا الله ونعم
الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء ما
شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما
شاء الناس ما شاء الله وان كره الناس حسبي الرب من
المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين حسبي الرازق من المرزوقين
حسبي الله الذي لم يزل حسبي حسبي من كان مذ كنت حسبي
حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم بعد از آن بگوید اللهم اصبح ظلمي مستجيرا بعفوك واصبحت

ذنوبي

ذنوبي مستجيرة بمغفرتك واصبح خوفي مستجيرا بامانك
واصبح فقري مستجيرا بغناك واصبح ذلي مستجيرا بعزك واصبح
ضعفي مستجيرا بقوتك واصبح وجهي الفاني مستجيرا بوجهك
الباقي يا كائنا قبل كل شيء ويا كائنا بعد كل شيء صل على محمد وآل
محمد واجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب
ومن حيث لا احتسب بعد از آن بگوید هفت مرتبه در حالتی که گرفته باشی ریش خود را به
دست راست و گشوده باشی دست چپ را بسوی آسمان يا رب محمد وآل محمد صل على
محمد وآل محمد وعجل فرج محمد وآل محمد و هفت مرتبه يا رب محمد
وآل محمد صل على محمد وآل محمد واعتق رقبتي من النار بعد از آن
بگوید يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم برحمتك استغيث
اللهم انت ثقتي في كل كربة وانت رجائي في كل شدة
وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة فاغفر لي ذنوبي
كلها واكشف همي وفرج غمي اللهم اغنني بحلالك عن حرامك

وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ وَعافِنِي فِي اُمُورِي كُلِّها وَعافِنِي مِنْ
خِزْيِ الدُّنْيا وَعَذابِ الآخِرَةِ وبعد ازان بگويد وايد عا خوانده شود در شام بر
اَصْبَحْتُ اَمْسَيْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمامِكَ المَنِيعِ الَّذِي لا يُحاوَلُ وَ
لا يُطاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غاشِمٍ وَطارِقٍ مِنْ سائِرِ ما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ
الصّامِتِ وَالنّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ وَلاءُ
اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قاصِدٍ
لِي بِاَذِيَّةٍ بِجِدارٍ حَصِينٍ الاِخْلاصِ فِي الاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ
بِحَبْلِهِمْ مُوقِنًا بِاَنَّ الحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ اُوالِي مَنْ والَوْ
وَاُجانِبُ مَنْ جانَبُوا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِذْنِي اَللّٰهُمَّ
بِهِمْ مِنْ شَرِّ ما اَتَّقِيهِ يا عَظِيمُ حَجَزْتُ الاَعادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ
السَّمٰواتِ وَالاَرْضِ وَجَعَلْنا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدًّا فَاَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ بعد از ان بگويد اين مخصوص است بتعقيب صبح
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ اللَّيْلَ مُظْلِمًا بِقُدْرَتِهِ وَجاءَ بِالنَّهارِ

كل

مُبْصِرًا بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا وَنَحْنُ فِي عافِيَةٍ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ
مَرْحَبًا بِالحافِظِينَ والتفات بطرف راست خود بكو وَحَيّاكُمَا اللّٰهُ مِنْ
كاتِبَيْنِ والتفات كن بجانب چپ خود بگو اُكْتُبا رَحِمَكُمَا اللّٰهُ بِسْمِ اللّٰهِ
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ السّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها
وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي القُبُورِ عَلَى ذٰلِكَ اَحْيىٰ وَعَلَيْهِ اَمُوتُ
وَعَلَيْهِ اُبْعَثُ اِنْ شاءَ اللّٰهُ اَقْرِءْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي
السَّلامَ بعد ازان بگويد اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهارِ
اِذا تَجَلّىٰ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ اِذا يَغْشىٰ وَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الآخِرَةِ وَالاُولىٰ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ ما لاحَ الجَدِيدانِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
ما حَدَا الحادِيانِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ما عَسْعَسَ لَيْلٌ وَ
ما اَدْلَهَمَّ ظَلامٌ وَما تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَما اَضاءَ فَجْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ

اقرئ

محمد الخطيب وفد المؤمنين اليك والمكسو حلل الامان اذا وقف
بين يديك والناطق اذا اخرست الالسن بالثناء عليك اللهم
اعل منزلته وارفع درجته واظهر حجته وتقبل شفاعته وابعثه
المقام المحمود الذي وعدته واغفر له ما احدث المحدثون
من امته بعده اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك
والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم واسئلك الفوز
بالجنة والنجاة من النار اللهم صل على محمد وال محمد واجعل لي في
صلوتي ودعائي بركة تطهر بها قلبي وتؤمن بها روعي وتكشف
بها كربتي وتغفر بها ذنبي وتصلح بها امري وتغني بها فقري
وتذهب بها ضري وتفرج بها همي وتسلي بها غمي وتشفي بها
سقمي وتؤمن بها خوفي وتجلوا بها حزني وتقضي بها ديني
وتجمع بها شملي وتبيض بها وجهي واجعل ما عندك خيرا
لي بعد از ان بکوی اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة

روعتي

لا تنال الا منك ولحاجة لا يقضيها الا انت يا كريم اللهم كما كان
من شانك ما اردتني به من ذكرك والهمتنيه من شكرك و
دعائك فليكن من شانك الاجابة لي فيما دعوتك والنجاة
مما فزعت اليك منه فان لم اكن اهلا ان ابلغ رحمتك فان
رحمتك اهل ان تبلغني وتسعني لانها وسعت كل شئ وانا
شئ فلتسعني رحمتك يا مولاي ثم تقول وانت تبكي او تتباكى
الهي ان ذنوبي وكثرتها قد غبرت وجهي عندك
وحجبتني عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استنجاز مغفرتك
ولولا تعلقي بآلائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي من
المسرفين واشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين
اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر
الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين
من رحمتك فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون

ثم ندبتنا برحمتك الى دعائك فقلت ادعوني استجب لكم ان الذين
يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين الهي لقد كان
ذل الاياس علي مشتملا والقنوط من رحمتك بي ملتحفا الهي قد
وعدت المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء ظنه بك عقابا
اللهم وقد اسبل دمعي حسن الظن بك في عتق رقبتي من النار و
تغمد زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي لا خلف
فيه ولا تبديل يوم ندعوا كل اناس بامامهم اللهم اني اقر
واشهد واعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن وابطن
بانك انت الله الذي لا اله الا انت وحدك لا شريك لك
وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين وسيد
الوصيين ووارث علم النبيين وقاتل المشركين وامام المتقين
ومجاهد الناكثين والقاسطين والمارقين امامي ومحجتي وصراطي
ودليلي وحجتي ومن لا اثق بالاعمال وان زكت ولا اراها

منجية

منجية وان صلحت الا بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله
والقبول من حملتها والتسليم لرواتها اللهم واقر باوصيائه من
ابنائه ائمة وحججا وادلة وسرجا واعلاما ومنارا وسادة ابرارا
وادين بسرهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم وحيهم وميتهم وشاهدهم
وغائبهم لا شك في ذلك ولا ارتياب ولا تحول عنه ولا انقلاب
اللهم فادعني يوم حشري وحين نشري بامامتهم واحشرني
في زمرتهم واكتبني في اصحابهم وانقذني بهم يا مولاي من
حر النيران فانك ان اعفيتني منها كنت من الفائزين اللهم
وقد اصبحت في يومي هذا لا ثقة لي ولا مفزع ولا ملجأ غير
من توسلت بهم اليك من ال رسولك علي وفاطمة والحسن والحسين
وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد صلواتك
عليهم اجمعين اللهم فاجعلهم حصني من المكاره ومعقلي من المخاوف
ونجني بهم من كل عدو وطاغ وفاسق باغ ومن شر ما اعرف وما

انكر وما استتر علي وما ابصر ومن شر كل دابة ربي اخذ بناصيتها
ان ربي على صراط مستقيم اللهم بوسيلتي اليك بهم وتقربي بمحبتهم
وتخصصني بامامتهم افتح علي ابواب رحمتك ومغفرتك وحببني
الى خلقك وجنبني عداوتهم وبغضهم انك على كل شيء قدير
اللهم ولكل متوسل ثواب ولكل ذي شفاعة حق فاسئلك بمن
جعلتهم اليك سببي وقدمتهم امام طلبتي ان تعرفني بركة
يومي هذا وشهري هذا وعامي هذا اللهم فهم مفزعي ومعولي
في شدتي ورخائي وعافيتي وبلائي ونومي ويقظتي وظعني
واقامتي وعسري ويسري وصباحي ومسائي ومنقلبي ومثواي
اللهم فلا تخلني بهم من نعمتك ولا تخيبني بهم من نائلك
ولا تقطع رجائي من رحمتك ولا تفتني باغلاق ابواب الارزاق
وانسداد مسالكها وارتتاج مذاهبها وافتح لي من لدنك فتحا
يسيرا واجعل لي من كل ضنك مخرجا والى كل سعة منهجا برحمتك

يا ارحم الراحمين اللهم اجعل الليل والنهار مختلفين علي برحمتك
ومعافاتك ومنك وفضلك ولا تفقرني الى احد من خلقك
برحمتك يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير وبكل شيء محيط
بعد از آن سجده اللهم اني اسئلك يا مدرك الهاربين ويا ملجأ
الخائفين ويا صريخ المستصرخين ويا غياث المستغيثين ويا منتهى
غاية السائلين ويا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين
يا الله يا رباه يا عزيز يا حكيم يا غفور يا رحيم يا قاهر يا عليم
يا سميع يا بصير يا لطيف يا خبير يا قهار يا جبار يا رحمن
يا منان يا سبوح يا قدوس يا مبدئ يا معيد يا باعث يا وارث
يا فارج الهم يا كاشف الغم يا منزل الحق يا قابل الصدق يا ذا البلاء
الجميل والطول العظيم يا معروفا بالاحسان يا موصوفا بالامتنان
يا من قصرت عن وصفه السن الواصفين وانقطعت عنه افكار
المتفكرين يا شاهد كل نجوى يا كاشف الغم ودافع البلوى

يا نعم النصير والمولى يا منعم يا مفضل يا محسن يا مجمل يا من لا يشغله
صغير عن كبير ولا حقير عن خطير يا من بدء بالنعمة قبل استحقاقها
وبالفضيلة قبل استيجابها يا احق من عبد وحمد ورجي واعتمد
اسئلك بكل اسم مقدس مطهر مكنون اخترته لنفسك وكل ثناء
عال رفيع كريم رضيت به مدحة لك وبحق كل ملك قربت منزلته
عندك وبحق كل نبي ارسلته الى عبادك وبحق كل شيء جعلته
مصدقا لرسلك وكل كتاب فصلته واحكمته وشرعته وكل دعاء
سمعته فاجبته وعمل رفعته واسئلك بكل من عظمت حقه و
اعليت قدره وعرفتنا امره ومن لم تعرفنا مقامه ولم تظهر
لنا شانه ممن خلقته من اول ما ابتدءت به من خلقك وممن
تخلقه الى انقضاء الدهر واسئلك بتوحيدك الذي فطرت
عليه العقول واخذت به المواثيق وارسلت به الرسل وجعلته
اول فروضك ونهاية طاعتك واتوجه اليك بجودك ومجدك

وكرمك وعزك وجلالك وعفوك وامتنانك وتطولك واسئلك
يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه وارغب اليك خاصا و
عاما واولا واخرا بحبيبك ورسولك محمد سيد المرسلين واشرف
الاولين والاخرين وبالرسالة التي اداها والعبادة التي اجتهد
فيها والمحنة التي صبر عليها والمغفرة التي دعا اليها والديانة التي
حض عليها منذ وقت رسالتك اياه الى ان توفيته وبما بين
ذلك من اقواله الحكيمة وافعاله الكريمة ومقاماته المشهودة وساعاته
المعدودة ان تصلي عليه كما وعدته من نفسك وتعطيه افضل
ما امت من ثوابك وتزلف لديك منزلته وتعلي عندك درجته
وتبعثه المقام المحمود وتورده حوض الكرم والجود وعلى اله الطيبين
الاطهار المنتجبين الابرار وعلى جبرئيل وميكائيل والملئكة المقربين
وعلى جميع الانبياء والمرسلين والشهداء والصالحين اللهم
اني اصبحت لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة

ولا نشورا

قد انقطعت وسائلي وذهبت مسائلي وذل ناصري واسلمني اهلي
وولدي اللهم وقد اكدى الطلب واعيت الحيل الا عندك
وانقطعت الطرق وضاقت المذاهب الا اليك ودرست
الامال وانقطع الرجاء الا منك وكذب الظن واخلفت العدة
الا عدتك اللهم ان مناهل الرجاء لفضلك المترعة وابواب
الدعاء لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة
والاستغاثة لمن استغاث بك موجودة وانت لداعيك بموضع
اجابة وللصارخ اليك ولي الاغاثة وللقاصد اليك قريب
المسافة وانت لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم الاعمال
السيئة وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة و
اخلاص نية وقد دعوتك بعزم ارادتي واخلاص طويتي
وصادق نيتي فها انا ذا مسكينك بائسك اسيرك فقيرك
سائلك منيخ بفنائك قارع باب رجائك وانت اولى

بنصر الواثق بك واحق برعاية المنقطع اليك سري لك مكشوف
وانا اليك ملهوف اذا اوحشتني الغربة آنسني ذكرك واذا صبت
علي الامور استجرت بك واذا تلاحكت علي الشدائد املتك و
اين يذهب بي يا رب عنك وازمة الامور كلها بيدك صادرة
عن قضائك مذعنة بالخضوع لقدرتك فقيرة الى عفوك
ذات فاقة الى رحمتك وقد مسني الفقر ونالني الضر وشملتني
الخصاصة وعرتني الحاجة وتوسمت بالذلة وعلتني المسكنة
وحقت علي الكلمة واحاطت بي الخطيئة وهذا الوقت الذي
وعدت اولياءك فيه الاجابة فامسح ما بي بيمينك الشافية
وانظر الي بعينك الراحمة وادخلني في رحمتك الواسعة و
اقبل علي بوجهك ذي الجلال والاكرام فانك اذا اقبلت على
اسير فككته وعلى ضال هديته وعلى حائر آويته وعلى ضعيف
قويته وعلى خائف آمنته اللهم انك انعمت علي فلم اشكر

وابتليتني فلم اصبر فلم يوجب عجزي عن شكرك منع المؤمل من
فضلك واوجب عجزي عن الصبر على بلائك كشف ضرك وانزال
رحمتك فيا من قل عند بلائه صبري فعافاني وعند نعمائه
شكري فاعطاني اسئلك المزيد من فضلك والايزاع لشكرك
والاعتداد بنعمائك في اغنى العافية واسبغ النعمة انك على كل
شيء قدير اللهم لا تخلني من يدك ولا تتركني لقا لعدوك
ولا لعدوي ولا توحشني من لطائفك الخفية وكفايتك
الجميلة هذا مقام العائذ بك اللائذ بعفوك المستجير بعز جلالك
قد راى اعلام قدرتك فاره اثار رحمتك اللهم تولني ولاية
تغنيني بها عن سواها واعطني عطية لا احتاج الى غيرك معها
فانما لست ببدع من ولايتك ولا بنكر من عطيتك ادفع
الصرعة وانعش السقطة وتجاوز عن الزلة واقبل التوبة وارحم
الهفوة وانج من الورطة واقل العثرة يا منتهى الرغبة و

وغياث

وغياث الكربة وولي النعمة وصاحبا في الكربة ورحمن الدنيا و
الاخرة خذ بيدي من دحض المزلة فقد كبوت وثبتني على الصراط
المستقيم والا غويت يا هادي الطرق يا فارج المضيق يا جاري
اللصيق يا ركني الوثيق احلل عني المضيق واكفني شر ما اطيق و
ما لا اطيق يا اهل التقوى واهل المغفرة والعزة والقدرة
والالاء والعظمة يا ارحم الراحمين واكرم الناظرين ورب العالمين
لا تقطع منك رجائي ولا تخيب دعائي ولا تجهد بلائي و
لا تنس قضائي ولا تجعل النار مأواي واجعل الجنة مثواي
واعطني من الدنيا مناي وبلغني من الاخرة املي ورضائي
واتني في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقني عذاب النار
انك على كل شيء قدير وبكل شيء محيط بعد از ان بخواند دعای صباح حضرت
سید العابدین را و فراز دعاهای صحیفه کامله است الحمد لله الذي خلق
الليل والنهار بقوته وميز بينهما بقدرته وجعل لكل واحد منهما

شرح

حَدًّا مَحْدُودًا وَاَمَدًا مَمْدُودًا يُولِجُ كُلَّ واحِدٍ مِنْهُما في صاحِبِهِ وَيُولِجُ صاحِبَهُ

فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبادِ فِيما يَغْذُوهُمْ بِهِ وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ فَخَلَقَ لَهُمُ

اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكاتِ التَّعَبِ وَنَهَضاتِ النَّصَبِ وَجَعَلَهُ لِباسًا

لِيَلْبَسُوا مِنْ راحَتِهِ وَمَنامِهِ فَيَكُونَ ذلِكَ لَهُمْ جَمامًا وَقُوَّةً وَلِيَنالُوا

بِهِ لَذَّةً وَشَهْوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهارَ مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَ

لِيَتَسَبَّبُوا اِلى رِزْقِهِ وَيَسْرَحُوا في اَرْضِهِ طَلَبًا لِما فِيهِ نَيْلُ الْعاجِلِ

مِنْ دُنْياهُمْ وَدَرَكُ الْآجِلِ في اُخْراهُمْ بِكُلِّ ذلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ وَيَبْلُوا

اَخْبارَهُمْ وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ في اَوْقاتِ طاعَتِهِ وَمَنازِلِ فُرُوضِهِ

وَمَواقِعِ اَحْكامِهِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اَساؤُا بِما عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا

بِالْحُسْنى اَللّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى ما فَلَقْتَ لَنا مِنَ الْاِصْباحِ وَ

مَتَّعْتَنا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهارِ وَبَصَّرْتَنا بِهِ مِنْ مَطالِبِ الْاَقْواتِ

وَوَقَيْتَنا فِيهِ مِنْ طَوارِقِ الْآفاتِ اَصْبَحْنا وَاَصْبَحَتِ الْاَشْياءُ

كُلُّها بِجُمْلَتِها لَكَ سَماؤُها وَاَرْضُها وَما بَثَثْتَ في كُلِّ واحِدٍ مِنْهُما

ساكِنُهُ

ساكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ وَمُقِيمُهُ وَشاخِصُهُ وَما عَلا فِي الْهَواءِ وَما كَنَّ تَحْتَ

الثَّرى اَصْبَحْنا في قَبْضَتِكَ يَحْوِينا مُلْكُكَ وَسُلْطانُكَ وَتَضُمُّنا

مَشِيَّتُكَ وَنَتَصَرَّفُ عَنْ اَمْرِكَ وَنَتَقَلَّبُ في تَدْبِيرِكَ لَيْسَ لَنا مِنَ الْاَمْرِ

اِلَّا ما قَضَيْتَ وَلا مِنَ الْخَيْرِ اِلَّا ما اَعْطَيْتَ اَللّهُمَّ وَهذا يَوْمٌ حادِثٌ

جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيْنا شاهِدٌ عَتِيدٌ اِنْ اَحْسَنّا وَدَّعَنا بِحَمْدٍ وَاِنْ اَسَأْنا

فارَقَنا بِذَمٍّ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنا حُسْنَ مُصاحَبَتِهِ وَاعْصِمْنا

مِنْ سُوءِ مُفارَقَتِهِ بِارْتِكابِ جَرِيرَةٍ اَوِ اقْتِرافِ صَغِيرَةٍ اَوْ كَبِيرَةٍ وَاَجْزِلْ

لَنا فِيهِ مِنَ الْحَسَناتِ وَاَخْلِنا فِيهِ مِنَ السَّيِّئاتِ وَامْلَأْ لَنا ما بَيْنَ

طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا وَاَجْرًا وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَاِحْسانًا اَللّهُمَّ يَسِّرْ

عَلَى الْكِرامِ الْكاتِبِينَ مَؤُنَتَنا وَامْلَأْ لَنا مِنْ حَسَناتِنا صَحائِفَنا وَلا

تُخْزِنا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمالِنا اَللّهُمَّ اجْعَلْ لَنا في كُلِّ ساعَةٍ مِنْ

ساعاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبادِكَ وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَشاهِدَ صِدْقٍ

مِنْ مَلائِكَتِكَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنا مِنْ بَيْنِ اَيْدِينا

واحفظنا من بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا وعن شمائلنا
ومن جميع نواحينا حفظا عاصما من معصيتك هاديا الى طاعتك
مستعملا لمحبتك اللهم صل على محمد وآله ووفقنا في يومنا هذا و
ليلتنا هذه وفي جميع ايامنا ولياليها لاستعمال الخير وهجران الشر
وشكر النعم واتباع السنن ومجانبة البدع والامر بالمعروف والنهي
عن المنكر وحياطة الاسلام وانتقاص الباطل واذلاله ونصرة
الحق واعزازه وارشاد الضال ومعاونة الضعيف اللهم صل على
محمد وآله واجعله ايمن يوم عهدناه وافضل صاحب صحبناه
وخير وقت ظللنا فيه واجعلنا من ارضى من مر عليه الليل والنهار
من جملة خلقك اشكرهم لما اوليت من نعمك واقومهم بما شرعت
من شرايعك واوقفهم عما حذرت من نهيك اللهم اني اشهدك
وكفى بك شهيدا واشهد سماءك وارضك ومن اسكنتهما
من ملائكتك وسائر خلقك في يومي هذا وساعتي هذه و

واو وال الضعيف

ليلتي هذه وضع

مستقرّي

مستقرّي هذا اني اشهد انك انت الله الذي لا اله الا انت قائم
بالقسط عدل في الحكم رؤف بالعباد مالك الملك رحيم بالخلق
وان محمدا عبدك ورسولك وخيرتك من خلقك حملته رسالتك
فاداها وامرته بالنصح لامته فنصح لها اللهم فصل على محمد
وآله اكثر ما صليت على احد من خلقك وآته عنا افضل ما
آتيت احدا من عبادك واجزه عنا افضل واكرم ما جزيت
احدا من انبيائك عن امته انك انت المنان بالجسيم الغافر
للعظيم وانت ارحم من كل رحيم فصل على محمد وآله الطيبين
الطاهرين الاخيار الانجبين وبدانكه دعاها وذكرها وارد شده است از اصحاب
عصمت سلام الله عليهم در تعقيبات خصوصا تعقيب نماز صبح بسيار است وما اكتفا كرديم
بمقدر حاجت حضار والله ولي الاعانة والتوفيق وبدانكه ذكر كرديم از از تعقيب ما خود است
از روايت متعدده ومجتمع نشده اند در روايات واحدي پس بهتر است كه اقتصار كني
بر بعضي از ان هرگاه وسعت مدرسه باشد وقت تو از براي همه وهرگاه بيابي از نفس خود سستي
وماندگي پس قطع كن تعقيب را وتكليف مكن از اتمام كردن از براي ميل نبودن ميل واقبال ان

وحدك لا شريك لك

زیراکه توجه و اقبال بر این عبادت و دعاست و نشستن در مصلای خود بعد از فراغ

از نماز صبح تا اینکه طلوع کند آفتاب و هر چند بوده باشی مشغول تعقیب پس تحقیق روایت است

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند که هر که نماز کند پس بنشیند در مصلای خود تا طلوع

آفتاب خواهد بود از برای او سپری از آتش و نیز او وارد است خواندن سوره یس بعد از تعقیب

پس در بستی که خوانند آن در صباح همیشه محفوظ است و روزی داده شده است تا اینکه شام کنند

و این سوره یس را دافعه میگویند جهت اینکه دفع میکند از خواننده خود هر شری را و قاضیه میگویند

باعتبار اینکه بر می آورد از برای خواننده خود هر حاجتی را بدانکه وارد شده است قسمت

روز به دوازده ساعت و نسبت هر ساعتی بیکی از ائمه اثنی عشر علیهم السلام است و تخصیص آن

بدعایی که خوانده میشود در آن و فرو ذکر میکنیم هر یک از آنها را با دعای آن در محل خود ان شاء الله تعالی

پس ساعت اول معین ساعتی است که کلام ما در این باب در آنست یعنی ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب

و این منسوب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و این دعای آنست اَللّٰهُمَّ رَبَّ

الظَّلامِ وَالْفَلَقِ وَالْفَجْرِ وَالشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ

خَالِقَ الْاِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ اَظْهَرْتَ قُدْرَتَكَ بِبَدِيعِ صُنْعِكَ وَخَلَقْتَ

عِبَادَكَ لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ بِكَرَمِ فَضْلِكَ اِلَى سُبُلِ

طَاعَتِكَ وَتَفَرَّدْتَ فِي مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ سُلْطَانٍ وَتَوَدَّدْتَ اِلَى

خَلْقِكَ بِقَدِيمِ الْاِحْسَانِ وَتَعَرَّفْتَ اِلَى بَرِيَّتِكَ بِجَسِيمِ الْاِمْتِنَانِ

يَا مَنْ يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَاْنٍ اَسْئَلُكَ

اللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْاَمِينُ عَلَى قَلْبِهِ لِيَكُونَ

مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ

ابْنِ عَمِّ الرَّسُولِ وَبَعْلِ الْبَتُولِ الَّذِي فَرَضْتَ وِلَايَتَهُ عَلَى الْخَلْقِ وَكَانَ

يَدُورُ حَيْثُ دَارَ الْحَقُّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتُهُمْ

وَسِيلَتِي وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي

وَتُطَهِّرَ قَلْبِي وَتَسْتُرَ عَيْبِي وَتُفَرِّجَ كَرْبِي وَتُبَلِّغَنِي مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ

اَمَلِي وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و عبارات

که بر دو زانو اینده عمارا از جمله تعقیب و باید که بوده باشد آخر آنچه بجای آوری از تعقیب نماز

سجده شکر پس تحقیق روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت ابو عبد الله که فرموده

دو سجده شکر واجبست بر هر مسلمانی تمام میکنی تا آن نماز خود را و راضی میکردانی بان پروردکار خود را
و بشکفت می آیند ملائکه از تو و بدرستی که بنده هرکاه نماز کند بعد از ان سجده شکر را میکشاید خداوند
حجاب را میان بنده و ملائکه پس میفرماید این ملائکه من نکاه کنید به بنده من بجا آورده است فرض مرا
و تمام کرده است عهد مرا پس سجده کرده است برای من جهة شکر برانچه انعام کرده ام فرمایان بر و وای
ملائکه من چه چیز است برای او پس میکویند ملائکه ای پروردکار ما رحمت تو باز میفرماید خدا تعالی پس از ان
دیکر چه چیز پس میکویند ملائکه ای پروردکار ما بهشت تو پس میفرماید خدا تعالی پس از ان دیکر چه چیز پس میکویند
ملائکه ای پروردکار ما کفایت مهم و مطلب او باز میفرماید خدا تعالی پس از ان دیکر چه چیز پس از ان باقی
نمیماند چیزی از خیر مکر انکه میکویند او را ملائکه پس میفرماید خدا تعالی ای ملائکه من پس از ان دیکر چه چیز پس میکویند
ملائکه ای پروردکار ما معرفت علمی از برای او پس میفرماید خدا تعالی هر آینه شکر میکنیم او را چنانکه او شکر
کرد مرا در و می آورم بسوی او بفضل خود و مینمایم با و رحمت خود را و سنت است طول دادن این سجده ها
و شیخ طوسی روایت کرده است در فقیه که حضرت کاظم علیه السلام سجده میرفتند بعد از انکه
نماز صبح میکردند پس بر نمیداشتند سر مبارک را تا انکه بلند میشد روز و هرکاه بکنی این دو سجده را
و هر یکی از رخسار های خود را بر زمین می چسبانی و شکم خود را و میخوانی انچه را روایت کرده است ابن طاوس
در کتاب خود بسند حسن از حضرت ابو الحسن ماضی ع پس میکوئی در سجده اول اللهم انی

اللهم

اشهدك واشهد ملائكتك وانبيائك ورسلك وجميع خلقك
انك انت الله ربي والاسلام ديني ومحمدا صلى الله عليه واله نبيي و
عليا والحسن والحسين وعليا ومحمدا وجعفرا وموسى وعليا ومحمدا وعليا
والحسن ومحمدا سلام الله عليهم ائمتي بهم اتولى ومن عدوهم اتبرء
بعد از ان میکوئی سه مرتبه اللهم انی انشدك دم المظلوم بعد از ان میکوئی اللهم انی
انشدك بايوائك على نفسك لاوليائك لتظفرنهم بعدوك و
عدوهم ان تصلي على محمد وال محمد وعلى المستحفظين من ال محمد
صلى الله عليه واله و بعد از ان میکوئی سه مرتبه اللهم انی اسئلك اليسر بعد
العسر بعد از ان میکذاری کونه راست خود را بر زمین و میکوئی یا كهفي حين تعييني المذاهب
وتضيق علي الارض بما رحبت ويا بارئ خلقي رحمة بي وكان عن
خلقي غنيا صل على محمد وال محمد وعلى المستحفظين من ال محمد صلى الله
عليه واله بعد از ان میکذاری کونه چپ خود را بر زمین و میکوئی سه مرتبه اینه عا را یا مذل
كل جبار ويا معز كل ذليل قد وعزتك بلغ بي مجهودي بعد از ان میکوئی

سه مرتبه یا حنان یا منان یا کاشف الکرب العظیم بعد از آن تابان یکی بسجده دوم و بگوید
در آن صد مرتبه شکرا لله شکرا لله بعد از آن سؤال بکنی حاجت خود را در روایت شده از آنحضرت علیه السلام
که میفرمودند در سجده شکر باواز حزین و حال آنکه اشکهای او روان بود عصیتک رب بلسانی
ولو شئت وعزتك لاخرستني وعصيتك ببصري ولو شئت وعزتك
لاكمهتني وعصيتك بسمعي ولو شئت وعزتك لكنعتني وعصيتك
برجلي ولو شئت وعزتك لجذمتني وعصيتك بفرجي ولو شئت
وعزتك لعقمتني وعصيتك بجميع جوارحي التي انعمت بها
علي وليس هذا جزاؤك مني بعد از آن میگوید العفو العفو هزار مرتبه بعد از آن
میچسبانند گونه راست خود را بر زمین و میگفتند باواز حزین بؤت اليك بذنبي
عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي ذنوبي فانه لا يغفر الذنوب
غيرك يا مولاي بعد از آن میچسبانند گونه چپ خود را بر زمین و میگفتند ارحم من
اساء واقترف واستكان واعترف و میگوید برگاه برداری سر خود را از سجدهٔ
شکر اللهم لك الحمد كما خلقتني ولم اك شيئا مذكورا رب اعني

لاصممتني وعصيتك بيدي و
لو شئت وعزتك صح

على اهوال الدنيا وبوائق الدهر ونكبات الزمان ومصيبات
الليالي والايام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض وفي سفري
فاصحبني وفي اهلي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي
لك فذللني وفي اعين الناس فعظمني واليك فحببني وبذنوبي
فلا تفضحني وبعملي فلا تبسلني وبسريرتي فلا تخزني ومن شر
الجن والانس فسلمني ولمحاسن الاخلاق فوفقني ومن مساوي
الاخلاق فجنبني الى من تكلني يا رب المستضعفين وانت
ربي الى عدو ملكته امري ام الى بعيد فيتجهمني فان لم
تكن غضبت علي يا رب فلا ابالي غير ان عافيتك اوسع لي
واحب الي اعوذ بنور وجهك الذي اشرقت به السموات و
الارض وكشفت به الظلمة وصلح عليه امر الاولين والاخرين
ان تحل علي غضبك وينزل بي سخطك لك الحمد حتى ترضى وبعد الرضا
ولا حول ولا قوة الا بك در آنچه کرده میشود میانه طلوع آفتاب یعنی

چنانچه گذشت در اواخر باب اول که وارد شده است قسمت روز بدوازده ساعت و اینکه
از برای هر یک از اثنی عشر ساعتی است و از برای هر ساعت دعای مخصوص است پس ساعت
اول از آن ساعت طلوع صبح است تا طلوع آفتاب از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و ذکر
کردیم دعائی از آن از جمله اعمال آن وقت پس بر این سینه و ذکر نکنیم در این مقام الا مخصوص این ساعت
پس میگوییم ساعت دوم از طلوع آفتاب است تا برطرف شدن سرخی آن و آن از حضرت امام
حسن علیه السلام است و میخوانند در آن اینندعا را اَللّٰهُمَّ یا خالِقَ السَّموٰاتِ وَالْاَرْضِ
وَمالِكَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَمُدَبِّرَ الْاِبْرامِ وَالنَّقْضِ وَمَنْ لا یُجیبُ الْمُضْطَرَّ
اِذا دَعاهُ وَیَكْشِفُ السُّوءَ یا مالِكُ یا جَبّارُ یا واحِدُ یا قَهّارُ یا عَزیزُ
یا غَفّارُ یا مَنْ لا تُدْرِكُهُ الْاَبْصارُ وَهُوَ یُدْرِكُ الْاَبْصارَ یا مَنْ
لا یُمْسِكُ خَشْیَةَ الْاِنْفاقِ وَلا یُقَتِّرُ خَوْفَ الْاِمْلاقِ یا كَریمُ یا
رَزّاقُ یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ الْاِسْتِحْقاقِ یا مَنْ یُنَزِّلُ الرُّوحَ
مِنْ اَمْرِهِ عَلیٰ مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ لِیُنْذِرَ یَوْمَ التَّلاقِ كَبُرَتْ
نِعْمَتُكَ عَلَیَّ وَصَغُرَ فی جَنْبِها شُكْری وَدامَ غِناكَ عَنّی وَعَظُمَ

الیك

اِلَیْكَ فَقْری اَسْئَلُكَ یا عالِمَ سِرّی وَجَهْری یا مَنْ لا یَقْدِرُ سِواهُ عَلیٰ
كَشْفِ ضُرّی اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُخْتارِ وَحُجَّتِكَ عَلَی الْاَبْرارِ
وَالْفُجّارِ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ الْاَخْیارِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ
بِالْاَنْزَعِ الْبَطینِ عِلْماً وَبِالْاِمامِ الزَّكِیِّ الْحَسَنِ الْمَقْتُولِ سَمّاً فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ
بِهِمْ اِلَیْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامی وَبَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی اَنْ تَزیدَنی مِنْ
لَدُنْكَ عِلْماً وَتَهَبَ لی حُكْماً وَتَجْبُرَ كَسْری وَتَشْرَحَ بِالتَّقْویٰ صَدْری
وَتَرْحَمَنی اِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیا اَثَری وَتَذْكُرَنی اِذا نَسِیَ ذِكْری
بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و ساعت سیوم از برطرف شدن سرخی آفتاب تا
بلند شدن روز از حضرت امام حسین علیه السلام است و میخوانند در آن اینندعا را اَللّٰهُمَّ
رَبَّ الْاَرْبابِ وَمُسَبِّبَ الْاَسْبابِ وَمالِكَ الرِّقابِ وَمُسَخِّرَ السَّحابِ
وَمُسَهِّلَ الصِّعابِ یا حَلیمُ یا تَوّابُ یا كَریمُ یا وَهّابُ یا مُفَتِّحَ الْاَ
بْوابِ حَیْثُ ما دُعِیَ اَجابَ یا مَنْ لَیْسَ لَهُ حاجِبٌ وَلا بَوّابٌ
یا مَنْ لَیْسَ لِخَزائِنِهِ قُفْلٌ وَلا بابٌ یا مَنْ لا یُرْخیٰ عَلَیْهِ سِتْرٌ وَلا

يُضربُ دُونَهُ حِجابٌ يا مَنْ يَرزُقُ مَنْ يشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ يا غافِرَ

الذَنْبِ وَقابِلَ التَوبِ شَدِيدَ العِقابِ اَللّهُمَّ انقطعَ الرجاءُ

اِلّا مِن فَضلِكَ وَخابَ الاَمَلُ اِلّا مِن كَرَمِكَ فَاَسئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ

وَبِعَلِيِّ ابنِ اَبي طالِبٍ صَفِيِّكَ وَبِالحُسَينِ الاِمامِ التَّقِيِّ الَّذي

اشْتَرى نَفْسَهُ ابتِغاءَ مَرضاتِكَ وَجاهَدَ النّاكِثِينَ عَن صِراطِ

طاعَتِكَ فَقَتَلُوهُ ساغِباً ظَمْآناً وَهَتَكُوا حُرمَتَهُ بَغياً وَعُدواناً

وَحَمَلُوا رَاْسَهُ فِي الاَفاقِ وَاَحَلُّوهُ مَحَلَّ اَهلِ العِنادِ وَالشِقاقِ

اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجَدِّدْ عَلَى الباغِي عَلَيهِ مُخْزِياتِ

لَعنِكَ وَاِنتِقامِكَ وَمُرْدِياتِ سَخَطِكَ وَنَكالِكَ اَللّهُمَّ

اِنّي اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتَشْفِعُ بِهِمْ اِلَيكَ وَاُقَدِّمُهُمْ

اَمامي وَبَينَ يَدَيْ حَوائِجِي اَنْ لا تَقطَعَ رَجائِي مِنْ اِمتِنانِكَ

وَلا تُخَيِّبَ تَاْمِيلِي فِي اِحسانِكَ وَنَوالِكَ وَلا تَهتِكَ السِّتْرَ

المَسْدُولَ عَلَيَّ مِنْ جَمِيلِكَ وَلا تُغَيِّرَ عَنّي عَوائِدَ طَولِكَ وَ

نعمك

وَنِعَمِكَ وَوَفِّقْني لِما يُقَرِّبُني اِلَيكَ وَاصْرِفْني عَمّا يُباعِدُني

عَنكَ وَاَعْطِني مِنَ الخَيرِ اَفضَلَ مِمّا اَرجُوا وَاكْفِني مِنَ الشَرِّ ما

اَخافُ وَاَحْذَرُ بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمِين وساعت چهارم از بلند

شدن روز است تا پیش و این از حضرت سید العابدین علیه السلام است و بیخواید در اسی دعا

اَللّهُمَّ اَنْتَ المَلِكُ المَلِيكُ المالِكُ وَكُلُّ شَيءٍ سِوا وَجْهِكَ الكَرِيمِ

هالِكٌ سَخَّرْتَ بِقُدرَتِكَ النُجُومَ السَّوالِكَ وَاَمْطَرْتَ الغُيُومَ

السَّوافِكَ وَعَلِمْتَ ما فِي البَرِّ وَالبَحرِ وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي

الظُّلُماتِ الحَوالِكِ يا سَمِيعُ يا بَصِيرُ يا بَرُّ يا شَكُورُ يا غَفُورُ

يا رَحِيمُ يا مَنْ يَعلَمُ خائِنَةَ الاَعيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ

يا مَنْ لَهُ الحَمْدُ فِي الاُولى وَالآخِرَةِ وَهُوَ الحَكِيمُ الخَبِيرُ اَسْئَلُكَ

سُؤالَ البائِسِ الحَسِيرِ وَاَتَضَرَّعُ اِلَيكَ تَضَرُّعَ الضّالِعِ الكَسِيرِ

وَاَتَوَكَّلُ عَلَيكَ تَوَكُّلَ الخاشِعِ المُستَجِيرِ وَاَقِفُ بِبابِكَ

وُقُوفَ المُؤَمِّلِ الفَقِيرِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيكَ بِالبَشِيرِ النَّذِيرِ

بقدرتك م

يا علي يا كبير

وَالسِّرَاجِ الْمُنِيرِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَابْنِ عَمِّهِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَبِالْاِمَامِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَاِمَامِ الْمُتَّقِينَ
الْمُخْفِي لِلصَّدَقَاتِ وَالْخَاشِعِ فِي الصَّلَوَاتِ وَالدَّائِبِ الْمُجْتَهِدِ
فِي الْمُجَاهِدَاتِ السَّاجِدِ ذِي الثَّفِنَاتِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ
يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مُوَاقَعَةِ مَعَاصِيكَ وَ
تُرْشِدَنِي اِلَى مُوَافَقَةِ مَا يُرْضِيكَ وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُؤْمِنُ
بِكَ وَيَتَّقِيكَ وَيَخَافُكَ وَيَرْجُوكَ وَيُرَاقِبُكَ وَيَسْتَحْيِيكَ
وَيَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمُوَالَاةِ مَنْ يُوَالِيكَ وَيَتَحَبَّبُ اِلَيْكَ
بِمُعَادَاةِ مَنْ يُعَادِيكَ وَيَعْتَرِفُ لَدَيْكَ بِعَظِيمِ نِعَمِكَ
وَاَيَادِيكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بدانکه نسخهای دعای تعقیب
اختلاف بسیار دارد بزیاده و نقصان و آنچه آورده‌ام فرا او درین کتاب است و وثوق و اعتماد
دارم بآن و خدا است ولی التوفیق و آنچه سزاوار است که کرده شود در اول روز تصدقات است
هرچه میسر شود و هرچند چیز حقیری باشد روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق ع

فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده صبح بگاه بدهید صدقه پس بدرستی که بلا تجاوز
نمیکند از آن و روایت کرده است نیز در کافی از آنحضرت ع که فرمود صبح بگاه بدهید صدقه و رغبت کنید
در آن پس بدرستی که مؤمنی که تصدق کند بصدقه که اراده کند بآن آنچه را که نازل شده است جهت آنکه دفع کند خدا از او
بسبب آن صدقه شر آنچه فرود می‌آید از آسمان بسوی زمین در آن روز مگر آنکه نگاهدارد او را خدای تعالی
از شر آنچه فرود می‌آید در آن روز و از آنچه کرده میشود در اول روز مسح کردن بگلاب است پس در حدیث است از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم وارد شده که هرکه مسح کند روی خود را بگلاب نمیرسد او را در آن روز
احتیاجی و نه فقری و باید که مسح کرده شود رو و دستها و صلوات فرستاده شود بر پیغمبر صلی الله
علیه و آله و از آنچه کرده میشود در اول روز در غالب اوقات مندیل پیچیدن است و پوشیدن جامها
و موزه و نعل پس ما اکثر آنها ذکر میکنیم ببعضی از آداب آنها و دعاهای آنها پس میگوییم اما
مندیل پیچیدن پس چون روایت شده است که سزاوار است که گفته شود نزد آن اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي
بِسِيمَاءِ الْاِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَ
لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيمَانِ مِنْ عُنُقِي و مندیل سر در حالیکه نشسته باشی و هرگاه مندیل
پیچیدی پس تحت الحنک کن مندیل خود را پس بدرستی که تحت الحنک سنت مؤکده است روایت کرده است شیخ
طایفه در تهذیب بسندی حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که هرکه عمامه بپیچد و

زیر حنک خود پس بر بند با و کوفتی نباشد دوا یه برای این پس ملامت نکند مگر نفس خود را و روایت
کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که فرمود بدرستی که من تعجب میکنم از
کسی که شروع کند در حاجت خود و حال آنکه او بر وضو باشد چگونه بر نمی آید حاجت او و بدرستی که
من تعجب میکنم از کسی که شروع کند در حاجت خود و حال آنکه کردانیده باشد عمامه را زیر حنک خود
چگونه بر نمی آید حاجت او ~~بدرستی که من تعجب میکنم~~ از کسی و احادیث در ترغیب در تحنک بسیار است
و همچنین که منعقد شده است اجماع شیعه بر آن و عجب است از مخالفین ما که چگونه انکار میکنند از آن با آنکه
روایت کرده اند در کتابهای خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که نهی کرده است و اقتعاط
و امر کرده است بتلحی گفته است در کتاب صحاح اقتعاط بستن عمامه است بر سر بی کردانیدن زیر
حنک و در حدیث واقع شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است از اقتعاط و امر کرده است
بتلحی تمام شد کلام صحاح و تلحی کردانیدن عمامه است زیر لحیین و بدانکه استحباب تحنک عام است
در جمیع حالات و اوقات و مخصوص نیست بحال نماز و هر چند نماز بران افضل است بلکه از بعضی بر خود
خواه نماز کرده شود و در ان یا نه و نیت استحباب آن از برای نماز چنانکه ظاهر میشود از کلام بعضی از
علمای ما و نیافتیم من در احادیثی که در کتب اصول ما نقل شده خبری را که دلالت کند بر استحباب
آن از برای نماز بلکه احادیثی که درین باب واقع شده همه عام است و همچنین تصریح کرده است

باین علامه قدس الله روحه در منتهی المطلب چنین آورده است احادیثی که دلالت میکند بر اینکه تحنک
سنتی است فی نفسه بعد از آن فرموده همچنین ظاهر شده باین احادیث استحباب تحنک مطلقا خواه بجهت
در نماز یا در غیر آن تمام شد کلام او پس سزاوار است که هر گاه تحنک نزد اراده نماز قصد کنی استحباب آن را
فی نفسه مانند اکثر مستحبات نه اینکه مستحب از برای غیر خود یعنی نماز مانند رداء و غیر آن و بودن تحنک
شرط زیادتی ثواب نماز اقتضا میکند استحباب آن را از برای نماز و این ظاهر است و اما آداب در پوشیدن
جامها پس سزاوار کوتاه کردن جامه است پس همچنین که نقل شده است در تفسیر قول خدا تعالی و ثیابك
فطهر که مراد چنین است که جامه خود را کوتاه کن و سزاوار است که نگذرد آستین از سر انگشتان
و جامه بذله کن و مپوش جامه شهرت و بپوش در نماز جامه سفید و همچنین روایت شده است
از حضرت صادق علیه السلام که مکروه است سیاهی مگر در سه چیز موزه و عمامه و عبا و اما دعا نزد پوشیدن
پس همچنین روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که گفته میشود نزد پوشیدن جامه اللَّهُمَّ
اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَبَرَكَةٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ
وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا
أَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ و روایت شده است از حضرت امام

اقتضا

که گفته شود نزد پوشیدن جامه نو اللّهمّ اجعله ثوب یمنٍ وتقوی وبرکة
اللّهمّ ارزقنی فیه حسن عبادتک وعملاً بطاعتک واداء
شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری عورتی واتجمّل
به فی الناس و روایت شده است که گفته شود نزد پوشیدن زره به اللّهمّ استر
عورتی وآمن روعتی واعف فرجی ولا تجعل للشیطان فی ذلک
نصیباً ولا له الی ذلک وصولاً فیصنع لی المکائد ویهیجنی لا
رتکاب محارمک و سزاوار است که پوشیده شود زیر جامه رو بقبله و اما پوشیدن موزه
و نعل پس باید که بوده باشد در حالی که نشسته باشد و چون شد نعل پای راست را پیش از چپ و در وقت کندن
میکند بعکس این در حالی که ایستاده باشد و میگویند نزد پوشیدن هر یک از موزه و نعل بسم الله
وبالله اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ ووطّئ قدمیّ فی الدنیا
والآخرة وثبّتهما علی الصراط یوم تزلّ فیه الاقدام و میگویند نزد کندن
آنها بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمیّ من
الاذی اللّهمّ ثبّتهما علی صراطک ولا تزلّهما عن صراطک السوی

و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام کراهت پوشیدن موزه سرخ در حضر نه در سفر و روایت
شده است نیز از آنحضرت علیه السلام نعل سیاه را و روایت شده است از آنحضرت علیه السلام که هر که بپوشد نعل زرد
کهنه نمیکند آنرا تا اینکه بهم رساند مالی و هم از آنحضرت علیه السلام که هر که بپوشد نعل زرد خواهد بود در سرور و شادی
تا کهنه کند آنرا در آنچه جاری شده است عادت بآن در اثنای این وقت یعنی ما بین طلوع
آفتاب و زوال از اکل و شرب پس بر این منوال ذکر میکنیم پاره از آداب آنها و دعای آنها را که وارد
شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم پس میگوییم هرگاه خواهی چیزی بخوری پس بنشین بر جانب
چپ خود و بنشین مربع پس بدرستی که آن نشستنی است که ناخوش میدارد آنرا خدا تعالی و دشمن میدارد
صاحب آنرا چنانکه روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و هرگاه دراز کنی دست خود را جهت
اکل بگو بسم الله والحمد لله رب العالمین پس بتحقیق روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام
که مرد هرگاه خواهد چیزی بخورد پس پایین کند دست خود را بگوید بسم الله والحمد لله رب العالمین
می آمرزد خدا تعالی مر او را پیش از آنکه برسد لقمه بدهن او و روایت شده است استحباب تسمیه از برای
هر رنگی و روایت شده استحباب آن بر هر ظرفی در مانده باشد و هر چند که از یک رنگ باشد و هر که فراموش کند
تسمیه را بر هر رنگی پس بگو بسم الله علی اوله وآخره روایت کرده است این را رئیس محدثین در تهذیب
و از آنچه سزاوار است که گفته شود نزد شروع در اکل آنچه علامت الحمد لله الذی

يُطعِمُ وَلا يُطعَمُ وَيُجيرُ وَلا يُجارُ عَلَيهِ وَيَستَغني وَيُفتَقَرُ اِلَيهِ
اَللّٰهُمَّ لَكَ الحَمدُ عَلىٰ ما رَزَقتَنا مِن طَعامٍ وَاِدامٍ في يُسرٍ
وَعافِيَةٍ مِن غَيرِ كَدٍّ مِنّا وَلا مَشَقَّةٍ بِسمِ اللّٰهِ خَيرِ الاَسماءِ
بِسمِ اللّٰهِ رَبِّ الاَرضِ وَالسَّماءِ بِسمِ اللّٰهِ الَّذي لا يَضُرُّ مَعَ
اسمِهِ شَيءٌ فِي الاَرضِ وَلا فِي السَّماءِ وَهُوَ السَّميعُ العَليمُ
اَللّٰهُمَّ اَسعِدني في مَطعَمي هٰذا بِخَيرِهِ وَاَعِذني مِن شَرِّهِ
وَاَمتِعني بِنَفعِهِ وَسَلِّمني مِن ضَرِّهِ و سزاوار است که بوده باشد اول اکل چیزی
هر روز ناشتا چیست و یکدانه مویز سرخ پس روایت کرده شده است از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
هرکه بخورد هر روز ناشتا بیست و یکدانه مویز سرخ بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و بشوید دستهای خود را
هر دو پیش از طعام هرچند بوده باشد چیزی خوردن تو بسیار است و روایت کرده است رئیس محدثین در بعضه
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که هرکه بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد از آن تعیش کند
در فراخی و عافیت دائم شود از بلایا که در بدن او باشد و بهمچنین روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و این زیاد میکند در عمر و جلا میدهد چشم را و ابتدا کن اگر تو صاحب طعام باشی بشستن اول بعد از آن شوند بعد از تو
کسیکه بر طرف راست تو باشد و در شستن اخیر میشود تو آخر همه و ابتدا کند کسی که بر طرف چپ تو باشد و روایت است

در بعد از ان تعیش

ابتدا

امتزاج عمل آن در عمل با آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که گر
بشود خیری از ثواب بر خیری کسیکه بدان از خواهد بود از برای او اجر آن هرچند بمنتهی حدیث چنانکه رسیده باشد
پس آن ضرر میکند ما را چه آن دلالت میکند مگر آنکه در میان در آمدن طهارت میان اول وقت و نماز
منافی و تو فیرات نه آنکه منافی در یافتن فضیلت وقت است زیرا که آن امری دیگر است غیر تو فیر نماز تو بر تر
کن و سزاوار است انتظار کشیدن نماز و مشرف شدن بسوی وقت آن چنانکه روایت شده از پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم انتظار کشیده میشد دخل شدن وقت نماز را و میفرمود ندا در ده یا بلال یعنی داخل
کن بر ما راحت را ای بلال باعلام کردن داخل شدن وقت چنانکه فرموده است صلی الله علیه و آله و سلم
قرة عینی نماز است در اول زوال شروع کردن سایه است در زیادتی بعد از کم شدن یا حادث شدن
آن بعد از بر طرف شدن پس در راستی هرچند زیاد میشود و بلندی آفتاب زیاد میشود و کم شدن سایه
تا اینکه هرگاه برسد آفتاب با آنچه نهایت بلندی است در آن روز میرسد سایه با آنچه نهایت کم شدن
است در آن روز یا بالکلیه بر طرف میشود و این نزد رسیدن آفتاب به دایره نصف النهار یعنی
منتصف ما بین مشرق و مغرب و معلوم است که اوضاع آفتاب بساکنان اقالیم مختلف است و نسبت
بساکنان بعضی اقالیم جدا باشد و در وقت زوال در طرف جنوب از سمت الرأس ایشان و نسبت بعضی
در طرف شمال و نسبت بعضی مقابل سرهای ایشان می افتد پس از آن از موضع اول بر طرف میشود سایه از منتصف روز

بلکه میماند در نیوقت در اشهای کوتاهی از بقیه از سایه کشیده شده بطرف شمال یا جنوب و درین و حال
شروع سایه در زیادتی اول وقت زوال است و در موضع سوم بر طرف میشود سایه بالکلیه و اول ظاهر شدن
آن اول وقت زوال است و سایه شاخص را پیش از زوال ظل میگویند و بعد از آن فیء میگویند چه فیء
بمعنی رجوع است و سایه بعد از زوال رجوع میکند بتدریج بمقداری که داشت پیش از زوال و میکشد و وقت
فضیلت نماز ظهر از زوال تا آنکه بگردد فیء یعنی سایه که حادث میشود بعد از زوال مساوی شاخص و از وقت
فضیلت عصر تا آنکه بگردد فیء دو برابر شاخص و سنت است برای تو تاخیر کردن هر یک از این دو فرض
ظهر و عصر از اول وقت آنها بمقدار آنکه بگذاری در آن نافله از او کسی که نافله میگذارد و پس از ادای آن است
از برای او تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور آنست که وقت نافله ظهر که از اصلوة اوابین میگویند
از زوال است تا آنکه بگردد فیء دو قدم یعنی بمقدار دو سبع شاخص چه غالب آنست که قامت شخص
بقدر هفت قدم است بقدم خودش و وقت نافله عصر و از آنچه میگویند از فارغ شدن از ظهر است
تا آنکه بگردد فیء چهار قدم و بعضی از علمای ما بر آن شده‌اند که وقت این نافله‌ها کشیدن
وقت فضیلت فریضه آنها است پس نافله ظهر تا آنکه بگردد فیء مثل شاخص و نافله عصر تا آنکه بگردد دو برابر.
آن و این قول دور نیست و در روایات معتبره دلالت بر این است بلکه در بعضی احادیث واقع
شده آنچه دلالت میکند ظاهرا بر آنچه زیاده از این توسعه است چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه

در تهذیب

در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام فرموده نماز سنت بمنزله هدیه است هرگاه آورده شود آن قبول
کرده میشود پس مقدم دار هر چه را خواهی و مکروه میدانیم کسی از علمای ما را که عمل کرده باشد بآنچه مستفاد میشود
از اطلاق این روایت از توسعه در تقدیم و تاخیر گویا مراد بتقدیم اداست و بتاخیر قضا والله اعلم و مشهور
میانه علمای ما قدس الله اسرارهم آنست که جایز نیست اعتماد بر ظن بداخل شدن وقت مگر با عدم
قدرت بر تحصیل علم پس جایز نیست در آن اعتماد بر خبر یک عادل نه بر اذان شهر هر چند مؤذن عادل باشد مگر
با عجز و ظاهر کلام محقق در معتبر آنست که جایز است اعتماد بر اذان یک عادل اما خبر دو عادل یا اذان
ایشان پس ظاهر جواز اعتماد بر آنست و هر چند قادر باشد بر علم زیرا که علم شرعی حاصلست بآن و سزاوار است
از برای کسی که اعتماد داشته باشد بر ایشان نوافل را اهتمام بدریافتن فضیلت اول وقت آنکه آماده کرده باشد
در صحن خانه خود یا بر روی بام خود چوب راستی را نصب شده کرده باشد در مکان و باید که آن آلت
نصب شده باشد بنحوی که بهیچ طرف میل نکرده باشد و قسمت کرده شده باشد بهفت حصه پس هرگاه
برسد سایه بنهایت نقصان و ابتدا کند در زیادتی یا در حادث شدن پس شروع کند در نافله ظهر اگر
کسی است که توفیق الهی است خدا تعالی او را بسعادت بجا آوردن نوافل و برای ادای ظهر در اول وقت آن
اگر محروم است از این سعادت و مخصص کند فیء را پس هرگاه بگردد بقدر دو سبع شاخص یا مثل آن نماز خلاف
مشخص شود برای نافله گزار بر فرض رفتن تا وقت نافله ظهر پس اگر در نیوقت هنوز تمام نکرده باشد

از علم شد

یکرکعت از ارکعت دهم نافله را مشغول شود بفریضه و اگر تمام کرده است یکرکعت از او تمامی رکعت باقی مانده

فارغ شده باشد از ذکر سجده دوم هر چند سر را بر نداشته باشد از تمامی بر مقدم دارد نافله را

بر فریضه وظاهر تر آنست که شش رکعت تمام را در این هنگام ادا است زیرا که ادراک رکعت در حکم یکی تمامت است

بعد از آن میگذارد نماز ظهر را و تحصیل میکند سایه را بعد از آن پس اگر رسیده باشد بچهار سبع شاخص یا

دو برابر آن بنا بر آنچه گذشت از خلاف پس شروع میکند در نافله عصر و اگر رسیده باشد با آن

معلوم میشود بیرون رفتن وقت آن و خواهد بود حال آن در ترک آن و مقدم داشتن بر فریضه مثل حال

نافله ظهر چنانکه گذشت و آنچه مذکور شد در غیر روز جمعه است و در جمعه زیاده میشود بر این دو نافله چهار رکعت

چهار دیگر و میگذارد و از این جهت رکعت مشتده رکعت را پیش از زوال در حالیکه سه حصه کرده باشد

از آنها از آنها شش رکعت باشد در وقت پهن شدن آفتاب و شش دیگر در وقت راست شدن

آن و میگذارد دو رکعت باقی را بعد از زوال اول آنچه بجامی آوری بعد از تحصیل شدن زوال

آنست که میخوانی آنچه را روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه که حضرت باقر علیه السلام تعلیم کرده است

محمد بن مسلم را فرموده است یا دکه محافظت کن بر این چنانکه محافظت بر چشمهای خود انیست

سُبحانَ اللهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَالحَمدُ لِلّهِ الَّذي لَم يَتَّخِذ وَلَدًا

دو رکعتی

بسم الله الرحمن الرحیم
توسلت بالله وتوکلت على الله
اللهم ادفع الطاعون والوباء والصداع
المنزل من السماء
الله وقوته وعظمته
انه رؤف رحیم

وَلَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِي المُلكِ وَلَم يَكُن لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرهُ

تكبيرًا بعد از آن اسباب بوی و وضو بعد از آن شروع میکنی در نافله زوال پس نیت میکنی و در رکعت

اول او میگوئی هفت تکبیر را با دعاهای آنها بنحوی که گذشت در باب اول بعد از آن میگوئی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و میخوانی بعد از فاتحه در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم

فاتحه و سوره جحد چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن بعد از آن سلام

میدهی و میگوئی سه تکبیر را بعد از نماز سنت است چنانکه گذشت و تسبیح زهرا علیها السلام

بعد از آن میگوئی اللّهمّ اِنّي ضَعيفٌ فَقَوِّ في رِضاكَ ضَعفي وَخُذ

اِلَى الخَيرِ بِناصِيَتي وَاجعَلِ الاِيمانَ مُنتَهى رِضايَ وَبارِك لي

فيما قَسَمتَ لي وَبَلِّغني بِرَحمَتِكَ كُلَّ الَّذي اَرجو مِنكَ وَاجعَل

لي وُدًّا وَسُرورًا لِلمُؤمِنينَ وَعَهدًا عِندَكَ بعد از آن دو رکعت دیگر

بهمان نحو بغیر شش تکبیر که در اول نماز گفته میشود با دعاهای آنها بعد از آن دو رکعت دیگر مثل آنها میخوانی

بعد از هر یک از این دو رکعتها تعقیب و دعاهائی که مذکور شدند و بعد از آنکه تمام کردی آن شش رکعت را

با توابع آن بر میخیزی و اذان میگوئی از برای ظهر و فاصله میکنی میان اذان و اقامت به دو رکعت بر همان

منوال و آنید و رکعت هفتم و هشتم از نافله ظهر و بعد از آن اقامت میگوئی و میگوئی بعد از اقامت

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة بلغ محمدا صلى الله

عليه وآله الدرجة والوسيلة والفضل والفضيلة بالله استفتح

وبالله استنجح وبمحمد صلى الله عليه وآله اتوجه اللهم صل على

محمد وآل محمد واجعلني بهم وجيها في الدنيا والآخرة ومن

المقربين بعد از آن مشغول شو بنماز ظهر و رعایت کن جمیع آنچه را رعایت کردی در نماز

صبح از اعمال واجبه و سنت و بلند بکن قراءت را نیز بسم الله الرحمن الرحیم و میخوانی در رکعت اول سوره

سبح اسم ربک الاعلی والذی و والشمس یا آنچه شبیه آنها باشد در درازی چنانکه روایت

کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق ع بسندی صحیح و در خبر بعد از تشهد

اول گوینده آنچه را مکلفی نزد برخواستن برای رکعت دوم صبح و بخوان حمد را یا تسبیحات را

سه مرتبه اضافه کننده با آنها استغفاری بعد از آن تکبیر بگو برای رکوع بردار [illegible] آنچه

گذشت در رکوع بکن و سجود بکن بنحوی که گذشت بعد از آن برخیز و بجا آور یک رکعت دیگر بر همان

نحو بعد از آن تشهد بخوان و سلام بده بعد از آن سه تکبیر را که در تعقیب مذکور شد میگوئی و بعد از آن

میگوئی لا اله الا الله الها واحدا ونحن له مسلمون تا آخر دعا چنانکه گذشت

در عقب

در تعقیب صبح بعد از آن تسبیح بکن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و میخوانی هرچه را خواهی از دعاهائی

که پیش ازین ذکر کردیم در تعقیب نماز صبح و غیر ذکرهائی که مخصوص تعقیب صبح است و دعاهائی که تعمیم

ذکر دخول در صباحت مثل این سه دعای آخر بعد از آن میگوئی یا من اظهر الجميل وستر

القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا كريم

الصفح يا عظيم المن يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط

اليدين بالرحمة يا سامع كل نجوى ويا منتهى كل شكوى يا

مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه

يا سيداه يا سيداه يا غاية رغبتاه يا ذا الجلال والاكرام

اسئلك بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي

ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد

صاحب الزمان سلام الله عليهم اجمعين ان تصلي على

محمد وآل محمد وان تكشف كربي وتغفر ذنبي وتنفس همي

وتفرج غمي وتصلح شاني في ديني ودنياي وان تدخلني

الْجَنَّةَ وَلَا تُشَوِّهْ خَلْقِي بِالنَّارِ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ بِرَحْمَتِكَ

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد ازان بگويد يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ

فَوْتٍ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا سَيِّدَ

السَّادَاتِ يَا إِلٰهَ الْآلِهَةِ يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ يَا مَالِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ يَا بَطَّاشُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ

يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ يَا مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَنْفَاسِ

وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ يَا مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

عَلَى خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفَكَاكِ

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُنْجِزَ لِوَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ

بِإِذْنِكَ وَأَمِينِكَ فِي أَرْضِكَ وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ

عَلَى خَلْقِكَ عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَعْدَهُ اللَّهُمَّ أَيِّدْهُ

بِنَصْرِكَ وَانْصُرْ عَبْدَكَ وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ

وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

بِحَقِّ

من لدنك

مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَمَكِّنْهُ مِنْ أَعْدَائِكَ

وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد ازان بگويد اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ

السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ

وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ

السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي

بِهِ تَقُومُ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ وَبِهِ تُحْيِي الْمَوْتَى وَتَرْزُقُ الْأَحْيَاءَ

وَتُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ وَتَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ

الْآجَالِ وَوَزْنَ الْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبِحَارِ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذٰلِكَ أَنْ

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا بعد ازان سؤال كند حاجت

خود را و بعد ازان سجده بكند و سجده شكر را بگويد درآنها و بعد ازانها آنچه گذشت در باب اول و بعد از انكه

فارغ شدی از آنچه تعلق بنماز ظهر دارد برخيزی بنافله عصر و تكبيرة الاحرام بگويد چنانچه در ركعت اول گفت پس بخوان

زيرا كه سنت است كه قرائت كند درين نافله كه در چهار ركعت اول نافله زوال و اول نافله مغرب و وتيره و ديگر

و هر چه خواهد در نافله عصر آنچه خواهی از سورها و بهتر است كه بخواند در آن و در غير آن سورها آنچه گذشت از ترغيب و اقع

شده است در اینها از ائمه هدی علیهم السلام و حقیقتاً یکی از اینها آنچه بیرون رود وقت بخواندن و بهشتی
و روایت شده است از حضرت باقر علیه السلام که هر که بخواند سوره صف را در نمازهای واجبی و سنتی
خود بدارد خدای تعالی او را در یک صف با ملائکه خود و پیغمبران مرسل خود و هم از آنحضرت ع است که هر که مداومت
کند بر خواندن سوره قاف در نمازهای واجبی و سنتی خود فراخ گرداند خدای تعالی برای او روزی او را و بدهد باو
نامه اعمال او را بدست راست و حساب کند او را حساب آسان و هم از آنحضرت ع است بسیار کنید تلاوة سوره الحاقه را
در نمازهای واجب و سنت زیرا که این از جمله ایمان بخدای تعالی و رسول اوست هرگز زایل نشود از خواننده او ایمان او
تا اینکه بمیرد و بعد از فارغ شدن از دو رکعت اول بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ
الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الْخالِقُ الرّازِقُ الْمُحْیِی الْمُمِیتُ الْبَدِیءُ الْبَدِیعُ
لَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الْمَنُّ وَلَکَ الْکَرَمُ وَلَکَ الْجُودُ وَلَکَ الْاَمْرُ وَحْدَکَ
لا شَرِیکَ لَکَ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ
وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ وَلَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا بعد از آن بگذاری دو رکعت دیگر را و بگوید
بعد از آنها اللّهمّ ربّ السّموات السّبع تا آخرها بعد از آن بگذاری دو رکعت دیگر و بگوید بعد از آنها
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ بِما دَعاکَ بِهِ عَبْدُکَ یُونُسُ اِذْ ذَهَبَ

مغاضبا

مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنادی فِی الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلٰهَ
اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّیْتَهُ مِنَ
الْغَمِّ فَاِنَّهُ دَعاکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَدْعُوکَ وَاَنَا عَبْدُکَ وَ
سَأَلَکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَسْأَلُکَ وَاَنَا عَبْدُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَسْتَجِیبَ لی کَما اسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَدْعُوکَ بِما دَعاکَ بِهِ
عَبْدُکَ اَیُّوبُ اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ فَدَعاکَ اَنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ
اَرْحَمُ الرّاحِمِینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَکَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَیْتَهُ اَهْلَهُ
وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ فَاِنَّهُ دَعاکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَدْعُوکَ وَاَنَا عَبْدُکَ
وَسَأَلَکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَسْأَلُکَ وَاَنَا عَبْدُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنّی کَما فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاَنْ تَسْتَجِیبَ لی
کَما اسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَدْعُوکَ بِما دَعاکَ بِهِ یُوسُفُ اِذْ فَرَّقْتَ بَیْنَهُ
وَبَیْنَ اَهْلِهِ وَاِذْ هُوَ فِی السِّجْنِ فَاِنَّهُ دَعاکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا
اَدْعُوکَ وَاَنَا عَبْدُکَ وَسَأَلَکَ وَهُوَ عَبْدُکَ وَاَنَا اَسْأَلُکَ

وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ
عَنْهُ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
بِي كَذَا وَكَذَا و ذکر بکنی حاجت خود را و بعد از ان بگذاری دو رکعت اخر را و بگوید بعد از انها یا
من اظهر الجميل وستر القبيح تا اخر و بعد از فارغ شدن از این دو ان بگوید برای نماز عصر و فاصله بکنی میان اذان
و اقامت بسجده و دعایی با انچه گذشت در صبح و ظهر بعد از ان مشغول شو بنماز عصر رعایت کننده جمیع ان
اداب راهی سابقا مذکور شد و میخواند در رکعت اول اذا جاء نصر الله یا الهکم التکاثر و مانند انها را در رکعتهای
چنانکه روایت کرده است ان را شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح و بعد از فارغ شدن
از نماز تعقیب بکنی با انچه تعقیب کردی ان در ظهر با انچه بظهر است و بگوید بعد از ان انچه مخصوص بعصر است
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ
وَالْاِكْرَامِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ
بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا
وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ
وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَبِعِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ وَمِنْ

دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرَجَ بَعْدَ
الْكَرْبِ وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَيْكَ و سنت است استغفار بعد از نماز
عصر هفتاد مرتبه و قرائت سوره قدر ده مرتبه پس بتحقیق روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام فرمود
که هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بیامرزد خدا تعالی هفتصد گناه او را و از حضرت ابی جعفر
علیه السلام فرمود که هر که بخواند انا انزلناه ده مرتبه بعد از عصر بگذرد از برای او برابر اعمال خلایق ان روز
و بعد از ان دو سجده شکر بکن و بخوان در انها و بعد از انها انچه پیش گذشت و باید که بجا بیاورد تا اخر انچه
میخواند انکه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِي اِلَيْكَ وَاَقْبَلْتُ بِدُعَائِي
عَلَيْكَ رَاجِيًا اِجَابَتَكَ طَامِعًا فِي مَغْفِرَتِكَ طَالِبًا مَا اَوْجَبْتَ بِهِ عَلَى
نَفْسِكَ مُسْتَنْجِزًا وَعْدَكَ اِذْ تَقُولُ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَقْبِلْ اِلَيَّ بِوَجْهِكَ وَارْحَمْنِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي
يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ و تحقیق گذشت که روز قسمت شده بدوازده ساعت و هر یک از انها منسوب
بیکی از ائمه اثنا عشر علیهم السلام و از برای هر یک از انها دعایی مخصوص است و تحقیق ما ذکر کردیم دعاهای
چهار ساعت را که منسوبند بچهار امام و میگوییم دعای امام پنجم و اما ساعت پنجم پس از زوال افتاب تا گذشتن ...

چهار رکعت و این از حضرت باقر است عم و این دعای اینست و بهتر آنست که بخوانی این را بعد از رکعت دوم از نافلهٔ اول

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ
وَلَا نَوْمٌ هُوَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ
الرَّحِيمُ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ فَالِقُ الْاِصْبَاحِ وَجَاعِلُ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ وَيَا شَاهِدًا
لَا يَغِيبُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ اُنِيبُ اَتَذَلَّلُ اِلَيْكَ تَذَلُّلَ الطَّالِبِينَ وَاَخْضَعُ
بَيْنَ يَدَيْكَ خُضُوعَ الرَّاغِبِينَ وَاَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْفَقِيرِ الْمِسْكِينِ وَ
اَدْعُوكَ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً اِنَّكَ لَا تُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَاَدْعُوكَ
خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ
بِخِيَرَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ
الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّذِيرِ الْمُبِينِ وَبِوَلِيِّكَ وَعَبْدِكَ

علي ابن

عَلِيِّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْاِمَامِ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ
عُلُومِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ الْعَالِمِ بِتَأْوِيلِ الْكِتَابِ الْمُسْتَبِينِ وَ
اَسْأَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ وَاُقَدِّمُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي
اَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ مَا اَوْلَيْتَنِي مِنْ نِعَمِكَ وَتَجْعَلَ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا
مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَغَمٍّ وَتَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ
لَا اَحْتَسِبُ وَتُيَسِّرَ لِي مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ كُلِّ مَطْلَبٍ
وَاقْذِفْ فِي قَلْبِي رَجَاكَ وَاقْطَعْ رَجَائِي مِمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا اَرْجُوا
اِلَّا اِيَّاكَ اِنَّكَ تُجِيبُ الدَّاعِيَ اِذَا دَعَاكَ وَتُغِيثُ الْمَلْهُوفَ
اِذَا نَادَاكَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اما ساعت ششم پس از رکعتین مقدار چهار رکعت از زوال
تا نماز ظهر و این از حضرت صادق است عم و اینه دعای آنست و خوبست که بخوانی این را بعد از رکعت ششم از نافلهٔ زوال
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْزَلْتَ الْغَيْثَ بِرَحْمَتِكَ وَعَلِمْتَ الْغَيْبَ بِمَشِيَّتِكَ وَ
دَبَّرْتَ الْاُمُورَ بِحِكْمَتِكَ وَذَلَّلْتَ الصِّعَابَ بِعِزَّتِكَ وَاَعْجَزْتَ
الْعُقُولَ عَنْ عِلْمِ كَيْفِيَّتِكَ وَحَجَبْتَ الْاَبْصَارَ عَنْ اِدْرَاكِ صِفَتِكَ

والاوهام عن حقيقة معرفتك واضطربت الافهام الى الاقرار

بوحدانيتك يا من يرحم العبرة ويقيل العثرة لنا العزة والقدرة

لا يعزب عنك في الارض ولا في السماء مثقال ذرة اتوسل اليك

بالنبي الامي محمد رسولك العربي المكي المدني الهاشمي الذي

اخرجتنا به من الظلمات الى النور وبامير المؤمنين علي ابن ابي

طالب عليه السلام الذي شرحت بولايته الصدور وبالامام

جعفر ابن محمد الصادق في الاخبار المؤتمن على مكنون الاسرار

صلى الله عليه وعلى اهل بيته بالعشي والابكار اللهم اني

اسئلك بهم واستشفع بمكانهم لديك واقدمهم امامي وبين يدي

حوائجي فاعطني الفرج الهني والمخرج الوحي والصنع القريب و

الامان من الفزع في اليوم العصيب وان تغفر لي موبقات الذنوب

وتستر علي فاضحات العيوب فانت الرب وانا المربوب وانا

الطالب وانت المطلوب وانت الذي بذكرك وتطمئن القلوب

وانت الذي تقذف بالحق وانت العلام الغيوب يا اكرم الاكرمين

ويا خير الفاصلين ويا احكم الحاكمين ويا ارحم الراحمين [illegible]

پس از نماز ظهر است تا گذشتن مقدار چهار رکعت پس از عصر و این از حضرت کاظم است و این دعا این است اللهم

انت المرجو اذا اشكل الامر وانت المدعو اذا مس الضر ومجيب

الملهوف المضطر والمنجي من ظلمات البر والبحر ومن له الخلق

والامر والعالم بوساوس الصدر والمطلع على خفي السر يا

غاية كل نجوى ومنتهى كل شكوى يا من له الحمد في الاخرة

والاولى يا من خلق الارض والسموات العلى الرحمن على العرش

استوى له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت

الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا

هو له الاسماء الحسنى اسئلك بمحمد خاتم النبيين وخير تك

من خلقك والمؤتمن على اداء رسالتك وبامير المؤمنين علي ابن

ابي طالب عليه السلام الذي جعلت ولايته مفروضة مع ولاية رسالتك

ومحبته مقرونة برضاك ومحبتك وبالامام الكاظم موسى بن جعفر
عليهما السلام الذي سئلك ان تفرغه لعبادتك وتخليه لطاعتك
فاجبت دعوته ان تصلي على محمد وآله صلوة تقضي بها عني واجب
حقوقهم وترضى بها في اداء فروضهم واتوسل اليك بهم واستشفع
بمنزلتهم وقد قدمتهم امامي وبين يدي حوائجي ان تجريني على
جميل عوائدك وتمنحني جزيل فوائدك وتاخذ بسمعي وبصري
وعلانيتي وسري وناصيتي وقلبي وعزيمتي ولبي الى ما تعينني
به على هواك وتقربني من اسباب رضاك وتوجب لي نوافل فضلك
وتديم لي منائح طولك يا ارحم الراحمين و اما ساعت هشتم بعد از گذشتن چهار ساعت
است از عصر تا نماز عصر و از حضرت امام رضا علیه السلام است و این دعای اوست اللهم انت الكاشف
للملمات والكافي للمهمات والمفرج للكربات والسامع للاصوات
والمخرج من الظلمات والمجيب للدعوات الراحم للعبرات جبار
الارض والسموات يا ولي يا مولى يا علي يا اعلى يا كريم يا اكرم

يا مكرم

يا من له الاسم الاعظم يا من علم الانسان ما لم يعلم فاطر السموات
والارض وهو يطعم ولا يطعم اسئلك بمحمد المصطفى من الخلق المبعوث
بالحق وبامير المؤمنين الذي اوليته فالفيته شاكرا وابتليته
فوجدته صابرا وبالامام الرضا علي بن موسى الذي اوفى بعهدك
ووثق بوعدك واعرض عن الدنيا وقد اقبلت اليه ورغب
عن زينتها وقد رغبت فيه ان تصلي على محمد وآل محمد فقد
توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي ان
تهديني الى سبل مرضاتك وتيسر لي اسباب طاعتك وتوفقني
لابتغاء الزلفة بموالات اوليائك وادراك الحظوة من معادات
اعدائك وتعينني على اداء فروضك واستعمال سننك وتوفقني
على المحبة المؤدية الى العتق من عذابك والفوز برحمتك يا
ارحم الراحمين و اما ساعت نهم پس از نماز عصر است تا اینکه بگذرد دو ساعت و این از حضرت جواد است
و این دعای اوست اللهم يا خالق الانوار ومقدر الليل والنهار تعلم

ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عنده
بمقدار اذا اتقا فتما امر طرح عليك واذا اغلقت الابواب قرع باب
فضلك واذا ضاقت الحاجات فزع الى سعة طولك واذا انقطع الامل
من الخلق اتصل بك واذا وقع الياس من الناس وقف الرجاء
عليك اسئلك بحق النبي الاواب الذي انزلت عليه الكتاب
ونصرته على الاحزاب وهديتنا به الى دار المآب وبامير المؤمنين
علي بن ابي طالب الكريم النصاب المتصدق بخاتمه في المحراب
وبالامام الفاضل محمد بن علي عليه السلام الذي سئل فوفقته
لرد الجواب وامتحن فعضدته بالتوفيق والصواب صلى الله عليه
وآله وعلى اهل بيته الاطهار ان تجعل موالاتي لهم عصمة
من النار ومحجة الى دار القرار فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم
امامي وبين يدي حوائجي وان تعصمني من التعرض لمواقف
سخطك وتوفقني لسلوك سبيل محبتك ومرضاتك يا ارحم

الراحمين

الراحمين و این ساعت دهم نماز عصر تا نزدیک زردی آفتاب و این از حضرت [illegible] دیست و این دعای [illegible]
اللهم انت الولي الحميد الغفور الودود المبدئ المعيد ذو العرش
المجيد والبطش الشديد فعال لما يريد يا من هو اقرب الي من
حبل الوريد يا من هو على كل شيء شهيد يا من لا يتعاظمه غفران
الذنوب ولا يكبر عليه الصفح عن العيوب اسئلك بجلالك و
بنور وجهك الذي ملأ اركان عرشك وبقدرتك التي قدرت
بها على خلقك وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي
ضعف لها كل قوي وبعزتك التي ذل لها كل عزيز وبمشيتك
التي ضعف فيها كل كبير وبرسولك الذي رحمت به العباد
وهديت به الى سبيل الرشاد وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب
عليه السلام اول من آمن برسولك وصدق والذي وفى
بما عاهد عليه وتصدق وبالامام البر علي بن محمد عليه السلام
الذي كفيته حيلة الاعداء وأريتهم عجيب الآيات اذا توسلوا

بِهِ فِي الدُّعَاءِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ
وَقَدْ قَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ كِفَايَتِكَ
فِي حِرْزٍ حَرِيزٍ وَمِنْ كَلَائَتِكَ تَحْتَ عِزٍّ عَزِيزٍ وَتُوزِعَنِي شُكْرَ
آلَائِكَ وَمِنَنِكَ وَتُوَفِّقَنِي لِلْاِعْتِرَافِ بِاَيَادِيكَ وَنِعَمِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ و اما ساعت یازدهم پس از نزدیک زردی آفتاب تا زردی آن و این از حضرت
عسکریست و این است اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مُنَزِّلُ الْقُرْآنِ وَخَالِقُ الْاِنْسِ وَ
الْجَانِّ وَجَاعِلُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ بِحُسْبَانٍ الْمُبْتَدِئُ بِالطَّوْلِ وَالْاِمْتِنَانِ
وَالْمُبْدِئُ لِلْفَضْلِ وَالْاِحْسَانِ وَضَامِنُ الرِّزْقِ بِجَمِيعِ الْحَيَوَانِ
لَكَ الْمَحَامِدُ وَالْمَمَادِحُ وَمِنْكَ الْعَوَائِدُ وَالْمَنَائِحُ وَاِلَيْكَ يَصْعَدُ
الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ وَاَنْتَ الْعَالِمُ بِمَا تُخْفِي الصُّدُورُ
وَالْجَوَانِحُ اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولِكَ اِلَى الْكَافَّةِ
وَاَمِينِكَ الْمَبْعُوثِ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّأْفَةِ وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ
بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُفْتَرَضِ طَاعَتُهُ عَلَى الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ

وَالْمُؤَيَّدِ

وَالْمُؤَيَّدِ بِنَصْرِكَ فِي كُلِّ مَوْقِفٍ مَشْهُودٍ وَبِالْاِمَامِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الَّذِي
طُرِحَ لِلسِّبَاعِ فَخَلَّصْتَهُ مِنْ مَرَابِضِهَا وَامْتُحِنَ بِالدَّوَابِّ الصِّعَابِ
فَذَلَّلْتَ لَهُ مَرَاكِبَهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ
بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تَرْحَمَنِي
بِالتَّوْفِيقِ لِتَرْكِ مَعَاصِيكَ مَا اَبْقَيْتَنِي وَتُعِينَنِي عَلَى التَّمَسُّكِ بِطَاعَتِكَ
مَا اَحْيَيْتَنِي وَاَنْ تَخْتِمَ لِي بِالْخَيْرَاتِ اِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ
بِالْمُيَاسَرَةِ اِذَا حَاسَبْتَنِي وَتَهَبَ لِيَ الْعَفْوَ اِذَا كَاشَفْتَنِي وَلَا تَكِلْنِي
اِلَى نَفْسِي فَاَضِلَّ وَلَا تُحْوِجْنِي اِلَى غَيْرِكَ فَاَذِلَّ وَلَا تُحَمِّلْنِي
مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَاَضْعُفَ وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِمَا لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ
فَاَعْجِزَ وَاَجْرِنِي عَلَى جَمِيلِ عَوَائِدِكَ عِنْدِي وَلَا تُوَاخِذْنِي
بِسُوءِ عَمَلِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اما ساعت دوازدهم پس از زرد شدن آفتاب تا غروب آن و این از حضرت خلف حق و حجت بر خلق است
و این دعای اوست اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ

وَرازِقَ العاصي وَالمُطيعِ الَّذي لَيسَ لَهُ مِن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلاشَفيعٌ
اَسْئَلُكَ بِاَسْمائِكَ الَّتي اِذا سُمِّيَتْ عَلى طَوارِقِ العُسْرِ عادَتْ يُسْرًا
وَاِذا وُضِعَتْ عَلَى الجِبالِ كانَتْ هَباءً مَنْثُورًا وَاِذا رُفِعَتْ اِلَى
السَّماءِ تَفَتَّحَتْ لَهَا المَغالِقُ وَاِذا هَبِطَتْ اِلى ظُلُماتِ الاَرْضِ
اتَّسَعَتْ لَهَا المَضائِقُ وَاِذا دُعِيَتْ بِهَا المَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللُّحُودِ
وَاِذا نُودِيَتْ بِهَا المَعْدُوماتُ خَرَجَتْ اِلَى المَوْجُودِ وَاِذا ذُكِرَتْ
عَلَى القُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعًا وَاِذا قَرَعَتِ الاَسْماعَ فاضَتِ العُيُونُ
دُمُوعًا اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ المُؤَيَّدِ بِالمُعْجِزاتِ المَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ
الاياتِ وَبِاَميرِ المُؤمِنينَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ الَّذي اخْتَرْتَهُ
لِمُواخاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُصافاتِهِ وَمُصاهَرَتِهِ
وَبِصاحِبِ الزَّمانِ المَهْدِيِّ الَّذي تَجْمَعُ عَلى طاعَتِهِ الآراءَ
المُتَفَرِّقَةَ وَتُؤَلِّفُ بِهِ بَيْنَ الاَهْواءِ المُخْتَلِفَةِ وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ
حُقُوقَ اَوْلِيائِكَ وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِن شِرارِ اَعْدائِكَ وَتَمْلَأُ

بہ الأرض

بِهِ الاَرْضَ عَدْلًا وَاِحْسانًا وَتُوَسِّعُ عَلَى العِبادِ بِظُهُورِهِ فَضْلًا
وَامْتِنانًا وَتُعيدُ الحَقَّ اِلى مَكانِهِ عَزيزًا حَميدًا وَتَرْجِعُ الدّينَ
عَلى يَدَيْهِ غَضًّا جَديدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ
اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي
وَاَنْ تُوزِعَني شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفيقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَالهِدايَةِ اِلى
طاعَتِهِ وَتَزيدَني قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِ وَالاِقْتِداءِ
بِسُنَّتِهِ وَالكَوْنِ في زُمْرَتِهِ اِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ بِرَحْمَتِكَ يا
اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

درانچه کرده میشود درمیانه غروب افتاب تا وقت خواب
اول وقت نماز مغرب بنابر مشهور بر طرف شدن سرخی طرف مشرق است و میکشد وقت فضیلت ان
تا پنهان شدن سرخی مغرب و وقت ادای ان اینکه باقی بماند تا نصف شب بقدر یکه ادای ان
با نماز عشا پس هرگاه بجهت کردی داخل شدن وقت را میگوید ده مرتبه انچه روایت کرده است ...
در فقیه بسند صحیح از حضرت صادق ع از دعای نوح پیغمبر ما و بر و باد درود و انچه روایت کرده است از ا...
ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت باقر ع و همچنین گذشت ذکر انها در دعاهای نزد طلوع
صبح و میگذاری دست خود را بر سر خود بعد از ان میکشی انرا بر روی خود و دیگری ... ریش خود را ... میگوید

اَحَطْتُ عَلىٰ نَفْسِي وَاَهْلِي وَمٰالِي وَوَلَدِي مِنْ غٰايِبٍ وَشٰاهِدٍ

بِاللّٰهِ الَّذِي لٰا اِلٰهَ اِلّٰا هُوَ عٰالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهٰادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

اَلْحَيُّ الْقَيُّومُ لٰا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلٰا نَوْمٌ تا وهو العلي العظيم و مرتبه است اکتفا بکلمات

سه دعا خصوصا هرگاه تبرسي از یکه وقت بعد از آن سزاوار است پیشی گرفتن بسوی نماز مغرب پس بدرستیکه

مستفاد از روایات معتبره از اصحاب عصمت سلام الله علیهم است که وقت مغرب تنگست و روایات در این

باب بسیار است چنانکه روایت کرده از ائمه الاسلام در کتاب صحیح از حضرت صادق ع که فرمود که جبرئیل ع آورد برای

پیغمبر ص از برای هر نمازی دو وقت غیر نماز مغرب پس بدرستی که وقت آن یکیست و وقت آن سقوط آفتابست

و چنانکه روایت کرده از رئیس محدثین در مجلس شصت و دوم در کتاب امالی از ابی اسامه که گفت شنیدم از

حضرت ابی عبدالله ع میفرمود که تاخیر کنید نماز مغرب را تا اینکه بشکه شود ستارها پس من از آن بیزارم و چنانکه

روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از زریح که گفت گفتم بحضرت ابی عبدالله علیه السلام جمعی از

مردم از اصحاب ابی الخطاب نماز میکنند نماز مغرب تا اینکه بشکه میشود ستارها پس فرمود آنحضرت ع که من بیزارم

بسوی خدا از کسیکه میکنند این را عمدا و چنانکه روایت کرده است از او در تهذیب نیز بسند صحیح از آنحضرت

که فرمود که جبرئیل امر کرد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بنمازها تمام اینها پس گردانید از برای هر نمازی دو وقت غیر

مغرب پس بدرستیکه گردانید از برای آن یک وقت و همچنین وارد شده است نیز در روایات معتبره بیرون

رفتن

رفتن وقت مغرب بزایل شدن شفق یا وقت از برای مختار و ما بعد آن تا وقت از برای مضطر و ظاهر

نزد مذهب متاخرین است که وقت فضیلت آن یکیست نه وقت ادای آن پس بنابرین حمل کرده میشود بیزار

بودن حضرت صادق ع از کسی که تاخیر کند از او تا بشکه شدن ستارها بر کسی که اعتقاد داشته باشد بوجوب

اینها در نماز شام چنانکه قایل شده اند بعضی از ایشان بباطل شدن نماز بسبب ترک آن عمدا و هرگاه اذان بگوید

پس فاصله کن میان اذان و اقامت بنشستنی پس چنین روایت شده است از حضرت صادق ع که هر که

بنشیند میان اذان مغرب و اقامت خواهد بود مثل کسی که بغلطد بخون خود در راه خدا و از آنچه گفته میشود

میان اذان مغرب و اقامت اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاِقْبٰالِ لَيْلِكَ وَ

اِدْبٰارِ نَهٰارِكَ وَحُضُورِ صَلَوٰاتِكَ وَاَصْوٰاتِ دُعٰاتِكَ وَتَسْبِيحِ مَلٰائِكَتِكَ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّٰابُ

الرَّحِيمُ و اما فاصله کردن میان آنها بکلام روا داشتن پس مذکور است در کتابهای فقه و گفته است

شیخ ما در ذکری که نیافته ام در این باب حدیثی و میگوید بعد از اقامت آنچه گذشت بعد از آن افتتاح

کن نماز را رعایت کننده اولی را در آنچه پیش گذشت از این و اختیار یکی از سورها در رکعت اول سوره نصر یا

تکاثر یا آنچه مانند اینها باشد در کوتاهی چنانکه روایت کرده است از او شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح و

در رکعت دوم سوره توحید و تعقیب میخواند بعد از فراغ یافتن بتکبیر و تسبیح زهرا ع بعد از آن میگوید

وعمل کرده اند باین جماعتی از علما و گردانیده اند میانه غروب و رفتن سرخی حد اول وقت

وجوب تاخیر از آن تا آنوقت و سزاوار است که ترک ننمود از آن و اقامت نماز شام پس تحقیق که قایلند جماعتی از علمای ما مثل سید مرتضی و ابن ابی عقیل و ابن جنید

سه مرتبه آنچه روایت کرده است ابن ادریس محمد ثمین رقیه از حضرت صادق ع الحمد لله الذی
یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره بعد از آن بر سجده گاه بمالد و اگر دست داری طول دادن
تعقیب را پس سزاوار است بجا آوری آنچه را زیاد باشد بر آنچه مذکور شد بعد از نافله اگر وقت داشته باشی
وقت برای آن و بجهت وارد شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم تحریص بر نافله مغرب بحیثیتی که
روایت شده است از حضرت صادق ع که فرمود بحارث بن مغیره که وامگذار چهار رکعت بعد از مغرب در سفر و حضر
اگر چه طلب کنند ترا سواران و مکروه است سخن گفتن میانه مغرب و این چهار رکعت و در روایت خفاف از
حضرت صادق ع دلالتی است برین و روایت کرده است ابن ادریس محمد ثمین رقیه از حضرت صادق ع فرمود
که هر که نماز مغرب بگذارد و پس از آن تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو رکعت نماز بگذارد نوشته میشود و آن
دو رکعت از برای او در علیین پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود از برای او حجی مقبول و مشهور است
کراهت سخن گفتن در میان این چهار رکعت و دلالت میکند بر کراهت روایت ابو الفوارس که گفت نهی
کرد مرا حضرت ابو عبد الله ع از سخن گفتن میانه چهار رکعتی که بعد از مغرب است و بهمین استدلال کرده است
علامه در منتهی باین روایت بکراهت سخن گفتن میانه مغرب و این چهار رکعت و موافقت کرده است با او شیخ
ما شیخ شهید در ذکری برای استدلال این خبر است که میمی و اول وقت این چهار رکعت فارغ شدن
از نماز شام است و آخر وقت بر مذهب مشهور برطرف شدن شفق است و مرحمت رسانیده میشود باین چهار رکعت

نماز عشا خواه شروع شده باشد با نافله یا نه و یا باشد با قول شده باشد یا شده و وقت آنها تا اینکه
باقی بماند بعد از مغرب و پیش از نصف شب مقدار ادای نماز عشا و همچنین میل کرده است باین شیخ نادر ذکری
لکن کلام علامه طاب ثراه در منتهی دلالت میکند بر اتفاق علمای ما بر اینکه آخر وقت آنها برطرف شدن
پس عدد و اهمیت نماز آن از مشهور و هرگاه فوت شود وقت آنها پس سزاوار است قضای آنها مانند
نوافل شبانه روزی پس از حضرت صادق ع روایت شده که فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده
که خدا تعالی مباهات میکند به بنده که قضا میکند نماز شب را در روز میگوید ای ملائکه من نگاه کنید بسوی بنده من
قضا میکند آنچه را واجب نگردانیده ام بر او گواه میگیرم شما را که بدرستی که من آمرزیدم او را
و همچنین روایت شده از ائمه علیهم السلام در تفسیر قول خدا تعالی والذین هم علی صلاتهم دائمون یعنی آنان
بر نماز خود مداومت میکنند والله تعالی اعلم مراد اینست که مداومت میکنند بر نماز شب اگر فوت شود از ایشان
در شب قضا میکند آن را در روز و اگر فوت شود از ایشان در روز قضا میکنند آن را در شب و سزاوار است نزد
شروع در آنها اینکه افتتاح کنی رکعت اول را با هفت تکبیر با دعای آنها که گذشت و بخوانی در آن
بعد از حمد سوره توحید سه مرتبه و در رکعه دوم سوره قدر را و اگر خواهی میخوانی در رکعت اول سوره جحد و در دوم
توحید و اگر اکتفا کنی بحمد مجزیست ترا خصوصا که در باقی نوافل شبانه روز و سزاوار است بلند کردن
قرائت در آنها و در جمیع نوافل شب و میگوید بعد از فراغ از دو رکعت اول

اللهم انك ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى وان اليك الرجعى
والمنتهى وان لك الآخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان نذل
ونخزى وان نأتي ما عنه تنهى اللهم اني اسألك ان تصلي على
محمد وال محمد واسألك الجنة برحمتك واستعيذ بك من النار
بقدرتك واسألك من الحور العين بعزتك وان تجعل اوسع
رزقي عند كبر سني واحسن عملي عند اقتراب اجلي واطل
في طاعتك وما يقرب منك ويحظي عندك ويزلف لديك عمري
واحسن في جميع احوالي واموري معرفتي ولا تكلني الى احد من
خلقك وتطول علي بقضاء جميع حوائجي للدنيا والآخرة وابدء
بوالدي وولدي وجميع اخواني المؤمنين وفي جميع ما سألتك
لنفسي برحمتك يا ارحم الراحمين و بعد از آنکه فارغ شوی از نماز تحیت هر روز کرد اول
از نافله مغرب شروع سکنی در دو رکعت آخر میخواند در رکعت اول اینها بعد از حمد اول سوره حدید بسم الله
الرحمن الرحيم سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم

له الملك

له الملك السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير هو
الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم هو الذي
خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم
ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
وهو معكم اينما كنتم والله بما تعملون بصير له ملك السموات والارض
والى الله ترجع الامور يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل
وهو عليم بذات الصدور و میخواند در رکعت دوم آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن
على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب
والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله
عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى
يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم و میگوید در سجده آخر ان

دو رکعت بعد از آن اللّٰهم إنّي أسئلك بوجهك الكريم واسمك العظيم
وملكك القديم أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن تغفر لي ذنبي
العظيم إنّه لا يغفر العظيم إلّا العظيم پس هرگاه فارغ شدی از این چهار رکعت پس
نمی‌... از کامل گردانیدن تعقیب بعضی از آنچه گذشت در تعقیب صبح از آنچه خوانده می‌شود در صبح و شام چنانکه
گردانیم ترا بیان در اینجا اگر وقت داشته باشی در وقت نوافل بخوان بعد از نافله مغرب این دعا را بسم الله
الرّحمن الرّحيم اللّٰهمّ صلّ على محمّد البشير النّذير السّراج المنير الطّهر
الطّاهر خاتم أنبيائك وسيّد أصفيائك وخالص أخلّائك
ذي المقام المحمود والمنهل المشهود والحوض المورود اللّٰهمّ صلّ
على محمّد كما بلّغ رسالتك وجاهد في سبيلك ونصح لأمّته حتّى
أتاه اليقين وصلّ على محمّد وآله الطّاهرين الأخيار الأتقياء
الأبرار الّذين انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم من خلقك و
ائتمنتهم على وحيك وأعلام نورك وحفظة سرّك وأذهبت
عنهم الرّجس وطهّرتهم تطهيرا اللّٰهمّ انفعنا بحبّهم واحشرنا في

وجعلتهم خزان علمك و [illegible] وحيك

زمرتهم

زمرتهم وتحت لوائهم ولا تفرّق بيننا وبينهم واجعلني بهم عندك
وجيها في الدّنيا والآخرة ومن المقرّبين الّذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون الحمد لله الّذي أذهب النّهار بقدرته وجاء
باللّيل برحمته خلقا جديدا وجعله لباسا وسكنا وجعل اللّيل
والنّهار آيتين لنعلم بهما عدد السّنين والحساب الحمد لله على
إقبال اللّيل وإدبار النّهار اللّٰهمّ صلّ على محمّد وآله وأصلح
لي ديني الّذي هو عصمة أمري وأصلح لي آخرتي الّتي إليها
منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي من كلّ خير واجعل الموت راحة
لي من كلّ سوء واكفني أمر دنياي وآخرتي بما كفيت به أولياءك
وحزبك من عبادك الصّالحين واصرف عنّي شرّهما ووفّقني
لما يرضيك عنّي يا كريم آمينا والملك لله واحد القهّار وما
في اللّيل والنّهار اللّٰهمّ إنّي وهذا اللّيل والنّهار خلقان من خلقك
فاعصمني فيهما بقوّتك ولا ترهما جرأة منّي على معاصيك

ولا ركوبا لمحارمك واجعل عملي فيهما مقبولا وسعيي مشكورا وسهل
لي ما اخاف عسره واقض لي فيه بالحسنى وامني مكرك ولا
تهتك عني سترك ولا تنسني ذكرك ولا تحل بيني وبين حولك
وقوتك ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا الى احد
من خلقك يا كريم اللهم صل على محمد وال محمد وافتح قلبي
لذكرك حتى اعي وحيك واتبع امرك واجتنب نهيك اللهم
صل على محمد واله ولا تصرف عني وجهك ولا تمنعني فضلك
ولا تحرمني عفوك واجعلني اوالي اولياءك واعادي اعدائك
وارزقني الرهبة منك والرغبة اليك والتسليم لامرك
والتصديق بكتابك واتباع سنة نبيك صلى الله عليه
واله اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا
يشبع وعين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة لا ترفع وعمل
لا ينفع ودعاء لا يسمع واعوذ بك من سوء القضاء و

ودرك

ودرك الشقاء وشماتة الاعداء وجهد البلاء وعمل لا يرضى
واعوذ بك من الفقر والكفر والغدر وضيق الصدر وسوء الامور
ومن بلاء ليس لي صبر ومن الداء العضال وغلبة الرجال وخيبة
المنقلب وسوء المنظر في النفس والاهل والمال والدين والولد
وعند معاينة ملك الموت واعوذ بالله من انسان سوء و
جار سوء وقرين سوء ويوم سوء وساعة سوء ومن شر ما
يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها
ومن شر طوارق الليل والنهار الا طارقا يطرق بخير ومن شر
كل دابة ربي اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم الحمد لله الذي قضى
عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا سه بار بگويد اللهم
اني اسئلك بحق محمد وال محمد ان تصلي على محمد وال محمد
وان تجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين في قلبي

والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والسعة في رزقي و
الشكر لك ابدا ما ابقيتني بعد از آن دو سجده شکر بکنی و میگوید در آنها و بعد از آن گونه
گذشت اول انچه مجربست اینست همگوید در هر یک اینها شکرا شکرا و بهمین روایت شده است کردن اینها
بعد از نافله مغرب و در بعضی روایات پس از آن هم فارغ شدی ازین برخیزی برای دو رکعت ساعة
غفلت پس بخوان در رکعت اول بعد از حمد وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن
ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين و در رکعت دوم بعد از حمد وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها
الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها
ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب
مبين بعد از فراغ قنوت میخوانی پس میگوید اللهم اني اسئلك بمفاتح الغيب
التي لا يعلمها الا انت ان تصلي على محمد وال محمد وان
تفعل بي كذا وكذا پس از آن میگوید اللهم انت ولي نعمتي والقادر

علی

على طلبتي تعلم حاجتي فاسئلك بحق محمد وآله عليه وعليهم السلام لما
قضيتها لي و سؤال بکنی حاجت خود را پس بتحقیق هم روایت کرده است هشام بن سالم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
هر که نماز کند این دو رکعت را میانه شام و خفتن و دعا کند بآین دعا و سؤال کند از خدا تعالی حاجت خود را عطا کند
او را انچه سؤال کرده و بدانکه مشهور شده است نامیدن این دو رکعت بدو رکعت غفیله صاحب غفله و وجه این است
که ساعتی که گذارده میشود آن دو رکعت میانه شام و خفتن است نامیده میشود بساعة غفلت روایت کرده است
رئیس محدثین در فقیه از حضرت باقر علیه السلام فرموده که بدرستی که شیطان پراکنده میکند لشکر خود را اکر از هنگام غروب
افتاب تا برطرف شدن شفق و پراکنده میکند لشکر روز را از هنگامی که طلوع میکند صبح تا طلوع افتاب و ذکر
کرده که پیغمبر صلعم میفرمودند بسیار کنید ذکر خدای عز و جل را درین دو ساعت و التجا برید بخدا از شر شیطان
و لشکر او و التجا بفرمایید کودکان خود را درین دو ساعت پس بدرستی که اینها دو ساعت غفلتند و روایت کرده است
شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام فرموده پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که نافله گذارید در
ساعت غفلت و اگر چه بدو رکعت سبک باشد پس بدرستی که اینها میراث میگذارند خانه کرامت را گفته شد
ای رسول خدای کدام است ساعت غفلت فرمود میان مغرب و عشا و پوشیده نماند که ظاهر است که مراد بمیانه
مغرب و عشا میانه وقت نماز مغرب و عشاست نه میانه غروب افتاب و برطرف شدن شفق چنانکه دلالت
میکند بر آن حدیث سابق نه میانه نماز ها و بهمین وارد شده است در احادیث صحیح ما اول وقت عشا برطرف

شدن شفق است چنانکه بزودی خواهد آمد و این مستفاد میشود در وقت گذاردن دو رکعه غفیله میانه

غروب و زایل شدن شفق است پس هرگاه بگذرد آن وقت میکرد قضا و از آنچه مستحبست کردن آن

در ساعه غفله دو رکعت که بخوانی در اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت سیزده مرتبه و دوم بعد از حمد سوره

قل هو الله احد پانزده مرتبه پس بحقیق روایت کرده است شیخ طایفه از حضرت صادق علیه السلام هر که بکند

در هر شبی این را رحمت کند با من در بهشت و نداند ثواب او را مگر خدا تعالی اول وقت نماز

عشا فارغ شدن از مغرب است بر مذهب مشهور و میکشد وقت فضیلت آن تا ثلث شب و وقت

ادای آن تا مقدار گذاردن چهار رکعت مثل از نصف شب و سزاوار است بعد از فارغ شدن

از دو رکعت غفیله اینکه ملاحظه کنی شفق را پس اگر باقی باشد سزاوار است شروع در عشا تا اینکه برطرف

شود شفق و بتحقیق که رفته اند شیخ طایفه و شیخ مفید باینکه داخل میشود وقت عشا مگر به پنهان شدن

شفق و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام اول وقت عشا آخر رفتن سرخیست روایت

کرده است این را رئیس محدثین بسند صحیح و این محمول است بر استحباب تاخیر انداختن تا رفتن شفق پس هرگاه

تحقیق کردی برطرف شدن شفق را پس سزاوار است مبادرت کنی بسوی اذان و اقامت بجا

آورنده و دعا ها را پیش از اقامه و بعد از آن است و پس از آن شروع کن بنماز عشا افتتاح کنند

دعا خوانند چنانکه گذشت و میخوانند در رکعت اول سوره اعلی یا یس یا آنچه مانند اینها باشد

در درازی چنانکه روایت کرده است از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعه دوم سوره توحید

مانند باقی نماز ها و تکبیر میگوید جهة قنوت و قنوت میخواند با آنچه گذشت در باب اول با آنچه خواهد آمد

در باب تسلیم و طول میدهی قنوت را و تعقیب را پس بدرستیکه وقت وسیع است پس میخواند تعقیبهای — که گذشت —

مشترکت میان پنج نماز و تعقیبهای مشترکت میان صباح و شام و آنچه مخصوص نماز

عشاست پس میگوید اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

لَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا

تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ

وَلَا تُنْقِصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا

عَافِيَتَكَ وَأَصْلِحْ لَنَا مَا أَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ

الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ

وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ بعد از آن میخواند هر یک از سوره فاتحه و قل

هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را ده مرتبه بعد از آن میگوید ده مرتبه سبحان الله و الحمد لله

ولا اله الا الله والله اكبر ده مرتبه اللهم صل على محمد وآل محمد ده مرتبه اللهم

افتح لي ابواب رحمتك واسبغ علي من حلال رزقك ومتعني با

لعافية ما ابقيتني في سمعي وبصري وجميع جوارحي اللهم

ما بنا من نعمة فمنك لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك

يا ارحم الراحمين بعد از ان بگو این دعا را طلب روزی اللهم انه

انا ح

ليس لي علم بموضع رزقي وانما اطلبه بخطرات تخطر على قلبي

فاجول في طلبه البلدان وانا فيما انا طالب كالحيران لا ادري

افي سهل هو ام في جبل ام في ارض ام في سماء ام في بر ام في

بحر وعلى يدي من ومن قبل من وقد علمت ان علمه عندك

واسبابه بيدك وانت الذي تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك

اللهم فصل على محمد وال محمد واجعل يا رب رزقك لي واسعا

ومطلبه سهلا وماخذه قريبا ولا تعنني بطلب ما لم تقدر

لي فيه رزقا فانك غني عن عذابي وانا فقير الى رحمتك

انا طالب

حزن

فصل على محمد

فصل على محمد وال محمد وجد على عبدك بفضلك انك ذو فضل

عظيم بعد از ان بگو بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد وال محمد

صلوة تبلغنا بها رضوانك والجنة وتنجينا بها من سخطك و

النار اللهم صل على محمد وال محمد وارني الحق حقا حتى اتبعه

وارني الباطل باطلا حتى اجتنبه ولا تجعله علي متشابها

فاتبع هواي بغير هدى منك واجعل هواي تبعا لرضاك

ها

وطاعتك وخذ لنفسك رضا من نفسي واهدني لما اختلف

فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

اللهم صل على محمد وآله واهدني فيمن هديت وعافني فيمن عافيت

وتولني فيمن توليت وبارك لي فيما اعطيت وقني شر ما قضيت

انك تقضي ولا يقضى عليك وتجير ولا يجار عليك تم نورك

اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد وبسطت

يدك فاعطيت فلك الحمد تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر

وتمّ انت كما اثنيت على نفسك بالكرم والجود لبيك وسعديك
تباركت وتعاليت لا ملجأ ولا منجا منك الا منك الا اليك
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي
فاغفرلي وارحمني وانت ارحم الراحمين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك
عملت سوءا وظلمت نفسي واغفرلي يا خير الغافرين لا اله الا انت
سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي فتب علي انك
انت التواب الرحيم لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد وثبتني
منك في عافية وسجني منك في عافية واسترني منك في عافية
وارزقني تمام العافية ودوام العافية والشكر على العافية
اللهم اني استودعك نفسي وديني واهلي ومالي وولدي

واهل حزانتي وكل نعمة انعمت بها علي وتنعم فصل على محمد وال
محمد واجعلني في كنفك وامنك وكلائتك وحفظك وحياطتك و
كفايتك وسترك وذمتك وجوارك وودائعك يا من لا يضيع
ودائعه ولا يخيب سائله ولا ينفد ما عنده اللهم اني ادرء
بك في نحور اعدائي فكدا اللهم من كادني وبغى علي اللهم من
ارادني فارده ومن كادنا فكده ومن نصب لنا عداوة فخذه
يارب اخذ عزيز مقتدر اللهم صل على محمد وال محمد واصرف
عني البليات والافات والعاهات والنقم ولزوم السقم
وزوال النعم وعواقب التلف وما طغى به الماء لغضبك وما
عتت به الريح عن امرك وما اعلم وما لا اعلم وما اخاف و
ما لا اخاف وما احذر وما لا احذر وما انت اعلم به مني
اللهم صل على محمد وال محمد وفرج همي ونفس غمي وسل
حزني واكفني ما ضاق به صدري وعيل به صبري وقلت فيه

حيلتي وضعفت عنه قوّتي وعجزت عنه طاقتي وردّتني

فيه الضرورة عند انقطاع الآمال وخيبة الرجاء من المخلوقين

اليك فصلّ على محمد وآل محمد واكفنيه يا كافياً من كل شيء

ولا يكفي منه شيء اكفني كل شيء حتى لا يبقى شيء يا كريم اللهم

صلّ على محمد وآل محمد وارزقني حجّ بيتك الحرام وزيارة

قبر نبيك صلى الله عليه وآله مع التوبة والندم اللهم اني

صلواتك عليه واله صح

استودعك نفسي واهلي وولدي واخواني واستكفيك

ما اهمّني وما لم يهمّني واسئلك بخيرتك من خلقك الذي

لا يمنّ بِرِّ سواك يا كريم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت

على المؤمنين كتابا موقوتا بعد از ان سجده میکنی دو سجده شکر و میگوید در سجده اول

اللهم انت انقطع الرجاء الا منك يا احد من لا احد

له غيرك يا احد من لا احد له يا احد من لا احد له غيرك

يا من لا يزيده كثرة العطاء الا كرما وجودا يا من لا يزيده

كثرة

در سجده دوم

كثرة العطاء الا كرما وجودا سه مرتبه صلّ على محمد واهل بيته بعد از ان وافعل

بي كذا وكذا بعد از ان میگذاری گونه راست خود را بر زمین و میخوانی اینها را بعد از ان میگذاری

گونه چپ خود را بر زمین و میخوانی همین را بعد از ان عود میکنی بسجود و میگذاری پیشانی خود را بر زمین

و میخوانی همین را بعد از ان میگوئی و اینها [illegible] بهمانجا یا سابغ النعم

يا دافع النقم يا باري النسم يا مجلي الهمم يا مغشي الظلم يا كاشف

الضرّ والالم يا ذا الجود والكرم يا سامع كل صوت يا مدرك

كل فوت يا محيي العظام وهي رميم ومنشئها بعد الموت صلّ على

محمد وآل محمد واجعل لي من امري فرجا ومخرجا يا ذا الجلال والاكرام

بعد از ان میگذاری دو رکعت وتیره و بسته و جایز است گذاردن آنها ایستاده و مشهور در آنها

نشستن است و ذکر کرده اند بعضی از علمای ما که نشستن در آنها افضل است از ایستادن و روایت کرده است

شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع که فرموده دو رکعت بعد از عشا پدرم

میگذارد آنها را در حال نشستن و من میگذارم آنها را حال آنکه ایستاده ام و عمل بر مشهور است و میکنید

وقت اینده رکعت یکرکعت شمرده میشود پس بعد از نصف شب قضا میشود و مستحب است مکی آنها را هفت

تکبیر با سه دعای مذکور و میخوانند در رکعت اول سوره ملک یا واقعه و در دوم سوره توحید و میخوانند بعد از

و مشهور

فراغ هر دعا که خواهی و دعایی که کرده میشود میانه وقت خواب تا نصف شب اول آنچه بکار آید آوری

از آداب لحظه خواب طهارت است روایت کرده است رییس محدثین در فقیه از حضرت صادق ع هر که طهارت بکند و

بعد از آن جای بگیرد در فراش خود شب بروز آورد و حال آنکه فراش او مانند مسجد او باشد و ذکر کرده‌اند علمای

که جایز است تیمم برای خوابیدن هر چند قادر باشد که کسی بر آب باشد تیمم از برای نماز جنازه و از اعمال

سنتی نزد خواب خواندن سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون است روایت کرده است این را رییس

محدثین در فقیه وارد شده است نیز از اصحاب عصمت سلام الله علیهم خواندن سوره قل هو الله احد صد مرتبه

چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از ابو اسامه که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله ع

که میفرمود که هر که بخواند قل هو الله سه مرتبه هنگامی که میرود بخوابگاه خود آمرزیده برای او آنچه قبل از آن

کرده باشد پنجاه سال روایت کرده است در کافی نیز از آنحضرت ع فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود که هر که بخواند الهیکم التکاثر نزد خواب نگاه داشته شود از فتنه قبر و نیز وارد است اینکه بخواند

در هنگامی که بخوابد بر پهلو آنچه را روایت کرده است رییس محدثین در فقیه بسندی حسن از محمد بن مسلم

گفت که فرمود بمن حضرت ابو جعفر ع هر که بخوابد بر جانب راست خود پس باید که بگوید بسم الله

وَفي سَبيلِ اللهِ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ

اِنّي اسلمت

اِنّي اَسْلَمْتُ نَفْسي اِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ وَجْهي اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْري

اِلَيْكَ وَاَلْجَأْتُ ظَهْري اِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَ

رَغْبَةً اِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَمَنْجا مِنْكَ اِلّا اِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتابِكَ

اَلَّذي اَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذي اَرْسَلْتَ بعد از آن تسبیح زهرا علیها السلام

ایضا آخر حدیث و بدانکه مشهور استحباب تسبیح زهراست ع در دو وقت یکی بعد از نماز و دیگری

نزد خوابیدن و ظاهر روایتی که وارد شده است نزد خوابیدن تقدیم سبحان الله است بر الحمد لله

و ظاهر روایت صحیحه که وارد است در باب تسبیح زهرا ع مطلقا اقتضا میکند تاخیر آن را از آن

و با یکدیگر منبسط کلام در بمقام هر چند بیرون است از موضع کتاب پس میگوییم تحقیق اختلاف کرده اند

علمای قدس الله ارواحهم درین باب اتفاق ایشان بر ابتدا در آن به الله اکبر زیرا که

حدیث صحیح ابن سنان از حضرت باقر ع صریح است در ابتدا بآن و مذهب مشهور ما برآنست

عمل تعقیبات تقدیم الحمد لله است بر سبحان الله قایل شده و رییس محدثین و پدر او و ابن

جنید و روایات از ائمه هدی سلام الله علیهم درین باب خالی نیست بحسب ظاهر

از اختلاف و روایت معتبری که ظاهر آن تقدیم الحمد لله است شامل است بنا بر اطلاق هر دو

آنچه را گفته شود بعد از نماز و آنچه را گفته شود نزد خوابیدن و از آداب است که روایت کرده است

از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از محمد بن عذافر که گفت داخل شدم با پدر خود بر حضرت ابی عبد الله ع
پس سؤال کرد او را پدرم از آنحضرت ع الله اکبر تا اینکه شمرد سی و چهار بار پس گفت الحمد لله تا رسید شصت
و هفت مرتبه پس گفت سبحان الله تا رسید بصد مرتبه میشمرد آنحضرت آنها را بدست خود یکجمله و روایت ظاهر
آن تقدیم سبحان الله بر الحمد لله است مخصوص است بانچه کرده میشود نزد خوابیدن و این روایت
را روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت امیر المؤمنین ع که فرمود بمردی از بنی سعد آیا
حدیث نکنم شما را از خود و فاطمه بدرستیکه بود او نزد من پس آب کشید بمشک تا اینکه اثر کرد در سینه او
و خورد کرد با آسیا تا اینکه آبله کرد دستهای او و جاروب کرد خانه را تا آنکه غبار آلود شد جامهایش
و آتش افروخت زیر دیگ تا اینکه سیاه شد رختهایش پس رسید او را از این کار رنجی بس گفتم مر
او را که اگر بیایی پیش پدرت ص پس سؤال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند از تو تعب و رنجی آنچه
تو در آنی پس آمد بخدمت پیغمبر ص پس یافت نزد آنحضرت جوانی چند پس شرم کرد و برگشت پس دانست
آنحضرت ص که بدرستیکه او آمده است از برای حاجتی پس صباح کرد پیش ما و ما در لحاف خود بودیم پس فرمود
السلام علیکم پس ساکت شدیم ما و شرم کردیم بسبب حال خود باز فرمود السلام علیکم پس ترسیدیم
که اگر رد سلام نکنیم برود برگردد و همچنین میکرد چنین سلام میکرد سه مرتبه پس اگر اذن داده میشد داخل میشد
و اگر نه برمیگشت پس گفتم و علیک السلام ای رسول خدا داخل شو پس داخل شد و نشست پیش سر ما

و فرمود ای فاطمه چه بود حاجت تو دیروز نزد محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس ترسیدم که اگر جواب
ندهیم او را اینکه برخیزد پس بیرون آوردم سر خود را پس گفتم والله خبر میدهم ترا ای رسول خدا بدرستیکه
او آب کشید بمشک تا اینکه اثر کرد در سینه او و گردانید آسیا را تا اینکه آبله کرد دستهای او و جاروب
کرد خانه را تا اینکه غبار آلود شد جامهای او و آتش افروخت زیر دیگ تا اینکه سیاه شد رختهای او
پس من گفتم با او که اگر بیایی پیش پدرت پس سؤال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند از برای تو تعب آنچه را
تو در آنی از این عمل پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم آیا پس من تعلیم نکنم شما را آنچه بهتر باشد
از برای شما از خدمتکار هرگاه فرا گیرید خوابگاه خود را پس تکبیر بگویید سی و چهار مرتبه و تسبیح و تحمید بکنید
سی و سه مرتبه پس بیرون آورد فاطمه ع سر خود را و گفت راضی شدم از خدا و رسول او و پوشیده نماند که این
روایت صریح نیست در تقدیم تسبیح بر تحمید زیرا که از برای مطلق جمع
بنا بر مذهب اصح چنانکه بیان شده است در اصول ظاهر تقدیم بحسب لفظ اقتضای آن میکند و همچنین
روایت سابقه صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ ثم در اینجا از کلام راوی است
نماند در آن نیز مگر ظاهر تقدیم لفظی پس منافات میان این دو روایت نیست مگر بحسب ظاهر پس اولی است
حمل دوم را اول بسبب صحت سند آن و قوت یافتن آن بعضی روایات ضعیف چنانکه روایت کرده است ابو

از حضرت صادق ع که فرمود در تسبیح زهرا ع ابتدا میکنی بتکبیر سی و چهار مرتبه پس تحمید سی و سه بار پس
بتسبیح سی و سه بار و این روایت صریحست در تقدیم تحمید پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صحیحه است
پس حمل کرده میشود روایت دیگر بر خلاف ظاهر آن تا اینکه بر طرف شود منافات میان ایشان چنانکه
گفتیم پس اگر گوید تو ممکن است عمل کردن بظاهر هر دو روایت با هم باینکه حمل کرده شود روایت اول
بانچه کرده میشود بعد از نماز و روایت دوم بر آنچه کرده میشود نزد خوابیدن و بنا بر این احتیاج نیست بحمل کردن
دوم از ظاهرش پس چرا عدول کرده تو ازین و چگونه قایل نمیشوی بان میگویم من از برای اینکه نیافتیم کسی را
که قایل شده باشد بفرق میان تسبیح زهرا ع درین دو حال بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تتبع اینست که هم
ازین دو فرقه که قایلند بتقدیم تحمید و تاخیر آن قایلند بان مطلق خواه واقع شود بعد از نماز یا پیش از خواب
پس قول بتفصیل احداث قول سیم است در برابر اجماع مرکب و اما آنچه میگویند که احداث قول سوم
ممتنع نیست مگر وقتیکه لازم آید ازان بر طرف شدن آنچه اجماع است شده بر آن باشند پس داد ان
کسیر وطی کرده شده بسبب عیب دارش زیرا که اتفاق کرده اند همه بعدم رد او بخلاف آنچه جنس باشد
مثل قول بفسخ نکاح بعضی از عیبهای یکطرفه و بعضی دیگر زیرا که هر یک از فریقین موافقند در یکقسم
و خبا کرده اینجاست زیرا که مانعی نیست ازین مثل قول بصحت فروض نماز غایب باشد و گفتن مسلمان

بعوض

بعوض ذمی بعد از قول با پاره است در دوم و نقض اول در پاره دیگر بعکس آن پس جواب این اینست که این
تفصیل درست نیست مگر بر مذهب سنیان و اما بنا بر آنچه بیان کرده اند امامیه در حجت اجماع که آن بسبب آنست که
کاشف است از دخول معصوم پس این تفصیل معقول نیست چه مخالفت معصوم لازم می آید هر چند که موافق شده
قایل با هر یک از فریقین در قسمی و قیاس کن بر این مثال فروض و کشتن را سزاوار است پس
بدرستی که این خواب مومنانست چنانکه روایت کرده است از ثقة الاسلام در کافی بسندی
صحیح از احمد بن اسحق که گفت گفتم بحضرت ابی محمد یعنی امام حسن عسکری ع که گردیده شوم من فدای تو بدرستی که
من میخواهم از برای چیزی که میرسد بخاطرم و تعجب دارم که کردم که سوال کنم پدر ترا ع ازان پس میسر نشد
از برای من آن پس فرمود آنحضرت چه چیز است آن یا احمد پس گفتم روایت شده است برای ما
از پدران تو ع که بدرستی که خواب پیغمبران بر قفاهای ایشانست و خواب مومنان بر جانب راست
و خواب منافقان بر جانب چپ و خواب شیاطین بر رویهای ایشان پس فرمود آنحضرت ع که
چنین است پس گفتم ای سید من بدرستی که من جهد میکنم که بخوابم بر جانب راست خود پس ممکن نمیشود
مرا خواب بر آن پس ساکت شد آنحضرت ع ساعتی بعد ازان فرمود ای احمد نزدیک شو بمن پس نزدیک
شدم پس فرمود داخل کن دست خود را از زیر جامهای خود پس داخل کردم ازان پس بیرون آورد دست خود را
از زیر جامهای خود پس مالید دست راست خود را بر جانب چپ من و دست چپ خود را بر جانب راست من

سه مرتبه کهف احمد پس میخوانم تا بخوابم بر جانب چپ خود از آن وقت که کرد آنرا بام آنحضرت علیه السلام و نکرد

مرا بران خوابها احتلام از آنچه خوانده میشود نزد پهلو خوابیدن است که روایت کرده است از امام علیه السلام

در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که بگوید وقتی که میرود بخوابگاه خود سه مرتبه الحمد

لله الذي علا فقهر والحمد لله الذي بطن فخبر والحمد لله

ملك فقدر والحمد لله الذي يحيي الموتى ويميت الأحيا وهو

على كل شيء قدير بیرون رود از گناهان مانند حالی که زاییده است او را مادر او

روایت شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که بخواند این سه را در [illegible]

قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فمن كان يرجو لقاء

ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه أحدا بلند شود از برای او نوری تا

مسجد الحرام در میان آن نور ملائکه باشند که استغفار کنند از برای او و روایت شده است در کتاب

مذکور نیز از حضرت صادق علیه السلام فرمود که نیست بنده که بخواند آخر کهف را وقتی که میخوابد مگر آنکه بیدار شود

در ساعتی که میخواهد شیخ ره میفرماید که این از اسرار عجیب مجربه است و نیست شکی در آنها و مراد با آخر کهف

آیه آخر است یعنی همین آیه که مذکور شد و هر گاه خوف داشته باشد از عقرب و مانند آن پس بگوید آنچه را که روایت

کرده است در کتاب مذکور از حضرت باقر علیه السلام هر که بخواند این کلمات را ایمن خواهم که نرسد با او عقرب و

نه گزنده

و نه گزنده تا اینکه صبح کند أعوذ بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن

بر ولا فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر كل دابة هو

آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم و روایت کرده است در کتاب مذکور بسند

صحیح از برای دفع احتلام از حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر گاه بترسی از جنابت پس بگو در رختخواب خود

اللهم إني أعوذ بك من الاحتلام ومن شر الأحلام ومن أن

يتلاعب بي الشيطان في اليقظة والمنام و روایت شده است در کتاب

مذکور نیز از برای ایمنی از اینکه فرود آید بر او خانه از حضرت رضا علیه السلام فرموده که نمیترسد هیچکس هر گاه که اراده

کرد که بخواند إن الله يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا

إن أمسكهما من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا پس فرود آمدن سقف

بر او خانه و روایت شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم هر گاه بر فرش خواب

میشدند بسمك اللهم أحيا وباسمك أموت پس هر گاه بیدار میشد میفرمود

الحمد لله الذي أحياني بعد ما أماتني وإليه النشور و روایت شده است

در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق علیه السلام فرموده که هر گاه بشنوی آواز خروس پس بگو سبوح قدوس

رب الملائکة والروح سبقت رحمتك علی غضبك لا اله الا انت
سبحانك وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي واغفر لي انه لا
يغفر الذنوب الا انت واز انچه سزاوارست کران آن نزد خوابیدن سرمه کشیدنست
پس بسند صحیح روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم سرمه میکشید باثمد وآن سنگیست مانند سرمه
میکشید هرگاه میخواست که برود بجای خواب خود وبسند صحیح روایت شده از حضرت رضا ع که فرمود
هرکه برسد باو ضعفی در دیده او پس سرمه بکشد هفت میل نزد خوابیدن از اثمد چهار میل در چشم راست
وسه میل در چشم چپ وروایت شده هم از آنحضرت صلوات الله علیه فرموده که سرمه نزد خوابیدن
امانست از آبی که نازل شود در چشم وروایت شده است که آنحضرت ع میخواندند این دعا را
نزد سرمه کشیدن اللهم اني اسئلك بحق محمد وال محمد ان تصلي
علی محمد وال محمد وان تجعل النور في بصري والبصيرة في
ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة
في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني
وروایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت صادق ع که فرموده که هرگاه ببیند مرد خوابی
ناخوشی دارد در خواب خود پس بگردد از جانبی که بر آن خوابیده بود پس بگوید

انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا ولیس بضارهم
شیئا الا باذن الله وعلی الله فلیتوکل المؤمنون بعد ازان بگو
عذت بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاءه المرسلون
وعباده الصالحون من شر ما رأیت ومن شر الشیطان الرجیم
در آنچه گذارده میشود در میانه نصف شب تا طلوع صبح ودرین باب مقدمه ایست
و چند فصل مقدمه بتحقیق روایات بسیار واقع شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب
برخاستن شب وبیان فضیلتش روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق ع
فرموده که شرف مؤمن برخاستن اوست در شب وعزت او استغنای اوست بر مردم وروایت
کرده است نیز در کافی بسندی حسن از عبدالله بن سنان که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله ع
میفرمود که سه چیز است که اینها فخر مؤمن وزینت او باشند در دنیا و آخرت نماز در آخر شب وبی
بودن او از آنچه در دستهای مردم است ویاری کردن او امام را از آل محمد وروایت کرده است
نیز در کافی بسندی حسن نیز از آنحضرت ع در قول خدای کانوا قلیلا من اللیل ما یهجعون که فرمود
که بودند ایشان چنین که اقل شبها فوت نمیشد از ایشان که برنمیخواستند در آن وروایت کرده است در کافی
که آمد مردی بخدمت امیرالمؤمنین ع پس گفت که من محروم گشتم از نماز شب پس فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام

ه نوم ردی ایشان در بند کرده است زانکه نان تو و روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از
حضرت صادق ع در قول خدا تعالی ان ناشئة اللیل هی اشد وطأ واقوم قیلا فرمود برخاستن
او است از خواب خود که از او نخسته باشد مگر خدا را و روایت کرده است شیخ ره در تهذیب بسند
صحیح نیز از آنحضرت ع فرموده ع نیست بنده مگر اینکه بیدار میشود در هر شب یکمرتبه یا دو مرتبه پس اگر
برخیزد خواهد بود آن و اگر نه میکشاید شیطان میان پاهای خود را و بول میکند در گوش او آیا نمی‌بیند
احدی از شما هرگاه برنخیزد و نبوده است این از و برخیزد و حال آنکه گران و کدر و سنگین و کاهل است
و روایت کرده است در تهذیب بسند صحیح نیز عمر بن یزید که او شنیده از حضرت ابی عبدالله ع
که میفرموده که در هستی در شب هر آینه ساعتی است که موافق نمی‌افتد او را بنده مسلمانی که نماز کند و دعا
کند خدا را در آن مگر اینکه مستجاب کند خدا تعالی برای او در هر شب گفتم فاصلحک الله پس کدام
ساعت است از شب فرمود هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث شب و روایت کرده است رئیس محدثین
در فقیه بسند صحیح از عبدالله بن سنان که او سؤال کرده از حضرت صادق ع از قول خدای عز و جل
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود پس فرمود آن بیداری در نماز است و روایات از اصحاب عصمت
سلام الله علیهم در برخاستن شب بسیار است   هرگاه بیدار شوی از خواب پس اول آنچه سزاوار است
برای تو کردن آن اینست که سجده کنی از برای خدا تعالی پس بتحقیق روایت شده است که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله

هرگاه بیدار

هرگاه بیدار میشدند از خواب سجده میکردند بعد از آن میگو در حال سجود یا بعد از سر برداشتن الحمد
لله الذی احیانی بعد ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی
ردّ علیّ روحی لاحمده واعبده و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی
حسن از حضرت باقر ع که فرموده که هرگاه برخیزی در شب پس نگاه کن در اطراف آسمان بگو اللهم
انه لا یواری عنک لیل ساج ولا سماء ذات ابراج ولا ارض
ذات مهاد ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر لجی تدلج
بین یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین وما تخفی
الصدور غارت النجوم ونامت العیون وانت الحی القیوم
لا تأخذک سنة ولا نوم سبحان الله رب العالمین واله
المرسلین والحمد لله رب العالمین بعد از آن پنج آیه از آخر آل عمران ان
فی خلق السموات والارض واختلاف اللیل والنهار لآیات
لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما وقعودا وعلی
جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت

هذا باطلاً سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك من تدخل
النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار ربنا اننا
سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا
فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا
واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا
تخلف الميعاد تا اخر سورت هر گاه نصف شب بود پس بحسب داخل شده است
وقت نماز و گاهی تعبیر میکنند از نصف شب بزوال نیز روایت کرده است رئیس محدثین از فقیه
عمر بن حنظله سؤال کرده از حضرت صادق ع پس گفته ما زوال روز را میدانیم پس چون بدانیم
در شب پس فرمود آنحضرت ع که از برای شب زوالیست مانند زوال آفتاب گفت پس بچه چیز
بشناسیم آنرا فرمود بستارها هرگاه منحدر شوند و ظاهر اینست که آنحضرت ع اراده کرده ستارهائی را
که طلوع کرده باشند نزد غروب آفتاب چنانکه گفته شیخ ما شیخ شهید ره و مراد بمنحدر شدن انها
شروع انهاست در پایین آمدن و نماز شب اطلاق میشود در احادیث گاهی بر هشت رکعت و گاهی بر
یازده رکعت باضافه دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و گاهی بر سیزده رکعت باضافه دو رکعت نافله
صبح و نماز شب از سنتهای موکده است روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از

از حضرت صادق ع که فرموده که بود در وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بعلی علیه السلام ای
علی وصیت میکنم ترا در باب نفس خود بچند خصلت پس حفظ کن انها را بعد از ان فرمودند خداوندا
یاری کن او را و ذکر کردند جمله از خصلتها تا اینکه فرمودند سه مرتبه علیک بالصلوة اللیل و سه مرتبه علیک
بصلوة الزوال و ظاهر اینست که آنحضرت ص اراده کرده‌اند بنماز شب سیزده رکعت را و بنماز زوال
هشت رکعتی را که نافله زوال است چنانکه گفته‌اند بعضی از علما پس هرگاه خواهی متوجه شوی بسوی
عبادت و بوده باشد ترا حاجتی بتخلی پس ابتدا کن بان اول پس هرگاه خواهی داخل بیت الخلا شوی
پس اگر بوده باشد در نقش انگشتر تو یا همراه تو هر جا که باشد نامی که محترم داشته باشد پس اخراج
کن آنرا با خود و همچنین ورقهای سفید را که در کیسه تو باشد پس پیش بگذار پای چپ خود را از داخل
داخل شدن اگر بوده باشد آن خانه و اگر قضای حاجتی کنی در فضایی مثل صحرا و مانند آن پس بگذار
پای چپ را در موضعی که میخواهی بنشینی و بگو بسم الله و بالله اعوذ بالله
من الرجس النجس الخبيث المخبث الشيطان الرجيم و اگر قضای حاجتی
بکنی در فضایی پس اختیار کن موضعی را که دیده نشود در ان شخص و باید که بوده باشد اعتماد
تکیه تو در وقت تخلی بر پای چپ تو و سزاوار است گشودن پای و طول مدت نشستن را و حرف
زدن مگر برای حاجتی و خوف لعن داشته باشی یا خواندن ایه الکرسی یا الحمد لله رب العالمین یا حکایت

اذان یا ذکر خدا یتعالی و بعد از آنکه فارغ شدی برخیز و بکش دست راست خود را بر شکم خود و بگو

الحمد لله الذی اماط عنی الاذی وهنأنی طعامی وشرابی

وعافانی من البلوی و استبرا کن بآنکه بگذاری انگشت خود را از زیر مقعد و بکشی از آنجا اصل

ذکر بعد از آن بگذاری انگشت شصت را زیر ذکر و انگشت شهادت را بالای آن و بفشاری بقوت آن را سه مرتبه

بعد از آن بفشاری حشفه را سه مرتبه و تنحنح کن در حال استبرا و هرگاه خواهی که استنجا کنی باب پس بگو

الحمد لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله نجسا و استنجا کن بدست چپ خود

و آب استنجا کنی و خواه بکلوخ و مانند آن و اگر در دست تو انگشتری باشد که نگین آن از سنگ ریزه زمزم باشد

پس بیرون کن آن را و باید که بوده باشد شستن مقعد بانگشت بنصر یعنی انگشتی که پهلوی انگشت کوچک است و از ان

دست راست را بدر کرد اختیار کن در غیر متعدی از غایط یعنی آنکه بجوانب و اطراف مقعد رسیده باشد و از ا

بکلوخ مالیدن و جمع میان آب و کلوخ بهتر است در متعدی و غیر آن و بشو مخرج غایط را تا آنکه جا پاک کنی

و بعد از آن بگو در حال استنجا اللهم حصن فرجی واعفه واستر عورتی و

حرمنی علی النار و مقدم دار شستن مخرج غایط را بر شستن مخرج بول و طاق مگردان عدد سنگها

اگر پاک شود محل به سه تا و برسان آن سنگها را بر تمام محل هر یکی دوری ازاله آن پس هرگاه بیرون آمدی از خلا

پس پیش بگذار پای راست را و بگو نیز در بیرون آمدن الحمد لله الذی

عرفنی لذته وابقی فی جسدی قوته واخرج عنی اذاه یا

لها نعمة یا لها نعمة یا لها نعمة لا یقدر القادرون قدرها

پس هرگاه بیرون آمدی از خلا ابتدا کن بمسواک بعد از آن وضو بساز وضوی کامل چنانکه گذشت در باب

اول بعد از آن خود را خوشبوی ساز پس صحیح روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام فرموده که بود

از برای پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم مشکدانی هرگاه وضو میساخت میگرفت از آن بدست خود و حال آنکه

تر بود و روایت شده است نیز از آنحضرت علیه السلام فرموده که دو رکعت نماز بگذاری از روی بوی

خوش کرده فضیلت از هفتاد رکعت بگذاری از آن بوی خوش نکرده و بدانکه بوی خوش کردن

سنت است از برای هر نمازی و هر دعایی و سنت مخصوص نماز شب و دعاهای آن پس هرگاه وضو ساختی

و بوی خوش کردی پس بنشین رو بقبله و بخوان دعای حضرت زین العابدین ع را که میخواندند آن را

در دل شب الهی غارت نجوم سمائك ونامت عیون انامك

وهدأت اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك علیها

ابوابها وطاف علیها حراسها واحتجبوا عمن یسألهم حاجة

او ینتجع منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لا تأخذك سنة

ولا نوم ولا يشغلك شيء عن شيء ابواب سماواتك لمن دعاك
مفتحات وخزائنك غير مغلقات وابواب رحمتك غير محجوبات
وفوائدك لمن سألك غير محظورات بل هي مبذولة وانت الهي
انت الكريم الذي لا ترد سائلا من المؤمنين سألك ولا
تحتجب عن احد منهم اراداك لا وعزتك وجلالك ولا تختزل
حوائجهم دونك ولا يقضيها احد غيرك اللهم وقد ترى
وقوفي وذل مقامي بين يديك وتعلم سريرتي وتطلع على
ما في قلبي وما يصلح به امر آخرتي ودنياي اللهم ان ذكر الموت
واهوال المطلع والوقوف بين يديك نغصني مطعمي ومشربي
واغصني بريقي واقلقني عن وسادي ومنعني رقادي
كيف ينام من يخاف ملك الموت في طوارق الليل وطوارق
النهار بل كيف ينام العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل ولا
بالنهار ويطلب قبض روحه بالبيات وفي آناء الساعات

و سجود بسیار کرده آنحضرت بحسابانیده گونه مبارک خود را بخاک و میفرمودند اسئلك الروح والراحة
عند الموت والعفو عني حين القاك و میگذارند پس از نماز شب دو رکعه میخواندند در
رکعه اول قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون بعد از آن طلب میکردند و دستهای مبارک خود را
دعا میکردند و تو هرگاه بیداری ای دو رکعه را پس خوب است بخوانی این دعا را که روایت کرده است [illegible]
در کتاب امالی از ابو درداء که شنیده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میخواندند این را در دل شب
الهي كم من موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتك وكم من
جريرة تكرمت عن كشفها بكرمك الهي ان طال في عصيانك عمري
وعظم في الصحف ذنبي فما انا مؤمل غير غفرانك ولا انا براج غير رضوانك الهي افكر
في عفوك فتهون علي خطيئتي ثم اذكر العظيم من اخذك
فتعظم علي بليتي آه ان انا قرأت في الصحف سيئة انا ناسيها
وانت محصيها فتقول خذوه فيا له من مأخوذ لا تنجيه عشيرته
ولا تنفعه قبيلته آه من نار تنضج الاكباد والكلى آه
من نار نزاعة للشوى آه من غمرة من لهبات لظى [illegible]

بعد از این دعا کن بهر دعایی که خواهی بعد از آن بر خیز بنماز شب و جمعی که اجماع کرده اند علمای ما بر اینکه
اول وقت آن نصف شب است و اینکه هر چند نزدیکتر شود بصبح صادق خواهد بود افضل پس اگر طلوع
کند آن و نگذارده باشد چهار رکعه تمام کند باقی را بسبک بحمد تنها یا سوره بقصد ادا و مشهور آنست که
جایز است تقدیم آن بر نصف شب از برای کسی که عذری داشته باشد لیکن قضای آن افضل است
از تقدیم پس هرگاه خواهی شروع کنی در نماز شب پس سزاوار است که بگوید اللّهمّ انّی
اتوجّه الیک بنبیّک نبیّ الرّحمة صلّی الله علیه و آله و
اقدّمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیهاً فی الدّنیا
والآخرة ومن المقرّبین اللّهمّ ارحمنی بهم ولا تعذّبنی بهم
واهدنی بهم ولا تضلّنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی
بهم واقض لی حوائج الدّنیا والآخرة انّک علی کلّ شیء
قدیر وبکلّ شیء علیم بعد از آن ابتدا کن برکعه اول هفت تکبیر با سه دعای آنها
و افضل آنست که بخواند در آن بعد از حمد سوره قل هو الله احد سی مرتبه و در رکعه دوم قل یا ایها الکافرون
و در شش رکعه باقی سورهای دراز مثل سوره انعام و کهف و انبیا و یس و حم ها و آنچه مانند اینها باشد

در درازی و جایز است در نمازهای سنتی خواندن سوره از روی مصحف هر چند از بر داشته باشی
غیر آن سوره را اما در نمازهای واجبی جایز نیست مگر اینکه هیچ سوره حفظ نداشته باشی و بعضی گفته اند در اینها نیز
جایز است مطلقا و این قول ضعیف است و اگر تنگ باشد وقت قوا از سورهای دراز کافی است اکتفا
بحمد و قل هو الله احد در هر رکعتی و روا است اقتصار بر حمد تنها مانند باقی نوافل بدانکه تحقیق اتفاق کرده اند علمای ما
بر اینکه قنوت چنانکه سنت است در نمازهای واجب سنت است در هر رکعه دومی از نوافل نیز روایت کرده است
ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق ع که کافی است در قنوت اینکه بگوید اللّهمّ
اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنّا فی الدّنیا والآخرة انّک
علی کلّ شیء قدیر چنانکه روایت کرده است ابن ابی عمیر در کافی از آنحضرت ع بسندی حسن و روایت
شده است کافی بودن سه تسبیح نیز در قنوت و سنت است بلند خواندن قنوت هر چند در نوافل روز باشد
و سزاوار است طول دادن آن خصوصا در نماز شب زیرا که وقت در آن وسعتی دارد و چنانچه روایت کرده است
رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده که هر که از شما درازتر باشد قنوت او در
دار دنیا درازتر است راحت او در روز قیامت و چنانچه آورده است سید جلیل رضی الدین علی بن
طاوس در کتاب مهج الدعوات پاره از قنوتهای دراز که ائمه علیهم السلام قنوت میکرده اند با آنها
و نفرین میکرده اند در آنها بر دشمنان دین و باکی نیست که بخواند قنوت را در نوافل از روی کتاب

و ماسند آن و منع شده است از آن در فرایض و از دعاهای مختصر که لایق است خوانده شود در قنوت سوال

و فرایض این است که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام إلٰهي كَيْفَ أَدْعُوكَ

ای خدای من چگونه بخوانم ترا

وَقَدْ عَصَيْتُكَ وَكَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي

و حال آنکه بتحقیق عصیان کرده ام و چگونه نخوانم ترا و حال آنکه بتحقیق شناخته ام دوستی ترا در دل خود

وَإِنْ كُنْتُ عَاصِيًا مَدَدْتُ إِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَيْنًا

و اگر بوده ام عصیان کننده بلند کرده ام بسوی تو دستی را که از گناهان لبالب است و چشمی را

بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً مَوْلَايَ أَنْتَ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ وَأَنَا أَسِيرُ الْأُسَرَاءِ

که با رجا و چشم دوخته است ای پروردگار من تو بزرگ بزرگانی و منم اسیر اسیرانم

أَنَا الْأَسِيرُ بِذَنْبِي الْمُرْتَهَنُ بِجُرْمِي إِلٰهِي لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذَنْبِي

و منم اسیر بگناه خود در گرو جرم خود ای خدای من اگر بازخواست کنی مرا بگناهم

لَأُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِجَرِيرَتِي لَأُطَالِبَنَّكَ

هر آینه بازخواست میکنم ترا بکرم تو و اگر بازخواست کنی مرا بمعصیتم هر آینه بازخواست میکنم ترا

بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ أَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَهَا أَنِّي كُنْتُ

بعفو تو و اگر امر کنی مرا بسوی آتش هر آینه خبر میدهم اهل آنرا بدرستی که من بودم

أَقُولُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ اَللّٰهُمَّ إِنَّ الطَّاعَةَ تَسُرُّكَ

که میگفتم نیست خدائی مگر خدا محمد رسول خداست خداوندا بدرستی که طاعت خشنود میکند ترا

وَالْمَعْصِيَةَ لَا تَضُرُّكَ فَهَبْ لِي مَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ

و معصیت ضرر نمیرساند ترا پس ببخش مرا آنچه خشنود میکند ترا و بیامرز از برای من آنچه ضرر نمیرساند ترا

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و از دعاهای متوسط که سزاوار است که خوانده شود در قنوت نیز از جمله دعاها

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و مسایل سوی مسائل است که روایت شده از حضرت جواد علیه السلام اینست اَللّٰهُمَّ إِنَّ الرَّجَاءَ

خداوندا بدرستی که آرزو

لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ أَنْطَقَنِي بِاسْتِقَالَتِكَ وَالْأَمَلَ لِأَنَاتِكَ وَرِفْقِكَ

بسبب فراخی رحمت تو گویا کرده است مرا بطلب فسخ کردن و امید بسبب درنگ تو و مدارای تو

شجعني

شَجَّعَنِي عَلَى طَلَبِ أَمَانِكَ وَعَفْوِكَ وَلِي يَا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ

جرات داده است مرا بر طلب امان تو و عفو تو و از برای من است ای پروردگار من گناهانی که

وَاجَهَتْهَا أَوْجُهُ الْاِنْتِقَامِ وَخَطَايَا قَدْ لَاحَظَتْهَا أَعْيُنُ الْاِ

بتحقیق رو برو افتاده است آنها را رویهای انتقام و خطاهایی چند که بتحقیق دیده است آنها را دیدهای

صْطِلَامِ وَاسْتَوْجَبْتُ بِهَا عَلَى عَدْلِكَ أَلِيمَ الْعَذَابِ وَاسْتَحْقَقْتُ

اصطلام و سزاوار شده ام بسبب آنها بنابر عدل تو الم رساننده عذاب را و مستحق شده ام

بِاجْتِرَاحِهَا مُبِيرَ الْعِقَابِ وَخِفْتُ تَعْوِيقَهَا لِإِجَابَتِي وَرَدَّهَا

بکسب آنها هلاک کننده عقاب را و خوف دارم از تعویق انداختن آنها اجابت مرا و برگردانیدن آنها

إِيَّايَ عَنْ قَضَاءِ حَاجَتِي بِإِبْطَالِهَا لِطَلِبَتِي وَقَطْعِهَا لِأَسْبَابِ

مرا از بر آوردن حاجت من بسبب باطل کردن آنها مطلب مرا و قطع کردن آنها مر اسباب

رَغْبَتِي مِنْ أَجْلِ مَا أَنْقَضَ ظَهْرِي مِنْ ثِقْلِهَا وَبَهَظَنِي مِنَ الْاِ

رغبت مرا و بواسطه آنچه شکسته است پشت مرا از گرانی آنها و آنچه گران کرده است مرا از

سْتِقْلَالِ بِحَمْلِهَا ثُمَّ تَرَاجَعْتُ رَبِّ إِلَى حِلْمِكَ عَنِ الْخَاطِئِينَ

استقلال بردن آنها باز رجوع کردم ای پروردگار من بسوی بردباری تو از خطا کنندگان

وَعَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَرَحْمَتِكَ لِلْعَاصِينَ فَأَقْبَلْتُ بِثِقَتِي

و عفو تو از گناه کاران و رحمت تو از برای عاصیان پس رو آوردم با اعتماد خود

مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ طَارِحًا نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ شَاكِيًا بَثِّي إِلَيْكَ

توکل بر تو اندازنده نفس خود را پیش روی تو شکوه کننده اندوه خود را بسوی تو

سَائِلًا مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَفْرِيجِ الْهَمِّ وَلَا أَسْتَحِقُّهُ مِنْ

سوال کننده آنچه را سزاوار نیستم از زایل گردانیدن غم و آنچه مستحق نیستم از

تَنْفِيسِ الْغَمِّ مُسْتَقِيلًا إِيَّاكَ وَاثِقًا مَوْلَايَ بِكَ اَللّٰهُمَّ فَامْنُنْ

برطرف کردن غم طلب فسخ کننده از تو اعتماد دارنده ای پروردگار من خداوندا پس منت گذار

عَلَيَّ بِالْفَرَجِ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ وَادْلُلْنِي بِرَأْفَتِكَ

بر من بگشایش و تفضل کن بر من باسانی بدر شدن و راه نما مرا بمهربانی خود

عَلَى سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَأَزْلِقْنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْوَجِ

بسمت راه واضح و دور کن مرا بقدرت خود از راه کجی

وخلّصني من سجن الكرب باقالتك واطلق اسري برحمتك
وطُل عليّ برضوانك وجُد عليّ باحسانك واقلني عثرتي
وفرّج كربتي وارحم عبرتي ولا تحجب دعوتي واشدد
بالاقالة ازري وقوّ بها ظهري واصلح بها امري و
اطل بها عمري وارحمني يوم حشري ووقت نشري
انّك جواد كريم رؤف رحيم [illegible]
اللّهمّ انّي اسئلك ولم يُسئل مثلك انت موضع مسئلة
السّائلين ومنتهى رغبة الرّاغبين ادعوك ولم يُدع
مثلك وارغب اليك ولم يُرغب الى مثلك وانت مجيب
دعوة المضطرّين وارحم الرّاحمين اسئلك بافضل المسائل و
انجحها واعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم وباسمائك الحسنى
وامثالك العليا ونعمك الّتي لا تحصى وباكرم اسمائك
عليك واحبّها اليك واقربها منك وسيلة واشرفها

عليك م

عندك

عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا واسرعها في الامور اجابة
وباسمك المكنون الاكبر الاعزّ الاجلّ الاعظم الاكرم الّذي
تحبّه وتهواه وترضى به عمّن دعاك فاستجبت له دعاءه
وحقّ عليك ان لا ترد سائلك وبكلّ اسم هو لك في التورية
والانجيل والزّبور والفرقان العظيم وبكلّ اسم دعاك
به حملة عرشك وملائكتك وانبيائك ورسلك واهل
طاعتك من خلقك ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان
تعجّل فرج محمّد وليّك وابن وليّك وتعجّل خزي اعدائه وان
تفعل بي كذا وكذا بعد از ان تسبيح بكني تسبيح زهرا ع و بخواند بعد از ان هر دعا كه
خواهي پس از ان سجده بكني و سجده شكر و اگر خواهي [illegible]

بحضرت زين العابدين ع الهي وعزّتك وجلالك وعظمتك لو انّي
منذ بدعت فطرتي من اوّل الدّهر عبدتك دوام خلود
ربوبيّتك بكلّ شعرة في كلّ طرفة عين سرمد الابد بحمد

الاكبر م

وحقّ عليك ان لا تخيّب سائلك ولا تردّه

الخلائق م

وشكرهم اجمعين لكنت مقصرا في بلوغ اداء شكر خفي نعمة من
نعمك علي ولو اني كربت معادن حديد الدنيا بانيابي و
حرثت ارضها باشفار عيني وبكيت من خشيتك مثل بحور
السموات والارضين دما وصديدا لكان ذلك قليلا في
كثير ما يجب من حقك علي ولو انك الهي عذبتني بعد
ذلك بعذاب الخلائق اجمعين وعظمت للنار خلقي وجسمي
وملأت طبقات جهنم مني حتى لا يكون في النار معذب
غيري ولا يكون لجهنم حطب سواي لكان ذلك بعدلك
علي قليلا في كثير ما استوجبه من عقوبتك پس هرگاه فارغ
شدي از ركعت ششم پس بخوان اين دعا را يا الله يا الله ده مرتبه صل على محمد
وآله وارحمني وثبتني على دينك ودين نبيك ولا تزغ
قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت
الوهاب وبگو ايضا اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق

الرازق المحيي المميت البدئ البديع لك الكرم ولك الجود ولك
المن ولك الامر وحدك لا شريك لك يا خالق يا رازق يا
محيي يا مميت يا بديع يا رفيع اسئلك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان ترحم ذلي بين يديك وتضرعي اليك ووحشتي
من الناس
وانسي بك پس بعد از آن بگويد آنچه را حضرت امير المؤمنين ع ميخوانده بعد از ركعت ششم اللهم
اني اسئلك بحرمة من عاذ بك ولجأ الى عزتك واستظل
بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا
مطلق الاسارى يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك
راغبا وراهبا وخوفا وطمعا والحاحا والحافا وتضرعا و
تملقا وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا وراكبا وماشيا
وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي اسئلك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا و ياد بكني حاجت خود را بعد از آن سجده ميكني در سجده شكر
و ميخواني در آنها و بعد از آنها آنچه گذشت فصل و بعد از آنكه فارغ شدي از هشت ركعت بجهت [illegible]
ركوع شفع [illegible] افضل اوقات آنها ميانه صبح صادق و كاذب است [illegible]

صبح صادق و کاذب وارد شده است امر بان از حضرت امیر المومنین ع بدانکه شایع بر زبانهای

متاخرین اطلاق وتر است بر رکعت سوم تنها نه بر مجموع سه رکعت و شایع در احادیث ع وارد شده

از اصحاب عصمت سلام الله علیهم عکس اینست چنانکه روایت کرده است از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از

حضرت صادق ع که پدر او حضرت باقر ع میخوانده اند در وتر قل هو الله احد در هر سه رکعت و چنانکه روایت

کرده است نیز در تهذیب بسندی موثق از آنحضرت ع که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله میکرد از نماز

هشت رکعت زوال و چهار رکعت نماز اول و هشت رکعت بعد از آن و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب

و چهار رکعت بعد از مغرب و عشای آخر چهار رکعت و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر

و نماز صبح دو رکعت تا آخر حدیث و چنانکه روایت کرده است از ابن ادریس محمد بن ... بسندی صحیح از

حفص بن سالم حناط که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله ع میفرمود که باکی نیست اینکه بگذارد مرد دو رکعت از

وتر را بعد از آن برود و برآورد حاجت خود را باز گردد پس بگذارد دیگر رکعت و همچنین غیر اینها احادیث

بسیار است و اما اطلاق وتر بر رکعت سوم تنها پس آن در احادیث بسیار کمست لیکن بسیار است در عبارتهای

متاخرین علمای ما قدس الله اسرارهم و اما قدما پس اکثر ایشان تعبیر میکنند از آن بمفرده وتر چنانکه تعبیر کرده است

از آن شیخ طایفه در مصباح و غیر او و از اینجا ظاهر میشود که چه ... نماز وتر مرحوم ... میآید ...

بعقب ... بگذارد آن سه رکعت و ظاهر میشود که آنچه ذکر کرده است از شیخ جلیل ابو علی طبرسی غفر الله مرقده

کتاب مجمع البیان از وجه نامیدن سوره فاتحه بسبع المثانی باینکه ثنی میشود قرائت آن در هر نماز و جای

سستی کلامیست درست خالی از قصوری آنچه اعتراض کرده اند بر او از بعضی از نسخ کلیه نماز وتر وارد است والله اعلم

و بخوانید در هر یک از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره قل هو الله احد و اگر خواهی بخوان قل اعوذ برب الفلق در رکعت اول

قل اعوذ برب الناس در دوم و بعد از سلام دادن پس بخوان این دعا را اِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي

ای خدای من متعرض شده اند ترا

هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ وَأَمَّلَ

در این شب متعرض شوندگان و قصد کرده اند ترا در این شب قصد کنندگان و امید دارد

فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ

فضل ترا و احسان ترا طلب کنندگان و ترا است در این شب عطاها

وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ

و صلهها و بخششها و موهبتها و منت گذاری بآنها بر هر که میخواهی از بندگان خود

وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ وَهَا أَنَا ذَا عَبْدُكَ

و منع میکنی آنها را از کسی که پیشی نگرفته است از برای او عنایت از تو و اینک منم ای بنده تو

الْفَقِيرُ إِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ فَإِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ

محتاج بسوی تو امیدوار فضل تو و احسان تو پس اگر بوده باشی ای پروردگار

تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ

تفضل کرده باشی در این شب بر کسی از خلق تو و احسان کرده باشی بر او

بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بصله از شفقت خود پس رحمت فرست بر محمد و آل او که پاکیزگان پاکان

الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ

خیر کنندگان فاضلانند و احسان کن بر من بفضل خود و احسان خود ای پروردگار

الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

عالمیان و رحمت کند خدای بر محمد آخر پیغمبران و آل پاکان او

الَّذِينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا اِنَّ اللّٰهَ
آنانکه برده است خدا از ایشان رجس را و پاک گردانیده ایشان را پاک کردنی بدرستی که خدا
حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا
ستوده شده کرامت خداوندا بدرستی که من میخوانم چنانکه امر کرده پس اجابت کن برای من چنانکه
وَعَدْتَ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ بعد از آن رخیر برای مفرده و ترویح استاح کن
وعده کرده بدرستی که تو خلاف نمیکنی وعده را
هفت تکبیر با بر دعای اثنا میخواند در اثنا بعد از حمد قل هو الله احد سه مرتبه و خود تیم بعد از آن سبحانک
دستهای خود را و قنوت میخواند و دعا آنکه گریه کنی یا خود را بگریه بداری با نجه روایت کرده است زرا
رئیس محدثین در فقیه بسند صحیحی از معروف بن خربوذ از امام همام حضرت باقر یا حضرت صادق علیهما السلام
ه فرموده بگو در قنوت وتر لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ
نیست خدای مگر خدای بردبار کریم نیست خدا مگر خدای عالی
الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ
بزرگ پاک است خدا پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای
السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ
هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ خداوندا
اَنْتَ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ زَيْنُ السَّمٰوٰتِ
تویی خدای نور آسمانها و زمین و تویی خدای زینت آسمانها
وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ جَمَالُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ
و زمین و تویی خدای جمال آسمانها و زمین و تویی خدای
عِمَادُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ قِوَامُ السَّمٰوٰتِ وَ
ستون آسمانها و زمین و تویی خدای برپای دارنده آسمانها و
الْاَرْضِ وَاَنْتَ اللّٰهُ صَرِيخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ غِيَاثُ
زمین و تویی خدای فریادرس فریادکنندگان و تویی خدای غیاث

الْمُسْتَغِيثِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ
مستغیثین و تویی خدای گشایش دهنده از اندوهناکان و تویی خدای
الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَاَنْتَ
فرح بخشنده غمناکان و تویی خدای اجابت کننده دعای بیچارگان و تویی
اللّٰهُ اِلٰهُ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللّٰهُ كَاشِفُ
خدای معبود عالمیان و تویی خدای بسیار رحم کننده مهربان و تویی خدای بر طرف کننده
السُّوءِ وَاَنْتَ اللّٰهُ بِكَ تَنْزِلُ كُلُّ حَاجَةٍ يَا اَللّٰهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ
ناخوشی و تویی خدای که بتو فرود آورده میشود هر حاجتی ای خدای بر نمیگرداند غضب ترا
اِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْ عِقَابِكَ اِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْكَ اِلَّا
مگر حلم تو و خلاص نمیکند از عقاب تو مگر رحمت تو و نجات نمیدهد از تو مگر
التَّضَرُّعُ اِلَيْكَ فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ يَا اِلٰهِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ
زاری بسوی تو پس ببخش برای من از نزد خود ای خدای من رحمتی که بی نیاز گردانی مرا بآن از
رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا اَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ
رحم کسی که غیر تو باشد بقدرتی که بآن زنده کرده جمیع آنچه در شهرهاست
وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْعِبَادِ وَلَا تُهْلِكْنِي غَمًّا حَتّٰى تَغْفِرَ لِي
و بآن برمی انگیزانی مرده بندگان را و هلاک مگردان مرا از غم تا آنکه بیامرزی مرا
وَتَرْحَمَنِي وَتُعَرِّفَنِي الْاِسْتِجَابَةَ فِي دُعَائِي وَارْزُقْنِي الْعَافِيَةَ
و رحم کنی مرا و بشناسانی مرا مستجاب شدن را در دعای من و روزی کن مرا عافیت
اِلٰى مُنْتَهٰى اَجَلِي وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي
تا منتهای اجل من و درگذر از لغزش مرا و شماتت منما از من دشمن مرا
وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ رَقَبَتِي اَللّٰهُمَّ اِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
و مکن بار او را از گردن من خداوندا اگر بلند کنی مرا پس کیست آنکه
يَضَعُنِي وَاِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَاِنْ
پست کند مرا و اگر پست کنی مرا پس کیست که بلند کند مرا و اگر
اَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحُولُ بَيْنَكَ وَبَيْنِي اَوْ يَتَعَرَّضُ
هلاک کنی مرا پس کیست که مانع شود میان من و تو یا متعرض شود

حلمك

لك في شيء من امري وقد علمت ان ليس في حكمك ظلم ولا في

ترا در چیزی از امرم و بتحقیق دانسته ام نیست در حکم تو ظلمی و نه در

نقمتك عجلة وانما تعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى

عقاب تو تعجیل و بدرستی تعجیل میکند کسی که بترسد از فوت و محتاج است بر

الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا الهي فلا تجعلني

ستم کردن ضعیف و بتحقیق برتری ازان ای خدای من پس مگردان مرا

للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني واقلني

از برای بلا نشانه و نه از برای عقوبت جای ایستاده و مهلت ده مرا و درگذر از

عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفي

لغزش مرا و لاحق مگردان بلا عقب بلا پس بتحقیق می بینی ضعف مرا

وقلة حيلتي استعيذ بك الليلة فاعذني واستجير بك

و کمی چاره مرا پناه می آورم بتو در این شب پس پناه ده مرا و زنهار میجویم بتو

من النار فاجرني واسألك الجنة فلا تحرمني بعد ازان دعا کند

از آتش پس زنهار ده مرا و سوال میکنم ترا بهشت پس محروم مگردان مرا

باید که دست داری و استغفار کند خدا را هفتاد مرتبه در حدیث و سنت است که دعا کند از برای چهل کس از برادران

خود یا زیاده پس بگوید اللهم اغفر لفلان تا آخر ایشان بعد ازان بگوید استغفر الله ربي واتوب اليه

و سزاوار است اینکه بشماری استغفار را بدست راست خود و راست نگاهداری دست چپ خود را

روایت کرده است از رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح اگر برسی در استغفار بصد مرتبه خواهد بود

افضل بعد ازان بگوید هفت مرتبه استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

طلب آمرزش میکنم از خدا آنکه نیست خدایی مگر او همیشه زنده

لجميع ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي واتوب اليه بعد ازان

از برای همه ظلم من و جرم من و افراط کردنم بر نفس خود و توبه میکنم بسوی او

بگوید رب اسأت وظلمت نفسي وبئس ما صنعت وهذه

ای پروردگار من بد کردم و ستم کردم بر نفس خود و بد است آنچه کردم و این است

يداي يا رب جزاء بما كسبت وهذه رقبتي خاضعة لما اتيت

دستهای من ای پروردگار من جزای آنچه کسب کردم و این است گردن من فروتن شده برای آنچه کردم

وها انا ذا بين يديك فخذ لنفسك من نفسي الرضا حتى

و اینک منم پیش روی تو پس بگیر از برای نفس خود از نفس من رضا تا اینکه

ترضى لك العتبى لا اعود بعد ازان بگوید العفو العفو سیصد مرتبه بعد ازان

راضی شوی از برای تست رضا رجوع نمیکنم

بگوید رب اغفر لي وارحمني وتب علي انك انت التواب

الرحيم و سنت است طول دادن قنوت پس اضافه میکنی باین آنچه پیش گذشت ذکر

کرده شد که پس اگر وسعت داشته باشد وقت اضافه کن این دعا را که میخواند حضرت

سید العابدین ع چنانکه روایت کرده است از رئیس محدثین در کتاب امالی که ای

سيدي سيدي هذه يداي قد مددتهما اليك بالذنوب

ای سید من ای سید من این است دستهای من بتحقیق دراز کرده ام آنها را بسوی تو با گناهان

مملوة وعيناي بالرجاء ممدودة وحق لمن دعاك بالندم

مملو است و چشمهای من در رجا دراز شده است و سزاوار است کسی را که بخواند ترا به پشیمانی

تذللا ان تجيبه بالكرم تفضلا سيدي امن اهل الشقاء

از روی فروتنی اینکه اجابت کنی او را بکرم از روی تفضل ای سید من آیا از اهل بدبختی

خلقتني فاطيل بكائي ام من اهل السعادة خلقتني فابشر

آفریده مرا پس دراز کنم گریه خود را یا از اهل نیکبختی آفریده مرا پس بشارت دهم

رجائي سيدي ألضرب المقامع خلقت اعضائي

امید خود را ای سید من آیا از برای زدن گرزها خلق کرده اعضای مرا

أم لشرب الحميم خلقت أمعائي سيدي لو أن عبدا استطاع
الهرب من مولاه لكنت أول الهاربين منك لكني أعلم
أني لا أفوتك سيدي لو أن عذابي مما يزيد في ملكك
لسألتك الصبر عليه غير أني أعلم أنه لا يزيد في ملكك
طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية العاصين سيدي
ما أنا وما خطري هب لي بفضلك وجللني بسترك واعف
عن توبيخي بكرم وجهك إلهي وسيدي ارحمني مصروعا
على الفراش تقلبني أيدي أحبتي وارحمني مطروحا
على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وارحمني محمولا قد
تناول الأقرباء أطراف جنازتي وارحم في ذلك
البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي واگر وقت تنگ باشد
از طول دادن قنوت پس مرتبت اقتصار بر آنچه خواهی از آنچه وسعت داشته باشد از او قت
واز دعاهای مختصره خوب قنوت بان در وسعت و تنگی در وتر و غیر آن اینده عاست

اللهم ان

اللهم إن كثرة الذنوب تكف أيدينا عن انبساطها إليك
بالسؤال والمداومة على المعاصي تمنعنا من التضرع والابتهال
والرجاء يحثنا على سؤالك يا ذا الجلال فإن لم يعطف السيد
على عبده فممن يبتغي النوال فلا ترد أكفنا المتضرعة إليك
إلا ببلوغ الآمال وصلى الله على أشرف الأنبياء والمرسلين
محمد وآله الطاهرين پس هرگاه فارغ شدی از قنوت پس رکوع کن و میگوئی بعد از
سر برداشتن از رکوع هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله
وذنبه عظيم وشكره قليل إلهي طموح الآمال قد خابت
إلا لديك ومعاكف الهمم قد تقطعت إلا عليك ومذاهب
العقول قد سمت إلا إليك فإليك الرجاء وإليك الملتجأ
يا أكرم مقصود ويا أجود مسؤول هربت إليك بنفسي يا ملجأ
الهاربين بأثقال الذنوب أحملها على ظهري وما أجد
لي إليك شافعا سوى معرفتي بأنك أقرب من رجاه الطالبون

ويلجأ إليه المضطرون وأمّل ما لديه الراغبون يا من فتق
و پناه برده است بسوی او بیچارگان و امید داشته اند آنچه از نزد اوست ای کسی که شکافته
العقول بمعرفته وأطلق الألسن بحمده وجعل ما امتنّ به
عقلها را بشناخت او و روان کرده است زبانها را بحمد خود و گردانیده است آنچه انعام داده است بآن
على عباده كفاءً لتأدية حقه صلّ على محمد وآله ولا
بر بندگان خود از برای بجا آوردن حق خود رحمت بفرست بر محمد و آل او و
تجعل للهموم على عقلي سبيلا وللباطل على عملي دليلا
مگردان از برای غمها بر عقل من راهی و نه از برای باطل بر عمل من دلیل
برحمتك يا أرحم الراحمين بعد از آن دو سجده شکر میکنی و تشهد میخوانی و
برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

سلام میدهی پس تسبیح حضرت زهرا ع بعد از آن این دعا را که معروفست بدعای حزین

أناجيك يا موجودًا في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد
مناجات میکنم بسوی تو ای یافته شده در هر مکانی امید است که تو بشنوی آواز مرا پس بتحقیق
عظم جرمي وقلّ حيائي مولاي يا مولاي أيّ الأهوال
بزرگست گناه من و کم است حیای من ای خداوند من ای خداوند من کدام یک از هولها را
أتذكر وأيها أنسى ولو لم يكن إلا الموت لكفى كيف
یاد کنم و کدام یک از آنها را فراموش کنم و حال آنکه اگر نبود مگر مرگ هر آینه کافی است
وما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي يا مولاي حتى متى
و حال آنکه آنچه بعد از مرگست بزرگتر و سخت تر است ای خداوند من ای خداوند من تا چند
وإلى متى أقول لك العتبى مرة بعد أخرى ثم لا تجد
بگویم از برای تو عتبی مرتبه بعد از مرتبه باز نیابی
عندي صدقًا ولا وفاءً فيا غوثاه ثم واغوثاه
نزد من راستی و نه وفا پس ای داد باز ای داد
بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب
بتو ای خدای از خواهشی که بتحقیق غلبه کرده است بر من و از دشمنی که بتحقیق حریص است

علي ومن

عليّ ومن دنيا قد تزيّنت لي ومن نفس أمّارة بالسوء
بر من و از دنیای که بتحقیق زینت داده است خود را برای من و از نفس که بسیار امر کننده است ببدی
إلا ما رحم ربي مولاي إن كنت رحمت مثلي
فارحمني وإن كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة
اقبلني يا من لم أزل أتعرّف منه الحسنى يا من يغذيني
بالنعم صباحًا ومساءً ارحمني يوم آتيك فردًا شاخصًا
إليك بصري مقلّدًا عملي قد تبرّأ جميع الخلق مني نعم
وأبي وأمي ومن كان له كدّي وسعيي فإن لم ترحمني
فمن يرحمني ومن يؤنس في القبر وحشتي ومن ينطق
لساني إذا خلوت بعملي وسألتني عمّا أنت أعلم به مني
فإن قلت نعم فأين المهرب من عدلك وإن قلت لم
أفعل قلت ألم أكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي
قبل سرابيل القطران عفوك عفوك يا مولاي قبل أن
تغلّ الأيدي إلى الأعناق يا أرحم الراحمين وخير الغافرين

بعد از آن سجده بکن و بگو اللّهم صلّ على محمّد وآله وارحم ذلّي بين
يديك وتضرّعي إليك ووحشتي من الناس وأنسي بك يا كريم
يا كائنا قبل كل شيء يا مكوّن كل شيء يا كائنا بعد كل شيء لا
تفضحني فإنّك بي عالم ولا تعذّبني فإنّك عليّ قادر
اللّهم إنّي أعوذ بك من كرب الموت ومن سوء المرجع في
القبور ومن الندامة يوم القيمة أسألك عيشة هنيئة
وميتة سويّة ومنقلبا كريما غير مخزي ولا فاضح
اللّهم مغفرتك أوسع من ذنوبي ورحمتك أرجى عندي
من عملي فصلّ على محمّد وآل محمّد واغفر لي يا حيّا لا يموت

بعد از آنکه فارغ شدی از مفرده وتره آنچه از تعقیبات متعلق بآنست برخیزی
برای دو رکعت نافله صبح و بخوان آنها را دست آستین باعتبار آنکه پنهان کرده میشود در نماز
شب چنانکه روایت از شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق ع دو رکعت با نماز شب
و اظهر کشیدن وقت آنها تا طلوع سرخی چنانکه متضمن است بعضی روایات و چنانکه
قائل شده اند بآن جماعتی از علمای ما قدس اسرارهم هرچند فضل اوقات آنها ما بین صبح کاذب

و صادق است و مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد
پس بعد از سلام دادن بخواب بر پهلوی راست رو بقبله بروشی که میت را در لحد میگذارند و بگذار
کف دست خود را بر روی دست راست خود و بگو استمسكت بعروة الله الوثقى
التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين وأعوذ بالله
من شرّ فسقة العرب والعجم ومن شرّ فسقة الجن والإنس
ربّي الله ربّي الله ربّي الله آمنت بالله توكّلت على الله
لا حول ولا قوّة إلا بالله ومن يتوكّل على الله فهو حسبه
إنّ الله بالغ أمره قد جعل الله لكلّ شيء قدرا حسبي الله
ونعم الوكيل اللّهم من أصبح وله حاجة إلى مخلوق فإنّ
حاجتي ورغبتي إليك وحدك لا شريك لك لك الحمد
الحمد لله ربّ الصباح الحمد لله فالق الإصباح الحمد لله
قاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس والقمر
حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللّهم صلّ على محمّد وآل محمّد

واجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وعلى لساني نورا وبين

يديّ نورا ومن خلفي نورا وعن يميني نورا وعن شمالي نورا

ومن فوقي ومن تحتي نورا واعظم لي النور واجعل لي نورا

امشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القيمة بعد ازان بخوان

از اخر آل عمران ان في خلق السموات والارض تا انك لا تخلف الميعاد و بعد ازان مي‌کشد و

تسبيح بکند تسبيح حضرت زهرا ع بعد ازان بگويد صد مرتبه سبحان ربي العظيم و

بحمده استغفر الله ربي واتوب اليه بعد ازان بگويد هفت مرتبه بسم الله

الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سجده بکند

يکي ديگر بگويد و ان شاء الله هرچه برسد بخاطر تو از دعاها چه پيش ازين گذشت و دعا کن درانشا از

براي برادر مومن خود پس بگويد اللهم رب الفجر والليالي العشر والشفع

والوتر والليل اذا يسر ورب كل شيء وخالق كل شيء

ومليك كل شيء صل على محمد وآله وافعل بي وبفلان

وفلان ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانك

اهل

اهل التقوى واهل المغفرة وسزاوار است که بخواند بعد از فراغ از نماز شب

يعني سيزده رکعت اين دعا را که ميخوانده اند حضرت سيد العابدين ع و اين دعا از صحيفه کامله است

اللهم يا ذا الملك المتأبد بالخلود والسلطان الممتنع بغير

جنود ولا اعوان والعز الباقي على مر الدهور وخوالي الاعوام

ومواضي الازمان والايام عز سلطانك عزا لا حد له باولية

ولا منتهى له باخرية واستعلى ملكك علوا سقطت الا

شياء دون بلوغ امده ولا يبلغ ادنى ما استأثرت به من

ذلك اقصى نعت الناعتين ضلت فيك الصفات وتفسخت

دونك النعوت وحارت في كبريائك لطائف الاوهام

كذلك انت الله الاول في اوليتك وعلى ذلك انت دائم

لا تزول وانا العبد الضعيف عملا الجسيم املا خرجت من

يدي اسباب الوصلات الا ما وصله رحمتك وتقطعت

عني عصم الامال الا ما انا معتصم به من عفوك قل عندي

ما أعتد به من طاعتك وكثر علي ما أبوء به من معصيتك ولن
يضيق عليك عفو عن عبدك وإن أساء فاعف عني اللهم
وقد أشرف على خفايا الأعمال علمك وانكشف كل مستور
دون خبرك ولا تنطوي عنك دقائق الأمور ولا تعزب
عنك غيبات السرائر وقد استحوذ علي عدوك الذي
استنظرك لغوايتي فأنظرته واستمهلك إلى يوم الدين
لإضلالي فأمهلته فأوقعني وقد هربت إليك من
صغائر ذنوب موبقة وكبائر أعمال مردية حتى إذا
قارفت معصيتك واستوجبت بسوء سعيي سخطتك فتل
عني عذار غدره وتلقاني بكلمة كفره وتولى البراءة
مني وأدبر موليا عني فأصحرني لغضبك فريدا وأخرجني
إلى فناء نقمتك طريدا لا شفيع يشفع لي إليك ولا خفير
يؤمنني عليك ولا حصن يحجبني عنك ولا ملاذ ألجأ

إليه منك فهذا مقام العائذ بك ومحل المعترف لك فلا يضيقن
عني فضلك ولا يقصرن دوني عفوك ولا أكن أخيب
عبادك التائبين ولا أقنط وفودك الآملين واغفر لي
إنك خير الغافرين اللهم إنك أمرتني فتركت ونهيتني
فركبت وسول لي الخطاء خاطر السوء ففرطت ولا أستشهد
على صيامي نهارا ولا أستجير بتهجدي ليلا ولا تثني
علي بإحيائها سنة حاشا فروضك التي من ضيعها هلك
ولست أتوسل إليك بفضل نافلة مع كثير ما أغفلت من
وظائف فروضك وتعديت عن مقامات حدودك إلى
حرمات انتهكتها وكبائر ذنوب اجترحتها كانت عافيتك
لي من فضائحها سترا وهذا مقام من استحيا لنفسه منك
وسخط عليها ورضي عنك فتلقاك بنفس خاشعة ورقبة
خاضعة وظهر مثقل من الخطايا واقفا بين الرغبة إليك

والرهبة منك وانت اولى من رجاه واحق من خشيه واتقاه
فاعطني يا رب ما رجوت وامني مما حذرت وعد علي
بعائدة رحمتك انك اكرم المسؤلين اللهم واذ سترتني
بعفوك وتغمدتني بفضلك في دار الفناء بحضرة الاكفاء
فاجرني من فضيحات دار البقاء عند مواقف الاشهاد
من الملئكة المقربين والرسل المكرمين والشهداء والصالحين
وكم من جار كنت اكاتمه سيئاتي ومن ذي رحم كنت
احتشم منه في سريراتي لم اثق بهم رب في الستر علي
ووثقت بك رب في المغفرة لي وانت اولى من وثق به
واعطى من رغب اليه وارءف من استرحم فارحمني
اللهم وانت حدرتني ماء مهينا من صلب متضائق
العظام حرج المسالك الى رحم ضيقة سترتها
بالحجب تصرفني حالا عن حال حتى انتهيت بي الى

الى تمام الصورة واثبت في الجوارح كما نعت في كتابك
نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظاما ثم كسوت العظام
لحما ثم انشاتني خلقا اخر كما شئت حتى اذا احتجت الى
رزقك ولم استغن عن غياث فضلك جعلت لي قوتا من
فضل طعام وشراب اجريته لامتك التي اسكنتني جوفها
واودعتني قرار رحمها ولو تكلني يا رب في تلك الحالات
الى حولي او تضطرني الى قوتي لكان الحول عني معتزلا
ولكانت القوة مني بعيدة فغذوتني بفضلك غذاء البر
اللطيف تفعل ذلك بي تطولا علي الى غايتي هذه لا
اعدم برك ولا يبطئ بي حسن صنيعك ولا تتاكد مع ذلك
ثقتي فاتفرغ لما هو احظى لي عندك وقد ملك الشيطان
عناني في سوء الظن وضعف اليقين فانا اشكو سوء
مجاورته لي وطاعة نفسي له واستعصمك من ملكته

واتضرع اليك في ان تسهل الى رزقي سبيلي فلك الحمد
على ابتدائك بالنعم الجسام والهامك الشكر على الاحسان
والانعام فصل على محمد واله وسهل علي رزقي وان تقنعني
بتقديرك لي وان ترضيني بحصتي فيما قسمت لي وان
تجعل ما ذهب من جسمي وعمري في سبيل طاعتك انك
خير الرازقين اللهم اني اعوذ بك من نار تغلظت
بها على من عصاك وتوعدت بها من صدف عن رضاك
ومن نار نورها ظلمة وهينها اليم وبعيدها قريب
ومن نار ياكل بعضها بعضا ويصول بعضها على بعض
ومن نار تذر العظام رميما وتسقي اهلها حميما ومن
نار لا تبقي على من تضرع اليها ولا ترحم من استعطفها
ولا تقدر على التخفيف عمن خشع لها واستسلم اليها تلقى
سكانها باحر ما لديها من اليم النكال وشديد الوبال

واعوذ بك من عقاربها الفاغرة افواهها وحياتها الصالقة
بانيابها وشرابها الذي يقطع امعاء وافئدة سكانها و
ينزع قلوبهم واستهديك لما باعد منها واخر عنها اللهم
صل على محمد واله واجرني منها بفضل رحمتك واقلني
عثراتي بحسن اقالتك ولا تخذلني يا خير المجيرين انك
تقي الكريهة وتعطي الحسنة وتفعل ما تريد وانت كل
شيء قدير اللهم صل على محمد واله اذا ذكر الابرار
اللهم صل على محمد واله ما اختلف الليل والنهار صلوة
لا ينقطع مددها ولا يحصى عددها صلوة تشحن الهواء
وتملأ الارض والسماء حتى يرضى وصلى الله عليه واله
بعد الرضا صلوة لا حد لها ولا منتهى يا ارحم الراحمين





